اولین روزنامه سهامداری ایران (خبرنگاران و کارکنان)

صمت
صنعت معدن تجارت

شنبه
• ۱۴ مرداد ۱۴۰۲
• ۱۸ محرم ۱۴۴۵
• ۵ اوت ۲۰۲۳

• سال سی‌وپنجم شماره پیاپی ۳۶۹۳ • دوره جدید سال نهم شماره ۲۳۷۵ • ۱۶ صفحه • قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

www.smtnews.ir - http://Telegram.me/smtnews

توسعه بانکداری خصوصی به تضعیف تولید انجامید

برخی نظریه‌های اقتصادی که بر رابطه مثبت میان توسعه مالی و بخش حقیقی اقتصاد تاکید دارند، خصوصی‌سازی نهادهای مالی و باز کردن راه ورود بخش خصوصی به نظام پولی را به‌عنوان روشی برای توسعه مالی مطرح می‌کنند، اما عملکرد نامناسب بانک‌های خصوصی در برخی کشورها نشان داده این سیاست لزوما به نتایج دلخواه منجر نمی‌شود. فقدان چارچوب نهادی موجب شده عملکرد بانک‌های خصوصی در برخی کشورها از جمله ایران قابل‌دفاع نباشد.

نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد هرچه دامنه فعالیت بانک‌های خصوصی گسترش یافته، تولید به‌طورمنفی متاثر شده است.

۱۱

واکنش فعالان صنعتی به دستور ویژه رئیس‌جمهوری به بانک‌ها

حمایت از تولید و اشتغال واقعی نیست

هر قدر نظام بانکی رابطه قوی‌تر و سالم‌تری با تولید داشته باشد، به همان اندازه اقتصاد رشدیافته‌تر و به‌تبع آن، اشتغالزایی بیشتری خواهیم داشت. حمایت از تولید یعنی حمایت غیرمستقیم از اشتغال که در ادامه کاهش بیکاری و رفاه اجتماعی را به‌دنبال خواهد داشت. برهمین اساس، رئیس‌جمهوری در ششمین جلسه شورای‌عالی اشتغال با تاکید بر لزوم اجرای به‌موقع قوانین مصوب مربوط به اشتغال تاکید کرد هیچ واحد تولیدی نباید به‌دلیل بدهی به نظام بانکی تعطیل شود. ابراهیم رئیسی همچنین خواستار همراهی بانک‌ها در این زمینه شد و از نظام بانکی درخواست کرد بازپرداخت تسهیلات از مسیرهای دیگری پیگیری شود. با این همه، فعالان صنعتی معتقدند حمایت از تولید و اشتغال واقعی نیست و واحد تولیدی حتی اگر بابت بدهی تسهیلاتی هم تعطیل نشود، در نهایت به‌دلیل عدم‌حمایت بانک‌ها در اعطای تسهیلات و کمبود نقدینگی شدید، با کاهش ظرفیت تولید و در نهایت تعدیل نیرو و افزایش بیکاری درگیر خواهد شد.

۲و۴



عکس: ایسنا

ضعف قدرت خرید، در «خانه» مردم را از پاشنه درآورد

گرانی، پای ثابت بازار مسکن

۱۰

سرمقاله



حال زار تولید پوشاک در ایران

۲

یادداشت‌های امروز



کارآفرینی، محرک توسعه اشتغال

۴



به‌کجا چنین شتابان؟

۶



سردرگمی سرمایه در بازار ملک

۱۰

گفت‌وگو



اجرای صرف سیاست‌های ابلاغی مدیر «بله‌قربان‌گو» می‌خواهد

۱۲

گزارش‌های روز

مشوق مالیاتی به سود دانش‌بنیان‌ها است؟

وعده‌های بی‌عمل

۱۳

گزارش تخلف در انتخابات اتاق بازرگانی به مجلس رسید

دهمین دوره انتخابات هیات‌رئیسه اتاق بازرگانی، ۲۸ خرداد برگزار و حسین سلاح‌ورزی رئیس پارلمان بخش خصوصی شد، اما پس از بررسی‌ها مشخص شد که نهادهای ذی‌ربط، صلاحیت وی را برای حضور در این انتخابات تایید نکرده‌اند.خبر این تخلف با حاشیه‌های بسیاری ادامه یافت و اخیرا نیز رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس از ارائه گزارش این تخلفات تا ۲ هفته آینده در صحن علنی مجلس خبر داده است.

۲

فراخوان مناقصه

صبانور

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور در نظر دارد جهت درخواست «انجام مطالعات خط لوله و تاسیسات وابسته جهت انتقال آب به کارخانه کنسانتره گلالی شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور» از طریق مناقصه اقدام به انتخاب مشاور نماید.

محل دریافت اسناد: تهران، سعادت‌آباد، خیابان شهید حق‌طلب غربی (۲۶ غربی)، پلاک ۴۹ -طبقه سوم واحد بازرگانی شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور- کدپستی: ۱۹۹۷۹۶۹۱۳۸

مهلت دریافت اسناد: از تاریخ انتشار آگهی تا ساعت ۱۶ روز چهارشنبه ۱۴۰۲/۰۵/۱۸

مهلت تحویل اسناد: ساعت ۱۶ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۸

مدارک لازم جهت دریافت اسناد: معرفینامه رسمی همراه با کارت شناسایی و نامه اعلام کتبی نام مسئول، شماره تماس مستقیم و پست الکترونیک سازمانی مناقصه‌گر جهت دریافت و ارسال مکاتبات.

شرایط اولیه شرکت در فراخوان:

۱- داشتن گواهینامه صلاحیت مشاوره حداقل با پایه ۲ در تخصص آب و فاضلاب و یا حداقل ۱ در تخصص آبیاری و زهکشی از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور (سهامی عام)

فراخوان مناقصه

صبانور

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور در نظر دارد جهت «انجام مطالعات امکان‌سنجی فنی و اقتصادی تامین برق موردنیاز واحدهای تولیدی مستقر در استان‌های همدان و کردستان» اقدام به انتخاب مشاور از طریق مناقصه نماید.

محل دریافت اسناد: تهران، سعادت‌آباد، خیابان شهید حق‌طلب غربی (۲۶ غربی)، پلاک ۴۹ -طبقه سوم واحد بازرگانی شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور- کدپستی: ۱۹۹۷۹۶۹۱۳۸

مهلت دریافت اسناد: از روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۴ تا ساعت ۱۶ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۸

مهلت تحویل اسناد: تا ساعت ۱۶ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

مدارک لازم جهت دریافت اسناد: معرفینامه رسمی همراه با کارت شناسایی و نامه اعلام کتبی نام مسئول، شماره تماس مستقیم و پست الکترونیک سازمانی مناقصه‌گر جهت دریافت و ارسال مکاتبات.

شرایط اولیه شرکت در فراخوان:

۱- دارا بودن حداقل دو کار مشابه (انجام مطالعات فنی و اقتصادی جهت احداث واحد نیرو گاهی با ظرفیت حداقل ۱۰ مگاوات) جهت شرکت در مناقصه الزامی است.

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور (سهامی عام)





سرمقاله



حال زار تولید پوشاک در ایران

منوچهر محمدشمیرانی
کارشناس ارتباطات

بعید است کسی بداند چه کسی، نخستین لباس ـ به‌معنای امروزی ـ را دوخته و بر تن کرده است. اما چیزی که مشخص است؛ اگر بخواهیم نگاهی عمیق به تاریخ لباس و پوشاک و آنچه، برای پوشاندن بدن استفاده می‌شود، داشته باشیم، باید بگوییم به زمان‌های خیلی دور و عصر انسان‌های اولیه بر می‌گردد.

پوشش انسان‌های نئاندرتال، موی بدن‌شان بود و از زمانی که نسل انسان‌های اولیه، جای خود را به گونه دیگری از آدمیان داد، درک و عقل انسان‌ها تکامل یافت و از زندگی فردی، به‌سمت زندگی جمعی و گروهی گرایش پیدا کردند.

در این دوره، از شاخ و برگ درختان، تا پوست حیوانات شکارشده را به‌عنوان پوشش استفاده می‌کردند. به روایت انسان‌شناسان، از حدود ۳۰ هزار سال پیش، با شناختن کاربرد میله باریک نوک تیزی به نام «سوزن» ـ به‌جای گره زدن پارچه ـ دوختن لباس آغاز شد.

تاریخچه استفاده از لباس، به زمان‌های بسیار دور و عهد باستان بر می‌گردد. در آن زمان، بیشتر مردم لباس‌های گشاد و ساده بر تن می‌کردند. البته، افراد ثروتمند لباس‌های ابریشم و حریر می‌پوشیدند و یکی از نمادهای این‌گونه افراد را، می‌توان ملکه الیزابت اول دانست که به هنگام مرگش، بیش از ۳ هزار دست لباس در کمدهای شخصی‌اش داشت.

تاریخ پوشاک ایرانیان، با تمدن بی‌نظیری که داشتند، به حدود ۱۰ هزار سال قبل بر می‌گردد. نخستین وسیله ریسندگی متعلق به سال‌های پیش از میلاد مسیح، در غار کمربند واقع در بهشهر کشف شده و علاوه بر آن، پیدا کردن سوزن‌های سوراخ‌دار در شهر باستانی شوش، نشانگر آن است که سرچشمه خیلی از دستاوردهای بشریت، از تمدن ایران بوده است.

شاید جالب باشد، بدانید نخستین قومی که کت و شلوار می‌پوشید، ایرانیان بودند که کت‌های آستین‌دار و شلوار رسمی داشتند. در آن زمان، رومی‌ها، آشوری‌ها، بابلی‌ها و یونانی‌ها شلوار نمی‌پوشیدند و مردم ایران را به‌خاطر پوشیدن شلوار مسخره می‌کردند.

▣ تجارت پوشاک

تجارت لباس و پوشاک در جهان امروز، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. شرکت‌های فراوانی در سراسر دنیا، به این کار مشغول هستند. به‌همین‌دلیل، ضروری است تولیدکنندگان لباس در ایران، با رقبای خویش و تاجران لباس، با مهم‌ترین صادرکنندگان لباس و پوشاک آشنا شوند.

طبق داده‌های سازمان تجارت جهانی، چین به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور صادرکننده لباس در جهان شناخته می‌شود که توانسته است در چند سال اخیر، همواره در صدر کشورهای صادرکننده پوشاک قرار بگیرد.

خوب است، بدانید کشور چین در طول سال ۲۰۲۱ حدود ۱۷۶ میلیارد دلار پوشاک به سراسر نقاط جهان صادر کرده است. البته وجود شرکت‌های بسیار زیاد تولید لباس با کیفیت‌های گوناگون، می‌تواند نشانه آن باشد که چین، قصد ندارد به این زودی‌ها، این رتبه را از دست بدهد. اما اختصاص یک‌سوم کل صادرات جهانی پوشاک در سال ۲۰۲۱ و تولید یک‌دوم از پوشاک مصرفی دنیا، حاکی از نقش تعیین‌کننده چین در صنعت پوشاک جهان است.

پس از کشور چین، در فهرست کشورهای صادرکننده پوشاک در جهان، اتحادیه اروپا با ۱۵۱ میلیارد دلار، بنگلادش با ۳۴ میلیارد دلار، ویتنام با ۳۱ میلیارد دلار، ترکیه با ۱۹ میلیارد دلار، هند با ۱۶ میلیارد دلار، مالزی با ۱۵ میلیارد دلار و اندونزی با ۹ میلیارد دلار، رتبه‌های دوم تا دهم را از آن خود کرده‌اند.

نکته جالب‌توجه، جایگاه کشور بنگلادش است که در رتبه سوم قرار گرفته و اگر فراموش نکنیم، رتبه دوم مربوط به اتحادیه اروپا ـ متشکل از چندین کشور اروپایی ـ است. باتوجه به موقعیت جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی بنگلادش و میزان پیشرفت صنعت تولید لباس در آن کشور، می‌توان گفت بنگلادش، آینده مناسبی در تولید و صادرات پوشاک به سراسر جهان خواهد داشت.

نکته قابل‌ذکر دیگر، نقش کشورهای آسیایی در تولید و صادرات لباس به دنیا است. براساس آمار اشاره‌شده، می‌توان به این نتیجه رسید که بیشترین میزان تولید پوشاک در جهان، در قاره آسیا انجام می‌شود. پس از بنگلادش، ویتنام با ۵.۸ درصد از صادرات جهانی، ترکیه با ۳.۵ درصد، هند با ۳ درصد و مالزی با ۲.۷ درصد، صادرات لباس به سراسر جهان را برعهده دارند.

براساس این آمار، جز ۱۷۶ میلیارد دلار صادرات کشور چین، مجموع صادرات دیگر کشورهای آسیایی به مبلغی بالغ بر ۱۲۴ میلیارد دلار می‌رسد. در نتیجه، کشورهای آسیایی در مجموع، مبلغ ۳۰۰ میلیارد دلار صادرات لباس، در مقابل ۱۵۱ میلیارد دلار کشورهای اتحادیه اروپا داشته‌اند که برتری ۲برابری کشورهای آسیایی در این زمینه را نشان می‌دهد و باتوجه به رشد بین ۸ تا ۱۱ درصدی کشورهای آسیایی در بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱، می‌توان امیدوار بود کشورهای آسیایی بتوانند در آینده نیز، بیش از پیش گوی سبقت را از کشورهای اروپایی بربایند. لازم به ذکر است، در زمینه تولید و صادرات لباس و پوشاک، کشورهایی مانند مکزیک با ۳.۳۲ میلیارد دلار، مراکش ۳.۶ میلیارد دلار، مصر با ۲.۴۹ میلیارد دلار، السالوادور با ۱.۵ میلیارد دلار هم، در کنار کشور پرو با کیفیت بالای پنبه و تایلند با دارا بودن مجموعه ویژگی‌های استاندارد و به‌روز صنعت نساجی، سهمی را در تولید و صدور لباس به جهان دارند.

البته، افسوسی که در این میانه باقی می‌ماند، جای خالی ایران و صنعت نساجی آن است. کشوری مانند ایران با پیشینه‌ای قوی در صنعت پوشاک از زمان‌های دور، شمع صنایع نساجی آن رو به خاموشی است و نیاز شدیدی به بازنگری کامل در ضوابط و مقررات و قوانین مرتبط با تولید، طراحی، فروش و صادرات پوشاک تولید ایران به کشورهای دیگر را دارد. ای کاش، قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران کشور می‌دیدند که صنعت تولید پارچه و لباس کشور، حال زار و نزاری دارد و اگر به‌موقع، تدابیر مناسبی اتخاذ نشود، این صنعت هم، سالم از زیر دستگاه اکسیژن بیرون نیاید!

اعلام آمار کاهشی از تورم تولیدکننده با وجود مشکلات فراوان تولید

معادله چندمجهولی

اقتصاد زنجیره پیوسته‌ای از تولید، واردات، صادرات و خدمات است. اگر تولید موردتوجه قرار بگیرد، اقتصاد رشد می‌کند و به‌دنبال آن، شاهد مهار تورم خواهیم بود. تولید پایدار در ایجاد اشتغال، محرومیت‌زدایی، امنیت اجتماعی و ایجاد بازارهای محلی و کاهش آثار منفی رکود تورمی، نقشی موثر دارد. از سوی دیگر، به‌گفته کارشناسان برای افزایش تولید و کاهش تورم، باید اصلاح سیاست‌های اقتصادی و بهبود شرایط تولید، در مرکز توجه برنامه‌های دولت قرار گیرد. برای تحقق این مهم نیز، استفاده از روش‌های متنوعی مانند ثبات نرخ نهاده‌های تولید، تحریم دامنه ورود کالاهای وارداتی غیرضروری و حمایت از بخش خصوصی پیشنهاد می‌شود که می‌تواند باعث بهبود عملکرد تولید، رشد اقتصادی و کاهش تورم شود. در این بین، رئیس‌جمهوری نیز هفته گذشته در جلسه شورای‌عالی اشتغال تاکید کرد: هیچ واحد تولیدی نباید به‌دلیل بدهی بانکی تعطیل شود؛ دستوری که در چند سال گذشته از سوی روسای دولت ابلاغ شده است و تولیدکنندگان نیز بر اجرای آن صحه می‌گذارند، اما معتقدند حمایت از تولید و اشتغال واقعی نیست و واحدهای تولیدی حتی اگر بابت تسهیلات هم تعطیل نشوند، در نهایت، به‌دلیل عدم‌حمایت بانک‌ها در اعطای تسهیلات و کمبود نقدینگی، با کاهش ظرفیت تولید و خطر تعطیلی مواجهند. با این‌همه سخنگوی اقتصادی دولت در نشست خبری اخیر با خبرنگاران، کاهش شدید تورم تولیدکننده را از دستاوردهای دولت سیزدهم در زمینه مهار تورم عنوان کرد و گفت: تورم تولیدکننده به یک‌سوم کاهش یافته است. صمت در این گزارش بااشاره به آمارهای ارائه‌شده از سوی وزیر اقتصاد به بررسی نظر فعالان اقتصادی درباره شرایط روز تولید پرداخته است.



عکس: آیدا فریدی

با اجرای طرح «درآمد پایه همگانی» می‌توان نابرابری‌های ثروت و درآمد را کاهش داد، زمینه آزادسازی تدریجی قیمت‌ها را فراهم آورد و تورم را به‌تدریج و به‌صورت پایدار مهار کرد

تورم تولیدکننده و اهمیت این شاخص در اقتصاد

شاخص بهای تولیدکننده یا شاخص PPI (Producer Price Index) مانند شاخص بهای مصرف‌کننده (CPI) از جمله شاخص‌های قیمتی است که در بررسی روند سطح قیمت‌ها موردبررسی قرار می‌گیرد. شاخص بهای تولیدکننده یکی از معیارهایی است که به‌منظور سنجش عملکرد اقتصادی، از سطح عمومی قیمت‌ها محاسبه و منتشر می‌شود. از این‌رو، تاثیر قابل‌توجهی بر تصمیم‌گیری صاحبان صنایع، سرمایه‌گذاران و حتی سیاستمداران خواهد داشت. هدف از محاسبه شاخص بهای تولیدکننده، اندازه‌گیری تغییرات قیمت‌هایی است که تولیدکنندگان در ازای فروش کالاها و خدمات خود دریافت می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان عنوان کرد که این شاخص، نرخ کالاها در کارخانه و مبدأ تولید را در نظر می‌گیرد. این شاخص به‌صورت یک شاخص وزنی از نرخ عمده‌فروشی کالاها یا قیمت‌های تولیدکننده محاسبه می‌شود؛ به‌همین‌دلیل برخی شاخص بهای تولیدکننده را شاخصی می‌دانند که روندهای قیمتی در بازارهای عمده‌فروشی، صنایع تولیدی و بازار کالاها را منعکس می‌کند. در ادبیات اقتصادی از این شاخص به‌عنوان یک شاخص پیش‌نگر (Leading Indicator) یاد می‌شود؛ به این معنی که با بررسی این شاخص می‌توان از سطح تغییر قیمت‌ها در بازار کالا و خدمات مصرفی یا تورم اطلاع کسب کرد. به‌بیان دیگر، هر افزایش یا کاهش نرخ در شاخص بهای تولیدکننده با یک وقفه زمانی در شاخص بهای مصرف‌کننده نیز مشاهده می‌شود. از این‌رو از تغییرات شاخص بهای تولیدکننده به‌عنوان پیشگویی برای تورم یاد می‌کنند. علاوه بر این، شاخص بهای تولیدکننده روند تغییرات قیمت‌ها را از دیدگاه تولیدکننده و خریدار در بخش‌های مختلف اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) نشان می‌دهد.

تورم تولیدکننده به یک‌سوم کاهش یافت



سخنگوی اقتصادی دولت، کاهش شدید تورم تولیدکننده را از دستاوردهای دولت سیزدهم در زمینه مهار تورم عنوان کرد و گفت: توانستیم این متغیر را که در اردیبهشت سال ۱۴۰۰ به سقف تاریخی خود یعنی ۱۰۳ درصد رسیده بود، به سطح ۳۲ درصد در اردیبهشت امسال برسانیم. سیداحسان خاندوزی در نشست خبری اخیر خود که در ساختمان کوثر نهاد ریاست‌جمهوری برگزار شد، با مروری بر آخرین آمار و تحولات اقتصادی، از کاهش تورم تیر خبر داد و گفت: براساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران، تورم بعد از یک دوره ۱۴ماهه به کانال ۳۰ درصد بازگشته است. وی با اعلام اینکه در بخش اسمی اقتصاد ایران، نرخ تورم ماهانه تیر با ثبت عدد ۱.۹۵ ، کمترین عدد ۱۶ ماه گذشته است، متذکر شد: در تیر، تورم نقطه به نقطه نیز با کاهش ۳.۲ واحد درصدی نسبت به خرداد به عدد ۳۹.۴ درصد کاهش یافته است.خاندوزی یکی از مهم‌ترین زیرشاخص‌های تورم را مربوط به گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها دانست و اظهار کرد: تورم در این بخش با کاهش ۵.۵ واحد درصدی در مقدار نقطه به نقطه به عدد ۳۷.۱ درصد رسیده است. وی یادآور شد: برای بیشتر مردم، تورم اقلام خوراکی و آشامیدنی حائزاهمیت است؛ تورم این اقلام در تیر با کاهش ۰.۶ درصدی مواجه بوده که ثبات نرخ خوراکی در ماه تیر را می‌رساند و نسبت به ماه قبل، یک واحد درصد کاهش یافته است.

به‌گفته وزیر اقتصاد، تمامی این موارد به‌معنای آن است که تدابیر اتخاذشده برای تغییر مسیر موثر واقع شده است و دولت برای رسیدن به وضع مطلوب از هیچ تلاشی دریغ نخواهد کرد.

▣ انضباط مالی دولت تورم را کاهش داد

سخنگوی اقتصادی دولت نخستین عامل اساسی کاهش تورم در کشور را کاهش تدریجی نرخ رشد نقدینگی از ابتدای دولت تا کنون عنوان کرد و گفت: نرخ رشد نقدینگی در خرداد امسال پس از ۱۶ ماه، نرخ رشد مقدار ۱۲ماهه آن به زیر ۳۰ درصد کاهش پیدا کرد. خاندوزی با یادآوری اینکه کاهش نرخ رشد نقدینگی از مسیر انضباط‌بخشی به بودجه و پرهیز دولت از استقراض پولی از بانک مرکزی به‌دست آمده است، اظهار کرد: عدم‌استقراض دولت از بانک مرکزی منجر شد که در سال ۱۴۰۱ ، خالص بدهی دولت به بانک مرکزی بهبود یافت و در پایان این سال به منفی ۱۲۵ درصد رسید. وی در ادامه اظهار کرد: تلاش دولت این بود که با انضباط‌بخشی به بودجه خود و عملیات مالی و انضباط‌بخشی به شبکه بانکی کشور و کنترل مقدار ترازنامه بانکی، رشد نقدینگی را به سطوح بلندمدت خود نزدیک کند.

سخنگوی اقتصادی دولت با بیان موثر بودن انضباط بودجه‌ای دولت و نیز اصلاح ترازنامه بانک‌ها در مهار رشد نقدینگی، به رشد پرداخت‌های عمرانی دولت اشاره کرد و افزود: رشد پرداخت‌های عمرانی بیش از پرداخت‌های جاری است و عدد ۱۰۳ درصد رشد در پرداخت عمرانی ۴ ماه ۱۴۰۲ حاکی از این است که می‌توانیم امیدوار به رونق از محل تحریک بودجه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های دولت باشیم.

▣ تعدیل انتظارات تورمی در ماه‌های اخیر

خاندوزی در ادامه درباره اثرات تعدیل انتظارات تورمی در کاهش تورم، گفت: دومین دلیل کاهش تورم در تیر، تعدیل انتظارات تورمی در ماه‌های اخیر بوده که به‌نوبه خود موجب ثبات‌بخشی به بازار ارز شده است.

به‌گفته وی، سومین علت کاهش نرخ تورم، کاهش تورم جهانی بوده، به‌طوری‌که در ۴ ماه امسال نسبت به سال قبل، بازار جهانی از ثبات نسبی برخوردار بوده است. وزیر اقتصاد با تاکید بر اینکه تورم تولیدکننده در دولت سیزدهم به یک‌سوم کاهش یافت، گفت: از دیگر دستاوردهای دولت، کاهش شدید تورم تولیدکننده بوده است، به‌گونه‌ای که این متغیر در دولت سابق به سقف تاریخی خود یعنی ۱۰۳ درصد در اردیبهشت ۱۴۰۰ رسیده بود و ما توانستیم این متغیر را با کاهش ۷۱ واحد درصدی به سطح ۳۲ درصد در اردیبهشت امسال برسانیم.

تا دولت کوچک نشود، تورم کاهش نمی‌یابد



اظهارات وزیر اقتصاد درباره کاهش نرخ تورم و روند نزولی نرخ تورم تولیدکننده به یک‌سوم در حالی مطرح می‌شود که بسیاری از کارشناسان معتقدند ریشه تورم‌زا بودن دولت‌ها در کشور ما، متورم بودن آنها هم از جهت ساختار و هم از جهت کارکنان بوده و تا زمانی که به‌سمت دولتی کوچک و یک بخش خصوصی مولد و بزرگ حرکت نکنیم، مشکل تورم‌زا بودن دولت‌های ما همچنان به قوت خود باقی است. سیروس امیدوار، عضو هیات‌علمی دانشگاه علامه‌طباطبایی گفت: ریشه اولیه و عمده تورم در کشور ما، خلق نقدینگی است که از یک‌سو ناشی از هزینه‌های بالای دولت؛ به‌ویژه هزینه‌های بالای پرسنلی و از سوی دیگر، ناشی از عدم‌استقلال بانک مرکزی در اجرای سیاست‌های پولی مهارکننده تورم، طی قریب به نیم‌قرن اخیر بوده است.

▣ نقش مخرب بانک‌ها در خلق نقدینگی تورم‌زا

این کارشناس اقتصادی، تورم را یک بازی با جمع منفی برای کل اقتصاد دانست و گفت: تورم به‌دلیل بازده بالاتر و ریسک کمتر فعالیت‌های سوداگرانه در مقایسه با بیشتر فعالیت‌های مولد، باعث انتقال بخشی از منابع کمیاب اقتصادی از فعالیت‌های مولد به‌سمت فعالیت‌های سوداگرانه شده و به این طریق، علاوه بر اثر بازتوزیعی تورم به‌نفع اغنیا و به زیان فقرا، باعث کاهش تولید کل اقتصاد نیز می‌شود.

وی افزود: در این بین، نباید از نقش مخرب بانک‌ها نیز در خلق نقدینگی تورم‌زا و کوتاهی بانک مرکزی در نظارت موثر بر آنها غفلت کرد؛ همچنان که نمی‌توان از نقش مخرب تحریم و البته ذی‌نفعان تحریم در تشدید تورم و تخفیف تولید، چشم‌پوشی کرد.

▣ راهکار عملیاتی مهار تورم

امیدوار بااشاره به راهکارهای عملیاتی مهار تورم گفت: یکی از طرح‌هایی که به‌نظر می‌رسد، می‌تواند به‌طورهمزمان، هم تورم را مهار و هم به رشد تولید کمک کند، اجرای طرح «درآمد پایه همگانی» یا UBI است که اکنون یکی از مباحث روز در کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه است. طبق این طرح، همه شهروندان یک کشور، «حق» دارند از یک درآمد پایه در سطح تامین نیازهای پایه برخوردار شوند.وی تاکید کرد: گرچه یک مانع جدی برای اجرای این طرح در بیشتر کشورها، منابع مالی عظیم لازم برای اجرای این طرح است که عمدتا باید از طریق مالیات تامین شود؛ اما در کشور ما، با اتکا به ثروت منابع طبیعی و دارایی‌های عظیم در اختیار دولت‌ها، این مشکل قابل‌حل است. بنابراین، مانع اساسی در مسیر اجرای چنین طرحی، قدرت مسلط ذی‌نفعان حفظ تورم بالا و رشد پایین است، چراکه یکی از لوازم اجرای آن، حذف انواع رانت‌ها و توزیع درآمد یا ثروت موجود به‌طورمساوی بین تمامی شهروندان است. این کارشناس اقتصادی با تاکید بر اینکه اجرای طرح UBI می‌تواند فقر را از کشور ریشه‌کن کند، گفت: با اجرای این طرح، می‌توان نابرابری‌های ناعادلانه در ثروت و درآمد را کاهش داد، زمینه آزادسازی تدریجی قیمت‌ها را فراهم، تورم را به‌تدریج و به‌صورت پایدار مهار و رشد اقتصادی پایدار را تجربه کرد و به‌طورکلی شاهد شکل‌گیری «اقتصادی سالم» بود که ۲ ویژگی اساسی آن «کارآیی و عدالت افزون‌تر» است؛ اما بدیهی است که تحقق همه اینها، مستلزم «مهار ذی‌نفعان تورم بالا و رشد پایین تولید» است.

سخن پایانی

تولیدکنندگان طی سال‌های گذشته همواره با مشکلات مختلف از جمله موانع بانکی، رشد مداوم هزینه‌های تولید و دست‌اندازهای دریافت مجوزهای کسب‌وکار روبه‌رو بوده‌اند؛ موانعی که باعث افزایش هزینه‌های تولید شده است و حالا صنعتگران چشم‌انتظار تلاش دولتی‌ها برای رفع آن هستند.

شواهد بازار حاکی از آن است که بسیاری از تولیدکنندگان همچنان با مشکلات مختلفی دست‌وپنجه نرم می‌کنند از مسائل و موانع بانکی و دریافت تسهیلات گرفته تا دخالت‌های گاه و بیگاه دولت در مسائل اقتصادی و تعارض منافع برخی صاحبان قدرت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی.

این اتفاقات نتایج دردسرسازی را برای صنعتگران به‌همراه دارد که بالا رفتن نرخ تمام‌شده تولید و به‌هم‌خوردن نظام عرضه و توزیع از آن جمله است. باتوجه به موارد یادشده و اظهارات سخنگوی دولت درباره دستاوردهای دولت در مهار تورم تولید، سنجش واقعیت تولید و بازار با آمارهای دولت بیشتر شبیه به معادله‌ای چندمجهولی شده است.

خانه ملت

گزارش تخلف در انتخابات اتاق بازرگانی به مجلس رسید

دهمین دوره انتخابات هیات‌رئیسه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران ۲۸ خرداد برگزار و حسین سلاح‌ورزی با ۲۶۵ رأی به‌عنوان رئیس پارلمان بخش خصوصی انتخاب شد، اما پس از بررسی‌ها مشخص شد که نهادهای ذی‌ربط، صلاحیت وی را برای حضور در این انتخابات تایید نکرده‌اند.

خبر این تخلف با حاشیه‌های بسیاری ادامه یافت و چند روز بعد، عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی از ورود مجلس به ماجرای انتخابات هیات‌رئیسه اتاق بازرگانی ایران خبر داد و گفت: از آنجا که در موضوع این انتخابات بحث حقوق عمومی مطرح است، ۱۰ نفر از نمایندگان درخواست اعمال ماده ۲۳۴ آیین‌نامه داخلی مجلس را دارند.



سیدغنی نظری با بیان اینکه براساس ماده ۲۳۴ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، هرگاه حداقل ۱۰ نفر از نمایندگان یا هر کدام از کمیسیون‌ها، عدم‌رعایت شئونات و نقض یا استنکاف از اجرای قانون یا اجرای ناقص قانون توسط رئیس‌جمهوری یا وزیر یا مسئولان دستگاه‌های زیرمجموعه آنها را اعلام کنند، موضوع بلافاصله از طریق هیات‌رئیسه برای رسیدگی به کمیسیون ذی‌ربط ارجاع می‌شود، افزود: ۱۰ نفر از نمایندگان، تقاضای اعمال این ماده را داشتند تا گزارشی در این زمینه تهیه شود. نماینده مردم خلخال و کوثر در مجلس درباره ایرادهای قانون اتاق بازرگانی توضیح داد: حتما باید یک نهاد بالادستی مستقل، انتخابات اتاق بازرگانی را برگزار کند و چون صلاحیت نامزدها مهم است، صلاحیت آنها باید از سوی نهادهای ذی‌ربط تایید شود.

▣ رأی نمایندگان درباره گزارش تخلفات اتاق

در همین حال، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نیز با تاکید بر نظر کمیسیون مبنی بر بروز تخلفات گسترده در انتخابات اتاق بازرگانی ایران گفت: گزارشی از این تخلفات تهیه شده است که ۲ هفته آینده در صحن علنی مجلس مطرح و به رأی نمایندگان گذاشته می‌شود.



محمدرضا پورابراهیمی با انتقاد نسبت به عملکرد دستگاه‌های اجرایی در رابطه با اتاق بازرگانی گفت: وزارت صمت باید گزارش خود را در این زمینه ارائه کند.

وی بااشاره به نامه رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس به وزیر صمت در زمینه غیرقانونی بودن انتخابات اتاق بازرگانی ایران گفت: بررسی‌های اولیه حاکی از وجود ایرادات و تخلفات اساسی در برگزاری انتخابات دهمین دوره اتاق‌های بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی ایران و شهرستان‌ها بوده که منجر به احراز عدم‌صحت انتخابات مزبور در سطح ملی و استانی شده است.

▣ نامه پورابراهیمی به وزیر صمت

در متن این نامه آمده است: «باتوجه به مصوبه کمیسیون اقتصادی در خصوص تقاضای اعمال ماده (۲۳۴) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی برای رسیدگی به اقدامات مغایر و تخلفات در برگزاری انتخابات دهمین دوره اتاق‌های بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی ایران و شهرستان‌ها جهت ارجاع گزارش قوه قضاییه به استحضار می‌رساند بررسی‌های اولیه حاکی از وجود ایرادات و تخلفات اساسی منجر به احراز عدم‌صحت انتخابات مزبور در سطح ملی و استانی است. باتوجه به اینکه پیش‌نویس گزارش این مصوبه برای قرائت در صحن علنی مجلس با محورهای زیر در حال تنظیم می‌باشد، امید است با قید فوریت دستور فرمایید مدارک و مستندات مرتبط با محورهای ذیل حداکثر ظرف مدت یک هفته در اختیار کمیسیون اقتصادی قرار گیرد.

۱- ترک فعل اعضای شورای‌عالی نظارت بر اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی ایران که منجر به بروز تخلفات گسترده اجرایی و ایرادات اساسی به انتخابات، نقض حاکمیت قانون و مقررات و سلب اقتدار و تضعیف حاکمیتی گردیده است.

۲- عدم رسیدگی مراجع نظارتی و تصمیم‌گیر ذی‌ربط به‌ویژه شورای‌عالی نظارت به شکایات موثر بر سرنوشت انتخابات

۳- عدم‌استقلال اعضای انجمن نظارت بر انتخابات و وابستگی آنان به منتخبین انتخابات و همچنین وجود منافع ناشی از روابط مالی و استخدامی با بدنه اتاق‌ها

۴- عدم‌استقلال اعضای هیات‌های نظارت بر انتخابات اتاق‌های شهرستان و وابستگی آنها به ارکان، مدیران اتاق‌ها و منتخبین انتخابات

۵- عدم‌رعایت شروط قانونی عضویت در هیات‌های عالی نظارت بر انتخابات اتاق‌های شهرستان

۶- نقض مقررات و اعمال تبعیض در وصول و بررسی مدارک و انجام فرآیندهای ثبت‌نام داوطلبان

۷- اعمال تبعیض در نحوه احراز صلاحیت داوطلبان

۸- اعمال تبعیض و عدم‌رعایت ضوابط و مقررات در اعطای حق رأی به رأی‌دهندگان

۹- عدم‌رعایت کامل قوانین و مقررات توسط دستگاه‌های نظارتی در استعلام اهلیت و صلاحیت داوطلبان هیات‌رئیسه اتاق ایران

۱۰- عدم‌رعایت ضوابط در خصوص حد نصاب داوطلبان اتاق‌های شهرستان

۱۱- صدور غیرقانونی اعتبارنامه‌ها

۱۲- عدم‌رعایت کامل ضوابط مربوط به منع تصدی بیش از دو دوره ریاست اتاق‌ها.»

براساس اخبار و اظهارات رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، گزارش این کمیسیون درباره تخلفات مطرح در انتخابات اتاق بازرگانی ایران تا ۲ هفته آینده در صحن علنی مجلس قرائت و به رأی نمایندگان گذاشته خواهد شد.



عکس: صمت

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس درباره ایرادات صنعت خودرو نشان داد

قیمت‌گذاری و فروش در صدر فهرست اصلاحی‌ها

در نتیجه تحقیق مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با همکاری اندیشکده امیرکبیر آمده که صنعت خودرو در ایران از مشکلات ساختاری اقتصادی-سیاسی عمیقی رنج می‌برد به‌طوری‌که برای اصلاح این صنعت علاوه‌بر اعمال اصلاحات اساسی ساختار معیوب، باید ابعاد تاثیرگذار دیگری از جمله قیمت‌گذاری و نحوه فروش، راهبرد حمایت از صنعت خودرو، الگوی توسعه فناوری، رقابت در بازارهای داخلی و جهانی، ایمنی و کیفیت، اسقاط، آلایندگی و مصرف سوخت، حکمرانی شرکتی و نحوه تامین مالی نیز اصلاح و تعیین تکلیف شوند. آنچه در ادامه می‌خوانید، ابعادی از ایرادات ساختاری صنعت خودرو است که براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیاز به بازنگری و اصلاح دارد.

ابعاد اصلاحات ساختاری صنعت خودرو

مشکل صنعت خودرو و زیان انباشته خودروسازان موضوعی نیست که به یکباره به‌وجود آمده باشد یا کل آن مرتبط با تحریم و شرایط موجود کشور باشد بلکه مهم‌ترین ایراد به ساختار مدیریتی و مالکیتی صنعت خودرو و ماهیت اقتصادی و سیاسی بنگاه‌ها برمی‌گردد که نیازمند اصلاحات ساختاری است. در حال‌حاضر نیز تاخیر و عدم‌ثبات در تصمیم‌گیری درباره نحوه درست قیمت‌گذاری و روش فروش خودرو، بیشتر تابع ملاحظات اجتماعی و مصلحت‌اندیشی‌های پرهزینه است و هر روز تاخیر در اتخاذ تصمیم‌گیری درست، برای ایجاد تعادل در بازار خودرو، بر شدت مشکلات و افزایش زیان این واحدها خواهد افزود.

براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در میان موارد یادشده در سال‌های اخیر، موضوع قیمت‌گذاری و روش فروش خودرو با حاشیه‌های بیشتری همراه بوده است.

چنانچه خطاهای موجود در شیوه تعیین نرخ خودرو، سبب ایجاد آسیب گسترده در صنعت و بازار خودرو شده است. از سوی دیگر، کاهش ۳۰ تا ۵۰ درصدی تولید خودرو در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱، توزیع سالانه بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان رانت و زیان خودروسازان ازجمله مهم‌ترین این آسیب‌ها هستند؛ بنابراین عبور از بحران در شرایط کنونی نیازمند اتخاذ و اجرای راهکارهای ثمربخش و عملیاتی است.

سیر تغییر روند قیمت‌گذاری خودرو

پیش از آنکه به چالش نرخ خودرو در یک دهه اخیر پرداخته شود، لازم است ابتدا به این نکته توجه شود که پیش از تاسیس شورای رقابت در ایران، چه نگاه و فلسفه‌ای بر توسعه صنعت خودرو در ایران حاکم بوده و براساس آن سیاست‌گذاری انجام شده است. از ابتدای تاسیس صنعت خودرو تاکنون، به‌دلیل مقیاس کوچک صنایع خودروسازی کشور و عدم‌توان رقابت با رقبای خارجی، اجماع سیاست‌گذاران عرصه خودرو بر این بود که لازم است با ایجاد تبعیض قیمتی بین خودروهای تولید داخل و خودروهای وارداتی امکان فروش و سوددهی خودروهای داخلی را فراهم کرد تا از این طریق امکانی برای توسعه این خودروسازان فراهم شود. برای روشن شدن این مسئله به‌طور مثال می‌توان به مناقشه میان مجلس و دولت در تصویب لایحه بودجه سال ۱۳۸۹ اشاره کرد که رهبر انقلاب و رئیس‌جمهوری وقت نیز در اظهاراتی در واکنش به تصمیم مجلس در اواخر سال ۱۳۸۸ به این سیاست اشاره کردند که نشان‌دهنده تصمیمی موردتوافق در بین مسئولان کشور بوده است. در واقع این اظهارات نشان می‌دهد اساسا سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران در کشور به‌دنبال استفاده از سیاست تبعیض قیمتی برای رشد خودروسازان بودند.

عملا با ورود شورای رقابت به عرصه قیمت‌گذاری خودرو در اواخر سال ۱۳۹۱، درواقع ساختاری در نظام تصمیم‌گیری صنعت خودرو شکل گرفت، که اساس آن با نوع سیاست‌گذاری در این صنعت در تعارض قرار داشت و هرچه زمان گذشت این تعارض افزایش یافت و عملا در حالی‌که طی دهه ۱۳۹۰ به‌جز یک‌بار که در سال ۱۳۹۲ و آن‌هم به‌دلیل افزایش شدید نرخ ارز، تعرفه‌های واردات خودرو به ۴۰ تا ۷۵ درصد (براساس حجم موتور) کاهش یافت، نه‌تنها در راستای رفع سیاست تبعیض قیمتی گامی برداشته نشد، که در سال ۱۳۹۶ دوباره تعرفه واردات خودرو افزایش یافت و از ابتدای سال ۱۳۹۷ نیز واردات خودرو به‌دلیل مسائل ارزی ممنوع شد.

ورود شورای رقابت به پرونده قیمت‌گذاری

پس از جهش ارزی سال ۱۳۹۱ و افزایش شدید نرخ خودروها، شورای رقابت وفق ماده (۵۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، تدوین دستورالعمل نحوه قیمت‌گذاری خودروها را برعهده گرفت و از همان ابتدا مناقشات میان خودروسازان و شورای رقابت ایجاد شد و با شروع دور دوم تحریم‌ها در سال ۱۳۹۷، نحوه قیمت‌گذاری آثار فراوانی را بر صنعت خودرو ایجاد کرد به‌نحوی‌که باوجود مشکلات ناشی از تحریم و ناکارآمدی خودروسازان، تا پایان اسفند سال ۱۴۰۱ زیان دو خودروساز بزرگ کشور در مجموع به بیش از ۱۳۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. هرچند از سال ۱۳۹۷ تاکنون چندین بار مسئولیت قیمت‌گذاری میان شورای رقابت و سایر نهادها ازجمله ستاد تنظیم بازار دست‌به‌دست شده، اما این تغییر نهادی نه‌تنها وضعیت را بهتر نکرده که به بدتر شدن شرایط نیز منجر شده است.

اشکالات روند قیمت‌گذاری

علاوه بر سیاست‌گذاری‌های اشتباه ذکر شده، قیمت‌گذاری اشتباه ازسوی شورای رقابت و ستاد تنظیم بازار طی یک دهه گذشته ضمن ایجاد زیان‌های گسترده در شرکت‌های خودروسازی، باعث تشدید اختلاف میان نرخ فروش کارخانه و نرخ بازار و ایجاد رانت برای افرادی شده که می‌توانستند از این دو شرکت خودرو خریداری کنند به نحوی‌که برآوردها نشان از اعطای رانت ۸۰ هزار میلیارد تومانی به خریداران خودرو در سال ۱۴۰۰ دارد. مجموع زیان انباشته این دو گروه خودرویی تا پایان سال ۱۴۰۰ به بیش از ۱۱۱ هزار میلیارد رسید. تخمین‌ها نیز نشان می‌دهد تا پایان سال ۱۴۰۱ این زیان‌ها از ۱۳۰ هزار میلیارد تومان نیز عبور کند، البته قابل کتمان نیست که وجود زیان در صنعت خودرو به مواردی ازجمله تحریم و ناکارآمدی مرتبط است و حتی در سال ۱۳۹۶ نیز ۲ گروه خودرویی در مجموع بیش از ۱۴ هزار میلیارد تومان زیان انباشته داشته‌اند، اما بخش قابل‌توجهی از رشد زیان انباشته در ۵ سال گذشته (۱۳۹۷ به بعد) به نحوه قیمت‌گذاری مرتبط بوده است. بنابراین ضروری است که نظام قیمت‌گذاری خودرو اصلاح شود. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که اگرچه تامین قطعات در شرایط تحریم موجب افزایش نرخ تامین شده، اما عدم‌شفافیت در قراردادها به‌ویژه در تجزیه‌وتحلیل نرخ قطعات که مؤثر بر نرخ تمام‌شده خودروساز است باید در زنجیره تولید خودروسازی اصلاح شود.

ایرادات وارد بر شورای رقابت

درباره قیمت‌گذاری خودرو در کشور، اصلی‌ترین ایراد وارد بر دستورالعمل قیمت‌گذاری شورای رقابت این است که خودروهایی که آنالیز نرخ آنها در سال ۱۳۹۱ و بعد ازآن انجام شده، هرگز پس از آن دوباره ازسوی این شورا محاسبه نشده و همان محاسبه به‌عنوان نرخ پایه در نظر گرفته شده‌است و تنها به‌صورت سالانه با شاخص تورم تولیدکننده خودرو افزایش داده شده است. مضاف بر اینکه این محاسبه براساس معیارهای کیفیت و بهره‌وری تعدیلی انجام نشده است. این در حالی است که ساختار هزینه‌های خودروسازان پس از ۹ سال دچار تغییر شده است و همچنین شاخص تورم تولیدکننده نیز نمی‌تواند بازتاب دقیقی از افزایش هزینه‌های تولیدکنندگان طی این سال‌ها داشته باشد.

همچنین اگر در محاسبه آنالیز هزینه‌های تمام شده خودروها در سال ۱۳۹۱ به هر دلیلی (در مبنای پذیرفتن سود، هزینه‌های مالی و...) اشتباهی انجام شده باشد، این اشتباه امتداد پیدا کرده و موجب فاصله گرفتن نرخ اعلامی شورای رقابت از هزینه‌های واقعی تولیدکننده می‌شود. علاوه بر آن اساسا امکان ایجاد یک شاخص دقیق برای تورم تولیدکننده که بتواند انعکاس درستی از افزایش هزینه‌های هر خودرو داشته باشد عملا ناممکن است ازهمین‌رو پس از گذشت چند دوره، نرخ تعدیل شده ازسوی شاخص تورم تولیدکننده نمی‌تواند برآورد دقیقی از هزینه تمام‌شده خودروساز باشد؛ بنابراین این آنالیز نرخ باید به‌صورت سالانه انجام شود.

پیشنهاداتی برای اصلاح قیمت‌گذاری

با توجه به آنچه گفته شد پیشنهاد می‌شود در شرایط فعلی و در کوتاه‌مدت علاوه بر انجام اصلاحات دیگر در ساختار حکمرانی شرکتی این صنعت ازجمله واگذاری سهام چرخه‌ای، واگذاری دارایی‌ها و اموال غیرمرتبط با خطوط اصلی کسب‌وکار، اصلاح روش‌های پیش‌فروش محصولات و...، مرجع قیمت‌گذار، اقدام به تصحیح دستورالعمل قیمت‌گذاری با مشخصه‌های زیر کند:

- قیمت تمام‌شده براساس تجزیه‌وتحلیل (آنالیز) هزینه به صورت حداقل سالی یک‌بار با در نظر گرفتن هزینه‌های تحقیق و توسعه و هزینه‌های مالی مرتبط با فعالیت تولیدی و با تایید حسابرس محاسبه شود.
- میزان سود مانند فعالیت‌های مشابه لحاظ شود.
- بروزرسانی نرخ تمام شده در طول سال با استفاده از شاخص «تورم تولیدکننده خودرو» حداکثر هر ۳ ماه یک‌بار انجام شود.
- شورای رقابت معیار کیفیت و بهره‌وری را تغییر دهد و به جای آن از وزارت صنعت درخواست ارائه آیین‌نامه‌ای برای ارتقای کیفیت و ایمنی خودروسازان کرده و براساس آن آیین‌نامه معیاری برای تشویق و یا جریمه خودروسازان مشخص کند. در بلندمدت نیز و در دوره ثبات وضعیت بازار صنعت خودرو و اقتصاد، از آنجاکه مهم‌ترین ابزار یک انحصارگر برای اجحاف در حق سایرین، افزایش نرخ از طریق کاهش عرضه و همچنین عدم‌بهبود کیفیت است، لازم است که شورای رقابت به جای تمرکز بر قیمت‌گذاری، به تنظیم‌گری در حوزه عرضه، کیفیت، ایمنی، تغییر مدل و... اقدام کند.

سخن پایانی

با گذشت بیش از ۳ دهه از شروع مجدد فعالیت صنعت خودروسازی در ایران، این صنعت از مشکلات ساختاری در سطوح مختلف رنج می‌برد؛ به نحوی‌که این مسائل سبب شده زیست‌بوم صنعت خودرو در ایران برای تولید خودرو باکیفیت و با فناوری بالا مهیا نباشد و علاوه بر عقب‌ماندگی صنعت خودرو در بازارهای جهانی از سایر رقبای خود در عرصه بین‌الملل، نارضایتی زیادی را در کشور نیز رقم بزند. نوع رابطه دولت و شرکت‌های خودروسازی و حاکمیت شرکتی در این بنگاه‌ها یکی از اساسی‌ترین وجوه ساختاری پیدایش مسائل فراوان در این صنعت است. دولت برخلاف آنکه در ظاهر حدود ۶ درصد از سهام ایران‌خودرو و ۱۷ درصد از سهام سایپا را در اختیار دارد، اما در واقع صاحب‌اختیار بیش از ۵۰ درصد از سهام هر ۲ خودروساز از طریق سهام چرخه‌ای (حدود درصد در ایران‌خودرو و ۴۲ درصد در سایپا) و سهام شرکت‌های عمومی غیردولتی است و از این طریق اعمال‌نظر دولت و دخالت در بنگاه‌ها، بی‌واسطه و به‌سرعت امکان‌پذیر است. علاوه بر آن، در اختیار داشتن سهام چرخه‌ای توسط خودروسازان عملا به کاهش سرمایه در گردش و توان مالی هر ۲ شرکت برای تولیدشده که منجر به زیان‌های مالی فراوان شده است. مسئله پراهمیت دیگر این صنعت، سیاست‌های صنعتی به‌کار گرفته شده در آن است. طی ۳۰ سال گذشته سیاست‌های صنعتی بخش خودرو دارای ایرادهای راهبردی در طراحی و پیاده‌سازی این ابزارهای سیاستی بوده است. سیاست‌هایی از جمله تعرفه واردات خودرو، تعرفه واردات قطعات خودرو، استانداردها، دستورالعمل قیمت‌گذاری و حمایت‌های مالی طی این چند دهه به کار گرفته شده، اما فهم ناقص از این ابزارها، اشتباه در عملیاتی‌سازی و عدم‌بهره‌مندی از دیگر ابزارهای سیاستی عملا موجب شده حرکت به سمت کاهش عمق داخلی‌سازی، حفظ تولیدات گذشته و کاهش کیفیت، بیشترین منافع را برای تولیدکنندگان این عرصه رقم بزنند.

فراخوان (آگهی) مناقصه عمومی دومرحله‌ای همزمان باارزیابی کیفی (فشرده)

نوبت اول
م الف ۱۴۲۰

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه (به‌عنوان مناقصه‌گزار و کارفرما)، در نظر دارد **خرید دو بسته رک و یک دستگاه ups مطابق مشخصات و مستندات پیوست اسناد مناقصه به شماره ۱۱۳/۷۴۷۶ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۰** را از طریق مناقصه عمومی دومرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی (فشرده) به پیمانکاران واجد شرایط (دارای گواهینامه صلاحیت و ظرفیت کاری مجاز آزاد از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) به شرح زیر واگذار نماید. علاقه‌مندان می‌توانند از تاریخ درج آگهی نوبت اول تا ساعت **۱۹:۰۰** مورخ **۱۴۰۲/۰۵/۱۸** اسناد مناقصه را دریافت نمایند.

- تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (شرکت در مناقصه) به مبلغ ۶۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (ششصد و پنجاه میلیون ریال) با رعایت آیین‌نامه تضمین برای معاملات دولتی به صورت ضمانتنامه بانکی یا واریز وجه به حساب با شناسه **۹۰۸۱۰۸۵۰۰۲۰۱۹۴۰۵۶۰۱۳۲۰۷۵۹۵۳۳۹۰** و شبای **IR۰۵۰۱۰۰۰۰۴۰۵۶۰۱۳۲۰۷۵۹۵۳۳۹** به نام تمرکز سپرده ثبت اسناد و املاک نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه و تسلیم گردد.
- آخرین مهلت تحویل پیشنهادها تا ساعت **۱۴:۰۰** مورخ **۱۴۰۲/۰۶/۰۱** و گشایش پیشنهادها در ساعت **۱۰:۰۰** مورخ **۱۴۰۲/۰۶/۰۲** می‌باشد.
- برآورد اولیه معادل ۱۳،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (به حروف: سیزده میلیارد ریال) است.
- محل دریافت اسناد مناقصه و تحویل اسناد و پیشنهادها و هرگونه اطلاع‌رسانی، در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) می‌باشد و محل تحویل نسخه فیزیکی اصل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار و همچنین محل گشایش پیشنهادها، اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه به نشانی: کرمانشاه- فرهنگیان فاز یک- بلوار شهید مطاعی- اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه با کدپستی ۶۷۱۴۷۱۵۷۵۳ است.

بارگذاری تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار در سامانه ستاد و تحویل نسخه اصلی به صورت فیزیکی الزامی است. بارگذاری هرگونه مدرک و مکاتبه توسط مناقصه‌گزار در سامانه ستاد به منزله اطلاع‌رسانی و تحویل به مناقصه‌گر محسوب می‌شود. مناقصه‌گر باید کلیه اسناد مناقصه (پاکت‌های ب و ج) را با استفاده از امضای الکترونیکی صاحبان حق امضای مجاز و مهر الکترونیکی خود، امضا و مهر کرده و در سامانه ستاد بارگذاری نماید. پاکت‌های بارگذاری شده ب و ج که فاقد امضا و مهر الکترونیکی هستند پذیرفته نشده و مردود اعلام می‌گردند. مدت اعتبار پیشنهادها ۳ ماه از تاریخ آخرین مهلت تحویل پیشنهادها است.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴ — **تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵**

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نوبت دوم
م الف ۳۱۶

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک شش مشهد

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۲۷۲۰۰۰۳۹۸ مورخه ۱۴۰۲/۰۳/۲۷ هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی منطقه شش مشهد تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی **خانم زهرا صهبانی تحققی فرزند محمد شماره شناسنامه ۴۴۸ صادره از مشهد نسبت به ششدانگ یک‌باب ساختمان به مساحت ۱۳۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۶۶۴ فرعی از ۱۹۱ اصلی واقع در اراضی چهارچشمه بخش ۱۰ مشهد** خریداری با واسطه/بدون واسطه از محل مالکیت مشاعی متقاضی مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به استناد ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت در دو روزنامه به فاصله ۱۵ روز از طریق یکی از روزنامه‌های محلی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار اعلام شده در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتی‌که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند و باید از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض؛ گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸ — **تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴**

هادی ریحانی، رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه شش مشهد

یادداشت

کارآفرینی، محرک توسعه اشتغال



حمیدحاج‌اسماعیلی
کارشناس حوزه کار

به‌طورمعمول در تمام اقتصادهای توسعه‌یافته، کارآفرینی محور و محرک توسعه اشتغال است. در واقع از طریق کارآفرینی است که هم مشارکت مردم و بخش خصوصی در بازار کار توسعه پیدا می‌کند و هم امکان ظرفیت‌سازی در بازار کار افزایش می‌یابد. کارآفرینی و مهارت‌آموزی، شاه‌کلید توسعه بازار کار، اشتغال و رفع مشکلات این بخش به‌شمار می‌رود.

کارآفرینی به‌عنوان یک واژه و راهکار جدید در حوزه کار حدود ۱۳، ۱۴ سال است که در کشور ما شناخته شده و گام‌های بسیار خوبی هم در این زمینه برداشته شده است. البته هنوز در کشور ما فرهنگ عمومی لازم برای جذب افراد کارآفرین مهارت‌دیده به بازار کار ایجاد نشده و دولت به باور جدی برای پذیرش این افراد نرسیده؛ بنابراین تسهیلاتی هم برای جذب آنها به بازار کار فراهم نکرده است.

به‌عقیده من، می‌توان کارآفرینان و کسانی که استعداد و خلاقیت خاصی دارند و می‌توانند ایده‌های‌شان را عملیاتی کنند را با ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان جذب بازار کار کرد.

یکی دیگر از مسیرهای جذب، ایجاد شرکت‌های تعاونی است تا در این قالب، کارآفرینان ایده‌هایی که دارند را عملیاتی و در نهایت تجاری کنند؛ به‌عبارتی دولت و حاکمیت باید بسترهایی برای کارآفرینان فراهم کنند تا افراد کارآفرین توانمندی‌هایی که دارند را به منصه ظهور برسانند.

کارآفرینی و مهارت‌آموزی زمانی منجر به ایجاد اشتغال پایدار می‌شود که بتوانیم افراد آموزش‌دیده و کارآفرین را جذب بازار کار کنیم، شرایط و تسهیلات لازم را برای آنها فراهم و به‌معنای واقعی از آنها حمایت کنیم.

اهداف و برنامه‌های خوبی در زمینه مهارت‌آموزی و کارآفرینی در کشور تعریف شده‌اند، اما به‌دلیل اینکه نتایج چندان مثبتی به‌دنبال نداشته‌اند، نیازمند بازنگری جدی هستند. مهارت‌آموزی و کارآفرینی در قالب‌های جدید می‌تواند کمک زیادی به اشتغالزایی کند؛ بنابراین باید سازکار و نگاه ویژه‌ای برای عملیاتی کردن دیدگاه‌های کارآفرینی در ایران شکل بگیرد. در حال‌حاضر دانشکده‌ها در این بخش فعال شده‌اند، دروس کارآفرینی هم به‌صورت عمومی و هم تخصصی در دانشکده‌ها و حتی در مدارس تخصصی تدریس می‌شود و رشته کارآفرینی هم با گرایش‌های متعدد در دانشگاه‌ها ارائه می‌شود که موردتایید است؛ بنابراین زیرساخت لازم برای فراگیری دانش و مهارت در ایران فراهم شده و باید به‌دنبال ایجاد بستر لازم برای جذب این افراد در بازار کار باشیم. اگر مشوق‌ها و تسهیلات خوبی برای افراد مهارت‌دیده و کارآفرین در نظر بگیریم، قطعا می‌توانیم بازار کار کشور را متحول کنیم.

آموزش یکی از بخش‌هایی است که همواره با عنوان ارتباط بین دانشگاه و صنعت مطرح بوده و هنوز موردتوجه است. البته گلایه‌های قابل‌قبولی هم از عدم‌ارتباط صنعت و دانشگاه مطرح می‌شود. در کشور تلاش‌های بسیاری برای برقراری ارتباط درست و تاثیرگذار بین صنعت با دانشگاه‌ها انجام شده، اما متاسفانه هنوز نتیجه‌ای نداشته و باید تدبیری اندیشید تا این خلأ برطرف شود. به‌عنوان نمونه، می‌توان برای شرکت‌های دانش‌بنیان مشوق‌هایی هم در نظر گرفت تا ارتباط آنها با دانشگاه شکل بگیرد.

دانشگاه می‌تواند سایت اصلی شکل‌گیری شرکت‌های دانش‌بنیان باشد یا ارتباط وسیعی بین گروه‌ها و افرادی که درصدد تشکیل شرکت‌های دانش‌بنیان هستند برقرار کند. حمایت دانشگاه‌ها قطعا می‌تواند منجر به ارتباط عمیق‌تر بین صنعت و دانشگاه شود و شرایط صنعتی ما را که سنتی و قدیمی است و بهره‌وری پایینی دارد، دگرگون کند. این رویکرد می‌تواند منجر به تحول عظیمی در بخش صنعت شود تا به سمت خصوصی‌سازی سوق پیدا کند. اینکه بیشتر مراکز صنعتی بزرگ در اختیار دولت است باعث شده نتوانیم صنعت کشور را توسعه دهیم؛ بنابراین ورود کارآفرینان به بخش صنعت از طریق شرکت‌های دانش‌بنیان می‌تواند بخش خصوصی را به حضور در بخش صنعت متمایل کند یا در مقابل بخش خصوصی از طریق کارآفرینان توسعه صنعتی کشور را محقق کند. طبعا دانش روز و فناوری‌های جدید در بخش صنعت شکل می‌گیرد که می‌تواند نمودی از اشتغال پایدار در اقتصاد کشور باشد و به بازار کار ما کمک کند؛ از این‌رو باید نحوه برقراری ارتباط بین دانشگاه و صنعت موردبازنگری قرار بگیرد و منجر به تغییر و تحول شود.

البته این واقعیت را باید بپذیریم که صرف آموزش‌های تئوری در بازار کار، کارساز نیست. قطعا افرادی که رشته‌های صنعتی را در دانشگاه‌ها به‌صورت تئوری می‌آموزند باید با حضور در واحدهای صنعتی، مهارت لازم را نیز کسب کنند. متاسفانه ما در آموزش تجربی ضعف داریم و تاکنون نتوانسته‌ایم این ضعف را برطرف کنیم.

برای مهارت‌آموزی به کسانی که در رشته‌های صنعتی مشغول تحصیل هستند، اما ارتباطی با صنعت ندارند، راهکار مشخص این است که ارتباط بین دانشگاه و صنعت را موردبازنگری قرار دهیم و ضعف‌های آن را برطرف کنیم. البته مراکز فنی‌وحرفه‌ای قوی در کشور داریم که توسعه هم یافته‌اند و بسیاری از افراد حتی تحصیلکردگان فنی و مهندسی با حضور در این مراکز و کسب تجربه عملی، می‌توانند مهارت‌های خود را تکمیل می‌کنند، اما چون واحدهای بزرگ صنعتی در اختیار دولت است، افراد برای حضور در این واحدها، قدری با بروکراسی و شرایط سخت مواجه می‌شوند.

در کل، مراکز فنی‌وحرفه‌ای به لحاظ رسالتی که در امر آموزش و مهارت‌آموزی دارند، موظفند این افراد را بپذیرند تا کار را به‌صورت عملی بیاموزند. به‌اعتقاد من، این وظیفه و رسالت ذاتی باید به‌طور مستمر و با سازکار درستی در مراکز فنی‌وحرفه‌ای بازتعریف و به‌نوعی بازنگری شود تا در نهایت رشد اشتغال و کاهش بیکاری را به‌دنبال داشته باشد.

واکنش فعالان صنعتی به دستور ویژه رئیس‌جمهوری به بانک‌ها

حمایت از تولید و اشتغال واقعی نیست

شهناز صفایی
editor@smtnews.ir

هر قدر نظام بانکی رابطه قوی‌تر و سالم‌تری با تولید داشته باشد، به همان اندازه اقتصاد رشدیافته‌تر و به‌تبع آن، اشتغالزایی بیشتری خواهیم داشت. حمایت از تولید یعنی حمایت غیرمستقیم از اشتغال که در ادامه کاهش بیکاری و رفاه اجتماعی را به‌دنبال خواهد داشت. برهمین اساس، رئیس‌جمهوری در ششمین جلسه شورای‌عالی اشتغال با تاکید بر لزوم اجرای به‌موقع قوانین مصوب مربوط به اشتغال تاکید کردند هیچ واحد تولیدی نباید به‌دلیل بدهی به نظام بانکی تعطیل شود. ابراهیم رئیسی همچنین خواستار همراهی بانک‌ها در این زمینه شد و از نظام بانکی درخواست کرد بازپرداخت تسهیلات از مسیرهای دیگری پیگیری شود. با این همه، فعالان صنعتی معتقدند حمایت از تولید و اشتغال واقعی نیست و واحد تولیدی حتی اگر بابت بدهی تسهیلاتی هم تعطیل نشود، در نهایت به‌دلیل عدم‌حمایت بانک‌ها در اعطای تسهیلات و کمبود نقدینگی شدید، با کاهش ظرفیت تولید و در نهایت تعدیل نیرو و افزایش بیکاری درگیر خواهد شد.

صمت در این گزارش با برخی از فعالان صنعت کشور درباره تاثیر اعطای اعتبار به تولید بر اشتغال گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌آید. با ما همراه باشید.



عکس: صمت

> حرکت در مسیر حمایت از تولید با اعطای تسهیلات در سازکار کنونی امکان‌پذیر نیست

جای خالی حمایت واقعی از تولید

محمود نجفی‌سهی، عضو انجمن تخصصی صنایع همگن نیرومحرکه و قطعه‌سازان خودرو کشور درباره وضعیت اشتغال در بخش تولید کشور به صمت گفت: تولید در شرایط بسیار سختی قرار دارد و با مشکل بزرگ کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش مواجه است. وقتی واحد تولیدی با مشکلات گوناگون روبه‌رو است به ناچار ظرفیت آن کم می‌شود و گاه تولیدکننده عطای تولید را به لقای آن می‌بخشد.

در این شرایط که تولید در تنگناست، اشتغال تحت‌تاثیر قرار خواهد گرفت و شرایط سخت‌تر خواهد شد. اینکه هر سال در دو بخش اعطای تسهیلات به صنعت و احیای آن و همچنین در زمینه ایجاد اشتغال، اعداد و ارقامی ازسوی متولیان امر اعلام می‌شود هم به‌نوعی بازی با اعداد است و واقعی نیست.

این فعال حوزه صنعت ادامه داد: اقتصاد ما وابسته به سیستم بانکی است. بورس فقط برای واحدهای بزرگ کارآیی دارد و واحدهای کوچک و متوسط نمی‌توانند بهره زیادی از بورس بگیرند؛ در نتیجه تنها بازار پولی که برای این بخش وجود دارد، سیستم بانکی است. همواره بر حمایت بانک‌ها از تولید تاکید می‌شود، اما واحدهای تولیدی دائم درگیر مسائل مربوط به بازپرداخت تسهیلات بانکی هستند و به‌طور مشخص بانک مرکزی و بانک‌های عامل به‌جای حمایت از تولید در مسیر آن مانع ایجاد می‌کنند.

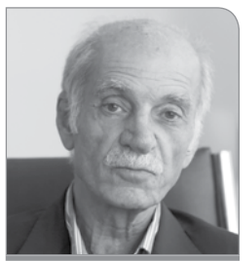
نجفی‌سهی افزود: اینکه تاکید می‌کنند هیچ واحد تولیدی نباید به‌دلیل بدهی به نظام بانکی تعطیل شود هم مشکلی از تولید حل نمی‌کند و به این دستور که بانک‌ها باید بازپرداخت تسهیلات خود را از مسیرهای دیگری غیر از تعطیلی واحد تولیدی پیگیری کنند نیز نمی‌توان خوشبین بود. طبق قانون بازپرداخت تسهیلات باید در مرحله نخست از محل کارخانه انجام شود، این در حالی است که بانک‌ها این رهن را قبول ندارند و به‌دنبال اخذ وثیقه ملک مسکونی ارزنده هستند تا بتوانند آن را به‌راحتی بفروشند. این یکی از مواردی است که مسیر اعطای تسهیلات به تولید را مسدود کرده است.

وی افزود: وقتی کارخانه مشکل شدید نقدینگی دارد، بانک مسیر پرداخت تسهیلات را سخت کرده و نرخ بهره بانکی هم بالاست که در نهایت تولید متضرر می‌شود، اگر واحد تولیدی به مرحله تعطیلی به‌دلیل عدم‌بازپرداخت تسهیلات هم نرسد، در نهایت به‌دلیل کمبود سرمایه در گردش تعطیل می‌شود. پس نمی‌توان با چنین دستورالعمل‌هایی به‌دنبال رونق تولید و متاثر از آن ایجاد اشتغال باشیم. حمایت از تولید با اعطای تسهیلات در سازکار کنونی امکان‌پذیر نیست و باید گره‌هایی را که در این بخش سال‌هاست تولید را گرفتار کرده، باز کنیم و اصلاحات لازم را انجام دهیم تا اقدامات ما در سطح کلان منجر به رونق تولید و ایجاد اشتغال شوند. امروزه مشکلات صنعت و تولید ما به‌وضوح مشخص است و البته با تمام تاکیدات بر حمایت از تولید اراده جدی برای رفع مشکلات این بخش که به‌واقع راه توسعه و نجات اقتصاد از آن می‌گذرد، وجود ندارد.

تولید در سراشیبی

این فعال حوزه صنعت ادامه داد: پرداخت تسهیلات به تولید گره‌های کوری دارد که تا باز نشوند نمی‌توان انتظار اتفاق خاصی در این حوزه داشت. این موضوعات با دستورالعمل و آیین‌نامه درست نمی‌شود. در سال جاری مشکلات تولیدکنندگان به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته که این امر اشتغالزایی را هم تحت‌تاثیر قرار داده است. شرایط اشتغال در کشور بسیار نامطلوب است. اینکه واحدهای کوچک و متوسط نقش مهمی در اشتغالزایی دارند هم باید موردتوجه قرار گیرد تا حمایت از این واحدها بیشتر شود.

نجفی‌سهی همچنین اظهار کرد: اگر دولت قصد دارد اشتغال ایجاد کند، باید مشکلات تولید، تولیدکننده و تامین مواد اولیه را برطرف کند. وقتی تولیدکننده بداند می‌تواند تولید کند و فروش داشته باشد، به‌دنبال ایجاد اشتغال خواهد رفت، خط جدید راه‌اندازی می‌کند، نیروی جدید استخدام و سرمایه‌گذاری جدید می‌کند، اما باتوجه به وضعیت اقتصادی که داریم و اینکه تسهیلات بانک‌ها به‌ندرت به تولید تعلق می‌گیرد و در مواردی هم که تولیدکننده موفق به دریافت تسهیلات می‌شود، این تسهیلات به‌دلیل نرخ بالای بهره و مدت‌زمان کوتاه بازپرداخت عملا برای او کارآیی ندارد، هیچ تمایلی برای سرمایه‌گذاری جدید وجود ندارد تا نیاز اشتغال ما را تامین کند و اعطای تسهیلات به تولید به حالت نیمه‌تعطیل در آمده است. واقعیت این است که تولید به‌نوعی از حمایت‌های بانکی قطع امید کرده است. صنعت نیازمند اقدامات فوری و جدی است تا زحماتی که در طول سال‌ها برای آن کشیده شده از بین نرود.



این کارشناس حوزه صنعت گفت: اعداد و ارقامی که درباره احیای واحدهای تولیدی و میزان اشتغالی که ایجاد کرده‌اند منتشر می‌شوند، فاصله بسیار زیادی با واقعیت دارند. بسیاری از واحدهای ما با ظرفیتی کمتر از ظرفیت اسمی فعالیت می‌کنند و تا زمانی که یک واحد به ظرفیت کامل نرسد، ظرفیت پیش‌بینی‌شده برای اشتغال در آن واحد نیز محقق نمی‌شود.

تولید سال‌هاست بلاتکلیف است

نجفی‌سهی با اشاره به اینکه وضعیت تولید هر روز سخت‌تر می‌شود، اظهار کرد: با شرایط موجود و بلاتکلیفی و تغییر نرخ ارز و تغییر ساعتی قیمت مواد اولیه که منجر به بی‌ثباتی اقتصاد کلان شده، سرمایه‌گذار اقدام به سرمایه‌گذاری، افزایش تولید یا ایجاد خط تولید جدید نمی‌کند؛ یعنی واحدهای تولیدی نه‌تنها افزایش ظرفیت نمی‌دهند، بلکه بسیاری از کارخانجات ظرفیت‌شان را پایین هم می‌آورند تا بتوانند ادامه حیات دهند. در حال حاضر در بخش صنعت به‌علت بلاتکلیفی و اینکه چشم‌انداز برای تولیدکننده مشخص نیست، نرخ مواد اولیه و هزینه‌ها ثبات ندارد و بازار خرید تولیدات تقریبا در حالت رکود است، تعدیل نیرو داریم. واقعیت این است که تولید سال‌هاست در مواجهه با بخش‌های گوناگون، از جمله بانک‌ها بلاتکلیف است.

این فعال حوزه صنعت در پایان گفت: برنامه‌ریزی مناسبی نداریم و تولید آینده روشنی ندارد؛ در نتیجه اشتغالزایی مناسبی هم نخواهیم داشت. بیشتر واحدهای صنعتی کشور کاهش ظرفیت داشته‌اند و تلاش می‌کنند خودشان را در خواب زمستانی نگه دارند تا زنده بمانند. اگر تولید نباشد، مالیاتی پرداخت نمی‌شود و طبیعتا اشتغالی هم نخواهیم داشت. چه باید کرد؟ باید شرایط برای سرمایه‌گذاری در بخش تولید فراهم شود تا در ادامه رونق تولید منجر به اشتغالزایی و رونق اقتصادی شود. وقتی زیرساخت مناسب نیست و تولید اسیر قوانین و دستورالعمل‌های به‌ظاهر حمایتی، اما در اصل مانع‌زاست نمی‌توان امیدی به بهبود شرایط داشت و تولید به سمت تعطیلی خواهد رفت.

> با اینکه در سیاست‌ها و قوانین اقتصادی ما به‌صراحت اعلام شده که بانک‌ها موظف به حمایت از تولید هستند، در عمل این‌گونه نیست

مسیر دشوار دریافت تسهیلات

مهدی مطلب‌زاده، فعال حوزه صنعت نیز در گفت‌وگویی با صمت درباره مشکلات تولیدکنندگان در ارتباط با بانک‌ها و سازکار تسهیلات‌دهی به صنعت اظهار کرد: اخذ تسهیلات از سیستم بانکی از یک سو اجتناب‌ناپذیر و از سوی دیگر یکی از چالش‌های تولید است. صنعت همواره نیازمند دو نوع تسهیلات است؛ یکی بلندمدت برای سرمایه‌گذاری و تهیه و بروزرسانی ماشین‌آلات که تامین آن از طریق سرمایه در گردش امکان‌پذیر نیست و دیگری تسهیلات کوتاه‌مدت. در مجموع وقتی تورم بالاست، بانک‌ها انقباضی و سختگیرانه‌تر عمل و خیلی کم یا به‌سختی تسهیلات پرداخت می‌کنند. قوانین بانکی کشور، تامین منابع مالی از طریق دریافت تسهیلات را برای تولیدکنندگان دشوار کرده است.

وی ادامه داد: درباره دغدغه بازپرداخت تسهیلات هم نخست باید دلیل آن را جست‌وجو کنیم که دو حالت بیشتر ندارد؛ یا واحد تولیدی ورشکسته شده و توان بازپرداخت ندارد یا اینکه مطالباتی دارد که طرف مقابل پرداخت نمی‌کند. باید به‌جای دستورالعمل‌هایی مانند اینکه واحد تولیدی تعطیل نشود و بازپرداخت تسهیلات معوق‌شده از مسیر دیگری پیگیری شود، به تولیدکننده فرصت داده و تمهیداتی در نظر گرفته شود که با تعویق بازپرداخت تسهیلات میزان آن نجومی افزایش پیدا نکند. یعنی علت را شناسایی و به‌معنای واقعی از تولید حمایت کنند. واحدهای تولیدی که تسهیلات معوق دارند، نیازمند حمایت جدی هستند، چون حتی اگر با اقدام بانک تعطیل نشوند، در نهایت به‌دلیل تورم زیاد و کمبود نقدینگی تعطیل خواهند شد و در نهایت هم نمی‌توان از آنها انتظار داشت اشتغالزایی کنند.

بانک نقش حمایتی ندارد

مطلب‌زاده افزود: تولیدکنندگان در دریافت تسهیلات بانکی برای تامین مالی خود با موانع زیادی مواجهند و در حالی که در سیاست‌ها و قوانین اقتصادی ما به‌صراحت اعلام شده بانک‌ها موظف به حمایت از تولید هستند، در عمل این‌گونه نیست. این موضوعی است که تولیدکنندگان همواره از آن گلایه‌مند هستند و کار به جایی رسیده که دیگر امیدی به حمایت‌های بانکی ندارند. وقتی که دریافت تسهیلات با بروکراسی اداری و اماواگرهای زیاد همراه است، دیگر جنبه حمایتی نخواهد داشت.

عضو انجمن تخصصی صنایع همگن نیرومحرکه و قطعه‌سازی کشور با تاکید بر اینکه این‌گونه دستورها برای کمک به تولید و اشتغال تنها در حد حرف باقی می‌مانند و به‌نظر نمی‌رسد در شرایط کنونی تاثیر چندانی داشته باشند، ادامه داد: بانک‌ها انقباضی عمل می‌کنند و تسهیلات کارآمدی به تولید نمی‌دهند. از یک سو تولید بدون اعطای تسهیلات نمی‌تواند ادامه حیات دهد و از سوی دیگر، تسهیلات دارای نرخ بهره بالاست که اخذ آن صرفه اقتصادی ندارد. بهتر است تسهیلات بلندمدت در اختیار صنعت قرار گیرد تا باری از دوش آن بردارد. واقعیت این است که صنعت ما مدت‌هاست وارد فاز فرسودگی شده و برای نوسازی، افزایش کیفیت و راندمان و اشتغالزایی نیازمند نقدینگی است که بخش قابل‌توجهی از آن باید از طریق بانک تامین شود، اما متاسفانه این‌گونه نیست.

این فعال حوزه صنعت با اشاره به اینکه تولید باید در یک زنجیره به‌هم متصل دیده شود، افزود: هر واحد تولیدی، یک بنگاه اقتصادی است که باید محصولاتی تولید کند، بفروشد و در ادامه توسعه یابد تا منجر به رونق اقتصادی شود. توسعه یافتن یک واحد تولیدی به‌معنای اشتغال بیشتر هم هست و در حال حاضر که توسعه صنعت به‌دلیل مشکلات گوناگون به محاق رفته، اشتغالزایی را هم شاهد نخواهیم بود. اگر در سیستم درستی به تولید منابع مالی تزریق شود، تولید نقش تاثیرگذار خود را ایفا خواهد کرد. متاسفانه دست و پای تولید را بسته و به دریا انداخته‌اند و از آن انتظار دارند شنا کند.



مطلب‌زاده در پایان با اشاره به اینکه هیچ نهادی به‌معنای واقعی به فکر تولید نیست، اظهار است: اگر نظام بانکی در شرایط کنونی اقتصاد که تورم بالا، قیمت‌گذاری در برخی محصولات دستوری و نرخ مواد اولیه روزبه‌روز در حال افزایش است، تسهیلاتی برای سرمایه در گردش و ثابت، در نظر بگیرد، بسیار کمک‌کننده خواهد بود، اما متاسفانه این‌گونه نیست و چارچوب اعطای تسهیلات به‌نحوی است که تولید ضرر می‌بیند.

سخن پایانی

به‌اعتقاد کارشناسان، کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش واحدهای تولیدی در نهایت تعدیل نیروهای شاغل در این واحدها را به‌دنبال خواهد داشت. در این وضعیت، بانک‌ها موظف به پرداخت تسهیلات به تولید هستند تا واحدهای تولیدی بتوانند ادامه حیات داده و توسعه یابند، اما این نهادهای مالی ترجیح می‌دهند با تزریق منابع مالی به پروژه‌های اقتصادی مختلف شرکت‌های تابعه خودشان، سود بیشتری به‌دست بیاورند. با این روند، نقدینگی به‌جای تولید و صنعت، به‌سمت سوداگری می‌رود و صنعت کشور فضایی برای رشد پیدا نخواهد کرد که نتیجه آن ضربه بزرگ به اشتغال خواهد بود.

خودتحریمی به قیمت تعطیلی صنایع معدنی

یکی از واکنش برانگیزترین موضوعات روزهای اخیر در حوزه معدن و صنایع معدنی به اخذ مالیات و عوارض از درآمد حاصل از صادرات مواد و محصولات معدنی و صنایع معدنی فلزی و غیرفلزی (خام و نیمه‌خام) مربوط است که همچنان پس‌لرزه‌های آن ادامه دارد.
ماجرا از جایی آغاز شد که بر اساس دستورالعمل جدید هیات وزیران ۲۳۸ ماده خام و نیمه‌خام شامل مواد و محصولات معدنی، صنایع معدنی فلزی و غیرفلزی، محصولات نفتی، گازی و پتروشیمی مشمول عوارض صادراتی شد.
به‌این‌ترتیب، عوارض صادراتی برخی از این تولیدات معدنی به‌صورت جهشی افزایش پیدا کرده و به نگرانی‌ها درباره از دست رفتن مزیت صادراتی در بازارها جهانی دامن زده است.
کیوان جعفری طهرانی، تحلیلگر ارشد بازار بین‌المللی معدن و صنایع معدنی بابیان اینکه دیگر امروزه کشورها به سمت عوارض صادراتی نمی‌روند گفت: با بررسی تاریخچه آن متوجه می‌شویم که بیشتر شبیه نوعی خودتحریمی است.
به گزارش دنیای معدن، وی گفت: در دهه گذشته، یعنی بعد از کرونا شرایط تجارت بین‌الملل آنقدر پیچیده و رقابت‌پذیر شده است که کمتر کشوری به فکر وضع عوارض صادراتی برای فعالان اقتصادی خود می‌افتد. گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید، بخش‌هایی از گفت‌وگوی این تحلیلگر ارشد بازار در زمینه تبعات وضع عوارض است.


عکس: صمت



◉ دیگر کشورها از چه زمانی سیاست وضع عوارض صادراتی را کنار گذاشتند؟

بیشترین عوارض صادراتی در سال ۲۰۱۰ میلادی در هندوستان وضع شد. در آن زمان دولت روی صادرات سنگ‌آهن عوارض صادراتی ۴۰ درصدی وضع کرد؛ سیاستی که صنعت سنگ‌آهن این کشور را به نابودی کشاند. اما با توجه به اینکه دولت باعث شده بود تا سرمایه‌گذاری در این حوزه کاهشی شود، ظرف چند سال درصدد جبران برآمد و آن را به ۳۰ درصد کاهش داد و از ۲۰۱۴ به بعد، عوارض را محدود به عیار ۵۸ به بالا کرد، با این توجیه که عیارهای بالا مورد مصرف داخلی قرار گیرد. در ادامه، صنعت سنگ‌آهن هند شکوفا شد، طوری که در سپتامبر ۲۰۲۰ در اوج کرونا سازمان زمین‌شناسی این کشور اعلام کرد که توانسته ذخایر قطعی سنگ‌آهن خود را از ۲۲ میلیارد تن که ۹۰ درصد آن را هماتیت تشکیل داده بود، به ۳۳ میلیارد تن برساند. دراین‌بین، ۱۱ میلیارد تن ذخایر جدید کشف‌شده برخلاف تصور مگنتیت بود و حالا هندوستان با ۳۳ میلیارد تن ذخایر قطعی سنگ‌آهن جزو بزرگان عرصه ذخایر سنگ‌آهن دنیا قرارگرفته است. جعفری طهرانی ادامه داد: این جهش ناشی از تغییر به‌موقع سیاست‌های کشور هند است و آنها به‌محض آنکه به‌اشتباه خود پی بردند، از تصمیمات گذشته خود عقب‌نشینی کردند.

◉ وضعیت ایران چگونه است؟

در کشور ما ۱۰ سالی است که وضع عوارض صادراتی سنگ‌آهن و مواد خام، یعنی موضوعاتی که باعث می‌شود سرمایه‌گذاری‌ها کاهشی شود و مشکلات‌مان در این حوزه بیش‌ازپیش افزایش یابد، بحث و گفت‌وگو جریان دارد؛ اما سیاستمداران در مقابل آن مقاومت می‌کنند و متاسفانه و هرازچندگاهی که وزیر عوض می‌شود، این موضوع هم دوباره مطرح می‌شود. این در حالی است که ما یک زمانی ازنظر صادرات مواد معدنی در جایگاه ششم جهان بودیم، اما امروز با سیاست‌هایی این‌چنینی جزو رده ۲۰ به بعد هستیم که نه‌تنها به صادرات خسارت وحشتناکی وارد می‌کند، بلکه بسیاری از شرکت‌ها را به دردسر می‌اندازد. در واقع خیلی از شرکت‌هایی که درگیر صادرات محصول خود هستند- شامل شرکت‌های بورسی دولتی و خصولتی- متحمل ضرر و زیان سنگینی خواهند شد که دلیل آن کاهشی شدن ارزآوری این شرکت‌ها و افت ارزش سهام آنها در میان‌مدت یعنی بین ۶ تا ۹ ماه است.

کاهش صادرات علاوه بر این روی تراز تجاری این شرکت‌ها هم اثر می‌گذارد و در مدت کوتاهی اثرات آن منعکس خواهد شد و سودآوری شرکت‌ها به دلیل کاهش صادرات روند نزولی به خود می‌گیرد. این امر ضرر و زیان بزرگی به عموم مردم که سهامداران این شرکت‌ها هستند وارد می‌آورد و بخش خصوصی را به‌شدت تحت‌فشار قرار می‌دهد. حالا با وضع بخشنامه افزایش عوارض، باید منتظر فرار سرمایه از بخش معدن و صنایع معدنی و کاهش تولید در سال مهار تورم و رشد تولید باشیم.

◉ کشورهای معدنی موفق چه مسیری را می‌پیمایند؟

در دوران معاصر کمتر می‌توان کشوری پیشرفته را یافت که در حوزه معدن و صنایع معدنی عوارض صادراتی وضع کند. کشورهای مطرحی مثل چین، کانادا، امریکا، برزیل، استرالیا، هندوستان، قزاقستان و ترکیه هیچ‌کدام به این سمت نرفته‌اند، چراکه عوارض صادراتی باعث فرار سرمایه می‌شود. امروزه کشورهای جهان برای کسب بیشترین سهم از بازارهای هدف رقابت تنگاتنگی دارند و قانون‌گذاران آنها از فعالان اقتصادی حمایت می‌کنند و حتی آنها را طرف مشورت قرار می‌دهند. به‌طور مثال، با شروع جنگ اوکراین شاهد بودیم که نرخ محصولات فولادی به دلیل توقف صادرات به‌صورت هیجانی افزایش یافت، اما بعدازآن روسیه نسبت به فروش بیش‌ازحد محصولات فولادی و به عبارتی زیر فروشی آنها اقدام کرد که هنوز هم ادامه دارد حتی دستور مستقیم ولادیمیر پوتین بود که اگر هرکدام از صادرکنندگان محصولات روسی به دلیل شرایط تحریم مجبور شدند محصولی را زیر نرخ جهانی بفروشند، کسری نرخ فروش آنها از مازاد تراز تجاری جبران خواهد شد. این سوبسید موجب توسعه صادرات در این کشور شد. در واقع خیلی از فولادسازان روسی بخش خصوصی هستند و نمی‌پذیرند که تحت هر شرایطی ضرر را تحمل کنند مگر اینکه دولت روسیه آن را جبران کند. اما این سیاست بازار ایران را تحت‌فشار قرار داد و هنوز هم این روند ادامه دارد.

> امروزه کشورهای جهان برای کسب بیشترین سهم از بازارهای هدف رقابت تنگاتنگی دارند و قانونگذاران از فعالان اقتصادی حمایت می‌کنند و حتی آنها را طرف مشورت قرار می‌دهند

در رابطه با چین هم وضعیت به همین‌گونه است. این کشور صادرات خود را به‌صورت کنترل‌شده کم‌وزیاد می‌کند. به‌طور مثال، در برهه زمانی تا قبل از سال ۲۰۱۷ صادرات سالانه فولاد ۱۰۰ میلیون تن بود، اما از ۲۰۱۷ سیاست‌های این کشور تغییر کرد.

به این صورت که تا قبل از شروع پاندمی کرونا صادراتش کاهشی و به اعداد کمتر از ۵۰ میلیون تن محدود شد اما بعد از پاندمی به سیاست‌های توسعه فروش صادرات فولاد روی آورد. به‌این‌ترتیب این کشور نیز به دنبال رقابت تنگاتنگ با بزرگان صنعت فولاد جهان مثل روسیه و هند از سیاست‌هایی بهره می‌برد که باعث توسعه صادراتش شود و نه اینکه با «خودتحریمی» صادراتش را کاهش دهد.

◉ عوارض وارداتی در دیگر کشورها بر چه اساسی وضع می‌شود؟

کشورها برای کنترل بازار داخلی و محصولات صادراتی کشورهای خاص به عوارض وارداتی توجه می‌کنند. این عوارض وارداتی Countervailing Duty یا به‌طور خلاصه CVD نامیده می‌شود و سازمان تجارت جهانی آن را برای کشورهایی در نظر می‌گیرد که سوبسیدی برای تولید محصول خاصی پرداخت می‌کنند و درنهایت نرخ تمام‌شده محصول تولیدی آنها ارزان‌تر از محصول مشابه در کشور هدف می‌شود. زیرا محصول این کشورها به دلیل اینکه با استفاده از سوبسید تولید شده است، بازار کشور هدف را دچار تلاطم می‌کند و این سیاستی برای کنترل بازار در کشور هدف است. به‌عنوان‌مثال در اکتبر ۲۰۱۷ انجمن فولاد اروپا (یوروفر) بر واردات ورق گرم از ۴ کشور ایران، برزیل، اوکراین و روسیه عوارض وارداتی وضع کرد. علاوه بر این، برای واردات ورق گرم بر محصولات صادراتی فولاد مبارکه هم حدود ۵۷ تا ۵۸ یورو در تن عوارض وضع کردند. زیرا در زمان برجام صادرات به اروپا برقرارشده و نرخ محصول صادراتی ایران پایین‌تر از نرخ کشورهای اتحادیه اروپا بود و با این سیاست جلوی صادرات فولاد مبارکه گرفته شد. البته کمی بعد هم برجام به حالت تعلیق درآمد و به‌این‌ترتیب صادرات فولاد به اروپا متوقف شد.

سخن پایانی

فعالان بخش معدن و صنایع معدنی باور دارند که درحال‌حاضر عوارض صادراتی، که یکی از اهرم‌های دولت برای تحقق اهداف خود در زمینه اقتصاد است، به محملی برای جبران کسری بودجه دولت شده و به‌این‌ترتیب، فعالیت صادرکنندگان محصولات فلزی و غیرفلزی را مختل کرده است، درصورتی‌که با صادرات محصولات، منابع ارزی کشور تامین می‌شود و ارزش پول ملی و درآمد دولت افزایش می‌یابد. به همین دلیل پرواضح است که دولت باید در تصمیم‌گیری‌های خود تجدیدنظر و شرایط صادرات را برای فعالان اقتصادی برای صادرات مازاد محصولات تسهیل کند.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده

شرکت تعاونی کارکنان سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (نوبت اول)

بدینوسیله از کلیه اعضاء محترم شرکت تعاونی دعوت می‌شود در **مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت (اول)** که راس ساعت **۱۰** صبح روز **یکشنبه** مورخه **۱۴۰۲/۰۶/۰۵** در محل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران واقع در خیابان ولی‌عصر(ع) نبش خیابان جام‌جم ساختمان شماره ۲ طبقه ۸ تشکیل می گردد حضور بهم رسانید.
لذا از کلیه اعضاء دعوت می شود با دردست داشتن کارت یا دفترچه عضویت راس ساعت مقرر در محل حضور بهم رسانید و یا وکیل/ نماینده خود را کتبا معرفی نمایید. درضمن به اطلاع می‌رساند به موجب ماده ۱۹ آیین‌نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی تعداد آراء وکالتی هر عضو حداکثر ۳ رای و هر عضو تنها یک رای دارد و اعضاء متقاضی وکالت/ نماینده می‌بایست به همراه نماینده حداکثر تا یک روزقبل ازتشکیل مجمع در محل تعاونی حضور، تا پس ازاحراز هویت وتایید وکالت توسط نماینده هیات‌مدیره و بازرس، برگه ورود به مجمع را دریافت نمایند.
داوطلبان تصدی سمت‌های هیات‌مدیره و بازرس به موجب ماده ۲ دستورالعمل نحوه نظارت بر انتخابات تعاونی‌ها موظفند ظرف پنج روز پس از انتشار آگهی دعوت، فرم داوطلبی را تکمیل و به همراه مدارک هویتی (کپی شناسنامه، کارت ملی و کارت پایان خدمت برای آقایان و گواهی عدم سوء پیشینه) تحویل دفتر تعاونی نمایند.
مصوبات مجمع عمومی در صورت رسمیت یافتن و عدم مغایرت با ضوابط قانونی برای کلیه اعضاء اعم از حاضر و غایب نافذ و معتبر خواهد بود.

دستور جلسه:
۱. استماع گزارش هیات‌مدیره و بازرس قانونی
۲. اتخاذ تصمیم و تصویب صورت‌های مالی سال ۱۴۰۱
۳. تصمیم‌گیری درخصوص نحوه تقسیم سود یا زیان سال ۱۴۰۱
۴. طرح و تصویب بودجه سال ۱۴۰۲
۵. ارائه و تصویب تغییرات اعضاء و سرمایه تا پایان سال ۱۴۰۱
۶. تصویب آیین‌نامه حقوق و پاداش و حق‌الجلسه اعضاء هیات‌مدیره و مدیرعامل
۷. تعیین حق‌الزحمه بازرس و پاداش کارکنان
۸. انتخاب هیات‌مدیره
۹. انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل سال مالی ۱۴۰۲
۱۰. انتخاب روزنامه رسمی کثیرالانتشار (اصلی و علی‌البدل)

هیات‌مدیره شرکت تعاونی کارکنان سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران

آگهی مزایده فروش ملک (نوبت دوم)

شرکت فرآوری معدنی اپال کانی پارس (سهامی عام) با شماره ثبت ۲۸۴۸۷۹ در نظر دارد در اجرای مصوبه هیات‌مدیره خود تمام شش‌دانگ یک باب ساختمان با کاربری مسکونی واقع در تهران، منطقه فرمانیه، خیابان موحد دانش، خیابان بوستان، خیابان نیلوفر، پلاک ۱۴ در زمینی به متراژ ۱۱۲۵ مترمربع و زیربنای ۹۵۲ مترمربع را از طریق مزایده واگذار نماید.
متقاضیان محترم می‌توانند جهت بازدید و دریافت اسناد شرکت در مزایده از تاریخ **۱۴۰۲/۰۵/۱۴** لغایت **۱۴۰۲/۰۵/۱۹** از ساعت **۹** الی **۱۴** به آدرس فوق مراجعه نمایند.
تلفن تماس جهت هماهنگی **۶۱ و ۲۶۷۴۳۰۵۹ - ۰۲۱** داخلی **۱۴۰۰** (از ساعت ۹ الی ۱۴)
* شرکت در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات واصله در مزایده مختار است و صرف حضور در مزایده هیچ‌گونه حقی برای پیشنهاددهنده ایجاد نمی‌نماید.

شرکت فرآوری معدنی اپال کانی پارس (سهامی عام)

فراخوان مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای
شماره: ۵۲۴۶۴۶۳۹

نوبت دوم

شرکت فولاد خوزستان در نظر دارد انجام فعالیت اجرایی ذیل را طبق شرح کار و خدمات تدوین شده مندرج در اسناد مناقصه پس از ارزیابی کیفی از طریق مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لازم به ذکر است باتوجه به اینکه اعلام آمادگی و دریافت اسناد مناقصه از طریق وب‌سایت مدیریت تامین کنندگان به آدرس الکترونیکی https://pim.ksc.ir انجام خواهد شد. ضروری است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
الف) موضوع مناقصه: پشتیبانی فنی سیستم‌های اتوماسیون زیمنس و ABB
ب) شرح مختصری از مشخصات و مقادیر کار: ...
ج) محل اجرای خدمات و مدت انجام کار: محل انجام خدمات / پروژه در واحد تعمیرات ابزار دقیق و مخابرات و اتوماسیون شرکت فولاد خوزستان و مدت اجرای قرارداد از تاریخ ابلاغ شروع به کار توسط کارفرما ۳ سال می‌باشد.
د) شرایط مناقصه‌گران متقاضی:
- داشتن ظرفیت آزاد (تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه (باتوجه به نوع مناقصه)
- دارا بودن رتبه‌بندی متناسب با موضوع مناقصه از سازمان برنامه و بودجه کشور (حسب مورد)
- داشتن سابقه مفید در رابطه با موضوع مناقصه و حسن‌شهرت در فعالیت‌های گذشته براساس رزومه کاری و توان فنی و مهندسی
- دارا بودن صلاحیت ایمنی معتبر از اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی براساس ماده ۲ و ۳ آیین‌نامه ایمنی امور پیمانکاری مصوب وزارت کار و امور اجتماعی در تاریخ ۱۳۸۹/۰۳/۰۵
- دارا بودن گواهی صلاحیت معتبر از اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۸۳۲۶/ت ۲۷۰۵۶هـ مورخ ۸۱/۰۹/۰۵ هیات محترم وزیران درخصوص انجام خدمات موضوع مناقصه
- توانایی ارائه ضمانتنامه شرکت در مناقصه به مبلغ ۱،۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (ریال)
- توانایی تهیه ضمانتنامه انجام تعهدات (در صورت برنده شدن) به میزان ۵٪ بار مالی پیمان براساس نرخ پیشنهادی
- در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر اولویت با شرکت‌های بومی استانی است.

تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه از اساسنامه شرکتنامه و آگهی تاسیس و آخرین آگهی تغییرات ثبت شده در روزنامه رسمی کشور و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می‌باشد.
هـ) محل و مهلت و چگونگی دریافت مدارک مناقصه‌گران:
از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می‌آید پس از انتشار آگهی در این فراخوان و حداکثر تا تاریخ **۱۴۰۲/۰۵/۲۳** با مراجعه به نشانی اینترنتی فوق‌الذکر ضمن تکمیل فرایند ثبت‌نام و تایید نهایی آن و ارسال درخواست اعلام آمادگی از طریق وب‌سایت مذکور نسبت به بارگذاری مدارک مورد نیاز به همراه مستندات مربوطه مطابق با اطلاعات درخواست شده در وب‌سایت اقدام نمایید تا ارزیابی لازم وفق آیین‌نامه و دستورالعمل ارزیابی کیفی شرکت فولاد خوزستان بر روی مدارک ارسالی مناقصه‌گران به عمل آید.
تاکید می گردد اعلام آمادگی و ارسال مدارک، هیچگونه حقی را برای متقاضیان جهت شرکت در مناقصه‌های آتی این شرکت ایجاد ننموده و مدارک الصاقی و همچنین کسب امتیاز براساس معیارهای ارزیابی کیفی و توانمندی‌های بهداشتی و زیست‌محیطی (HSE) می‌باشد.
ضمنا اسناد مناقصه برای متقاضیان واجد شرایط در مرحله ارزیابی کیفی نیز از طریق آدرس مذکور قابل دریافت خواهد بود. همچنین زمان برگزاری جلسه توجیهی (سایت ویزیت) پیش از اعلام قیمت، زمان تحویل و گشایش پاکات در اسناد مناقصه درج شده است.
(ارائه معرفی‌نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکت‌ها در همه مراحل لازم و ضروری می‌باشد.)
و) نام و نشانی کارفرما:
خوزستان- اهواز- ابتدای بزرگراه خلیج‌فارس- بلوار فولاد خوزستان- شرکت فولاد خوزستان- کدپستی ۱۳۱۱۱-۶۱۷۸۸
ضمنا متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۹۸۶۱۳۲۱۳۶۴۱۸ آقا/خانم الهام هیبتی (کارشناس امور قراردادها) تماس حاصل فرمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰ — تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴

روابط عمومی شرکت فولاد خوزستان

«آگهی تجدید مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (فشرده) یک‌مرحله‌ای جهت تهیه البسه کارکنان بانک توسعه تعاون»

بانک توسعه تعاون

بانک توسعه تعاون در نظر دارد مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (فشرده) یک مرحله‌ای را جهت تهیه البسه کارکنان بانک از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند .
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه : روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۰
مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت : از تاریخ انتشار تا ساعت ۱۶ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۷
مهلت زمانی ارائه مستندات : ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۸
زمان گشایش پاکت ها : ساعت ۱۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۱
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گذار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص مناقصه و ارائه پاکت ها : تهران- خیابان ولیعصر- خیابان بزرگمهر- نبش خیابان برادران مظفر- پلاک ۱۴- بانک توسعه تعاون- اداره کل تدارکات و خدمات- دایره قراردادها ، مناقصات و مزایده اقدام نمایند.
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۱۴۵۶

شناسه آگهی : ۱۵۳۹۴۶۵ — م الف / ۱۷۴۱

یادداشت

به کجا چنین شتابان؟



عبدالنبی مکابر ـ عضو انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان سنگ‌های قیمتی استان تهران

براساس نظرسنجی و مطالعات انجام‌شده اخیر، برخی کارشناسان اقتصادی کشور بر این باور هستند که جلوگیری از تداوم وضعیت نزولی فعلی در عرصه اقتصادی و مهار آثار و تبعات آن، ارتباط مستقیمی با نوع نگاه، تجربه، برنامه‌های عملیاتی و راهکارها و تمهیدات تیم مدیریتی دولت دارد. از آنجایی که طی مدت سپری‌شده از عمر دولت سیزدهم، تیم مدیریت اقتصادی توفیق قابل‌توجهی در هدایت چرخه اقتصاد به مسیرهای باثبات‌تر نداشته است، رئیس‌جمهوری اقدامی موثر برای ترمیم تیم خود در دستور کار ندارد و استراتژی مدونی برای توسعه به‌ویژه در حوزه اقتصاد کشور طراحی نشده و اتفاقات و رخدادهای ذیل محتمل‌تر است:

کاهش رشد اقتصادی: تحت‌تاثیر تشدید تحریم‌ها و نوسانات ارزی و نابسامانی شبکه بانکی به‌ویژه مشکلات تامین مالی و محدودیت‌های اینترنت برای کسب‌وکارهای دیجیتال، احتمالا در سال ۱۴۰۲ شاهد یکی از سخت‌ترین رکودهای اقتصادی خواهیم بود و رشد اقتصادی عدد منفی قابل‌ملاحظه‌ای خواهد داشت.

نرخ رشد نقدینگی و پایه پولی: میانگین رشد پایه پولی در سال‌های ۹۰ تا ۹۸ در حدود ۲۰ درصد و میانگین رشد نقدینگی در همان دوره در حدود ۲۵ درصد بوده است. البته شاهد شدت یافتن رشد نقدینگی در مرداد ۱۴۰۰ به حدود ۴۰ درصد و در آذر ۱۴۰۱ به حدود ۳۶.۱ درصد بوده‌ایم. اما از آنجایی‌که احتمال می‌رود ناترازی بانک‌ها بیشتر و کسری بودجه زیادتر باشد و بانک مرکزی نیز مقید به تکرار همان تمهیدات و سناریوهای پیشین خود است، انتظار رشد نقدینگی و پایه پولی و ورود آن به محدوده ۴۰-۵۰ درصد دور از ذهن نیست.

افت روند اشتغال: با در نظر گرفتن ۴ دوره پیشین از سال ۷۵ – ۸۳ (دوران ثبات نسبی اقتصادی) که جمعیت شاغل در حدود بین ۱۵-۲۰ میلیون نفر بوده است و سال‌های ۸۴ –۹۰ (دوران وفور درآمدهای نفتی و بیماری هلندی) با میزان اشتغال حدود ۲۰ میلیون نفر و دوره سوم در سال‌های ۹۱ - ۹۸ (دهه تحریم) با میزان اشتغال ۲۰ - ۲۴ میلیون نفر و دوره چهارم سال‌های ۱۳۹۱ - ۱۴۰۱ (دوران کرونا) با میزان اشتغال ۲۲ تا ۲۳,۸ میلیون نفر، روشن می‌شود که با تشدید مشکلات اقتصادی و رکود حاصل از آن، تعطیلی بنگاه‌ها افزایش می‌یابد که کاهش مجدد اشتغال بیش از سطح سال ۱۴۰۱ را در پی خواهد داشت.

نرخ ارز: باتوجه به نوسانات نرخ ارز در دهه ۹۰ و شدت یافتن آن در اردیبهشت و مهر ۹۷ و جهش آن از آذر ۱۴۰۱ تاکنون، در صورت تداوم تحریم‌ها و افزایش کسری بودجه، عدم‌مدیریت هزینه‌های دولت و پیگیری سیاست چاپ پول، شاهد جهش بزرگ نرخ دلار در ارقامی بالاتر از ۷۰ هزار تومان خواهیم بود. احتمالا نرخ دلار نیمایی نیز در محدوده ۳۵ تا ۵۰ هزار تومان نوسان خواهد داشت.

سیاست تحقق درآمدهای نفتی و مالیاتی توسط دولتمردان به روش سال قبل دنبال می‌شود و شیوه‌های اتخاذشده برای تامین کسری بودجه به روال قبل، روشی تورم‌زا خواهد بود.

اما وزارت صمت چه مسئولیتی برای فراهم آوردن زمینه رشد تولید برعهده دارد؟ سهم ارزش‌افزوده بخش معدن در تولید ناخالص داخلی حدود ۳.۱ درصد است، یکی از دلایل عمده پایین بودن این سهم، خام‌فروشی و عدم‌کسب حداکثر ارزش‌افزوده از مواد خام معدنی است.

از دیگر دلایل عدم‌جاذبه و پایین بودن حجم سرمایه‌گذاری در بخش معدن در ایران، پایین بودن بازدهی سرمایه و بهره‌وری کل عوامل تولید است، بنابراین بخش خصوصی رغبتی برای سرمایه‌گذاری در این بخش نشان نمی‌دهد. علاوه بر این، نیاز به تخصیص سرمایه اولیه ثابت، تعدد قوانین زیست‌محیطی و منابع طبیعی، بالا بودن هزینه‌های حمل‌ونقل محصولات تولیدی، به‌ویژه در صادرات، پرریسک بودن فعالیت معدنی، بالا بودن هزینه‌های بیمه‌ای، طولانی بودن دوره بازگشت سرمایه، خارج شدن انتخاب محل سرمایه‌گذاری از دایره اختیارات سرمایه‌گذار به‌علت پراکندگی و دورافتادگی محل معادن و... بخش معدن را در مقایسه با سایر بخش‌ها متاثر از موارد مذکور، نیازمند توجه و سرمایه بیشتر است.

بنابراین، به‌منظور رونق بخش معدنی می‌توان برخی وظایف و مسئولیت‌های وزارت صمت را به شرح زیر برشمرد: ایجاد یا انتقال زیرساخت‌های ضروری مانند خدمات زیربنایی و...که یکی از چالش‌های مهم پیش‌روی سرمایه‌گذاران، بخش خصوصی است، سیاست‌گذاری ویژه به‌منظور ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش معدن و صنایع‌معدنی از طریق افزایش بازدهی سرمایه، فراهم کردن بستر مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌ویژه در قالب همکاری مشترک با کشورهای پیشرو معدنی (باتوجه به تاثیرات رشد سرمایه‌گذاری در بخش معدنی بر سایر بخش‌ها موضوع تحقیقات فوق‌الاشاره)، انتقال فناوری‌های نوین معدنی، سرمایه‌گذاری در بخش اکتشاف مواد معدنی به‌منظور کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و استخراج که منجر به جذب سرمایه بخش خصوصی در بخش معدن خواهد شد و رشد ارزش‌افزوده در این بخش، افزایش تولید ناخالص ملی را به‌دنبال خواهد داشت و در نهایت، ترویج و حمایت از فرهنگ کاربست انواع پوشش‌های بیمه‌ای (مانند بیمه‌نامه کاهش نرخ مواد معدنی، بیمه سرمایه‌گذاری در بخش استخراج، بیمه‌نامه بخش فرآوری، بیمه کاهش نرخ و تلورانس‌های مربوط به قیمت‌های جهانی...).

در گزارش صمت درباره چالش‌های معدنچیان مطرح شد

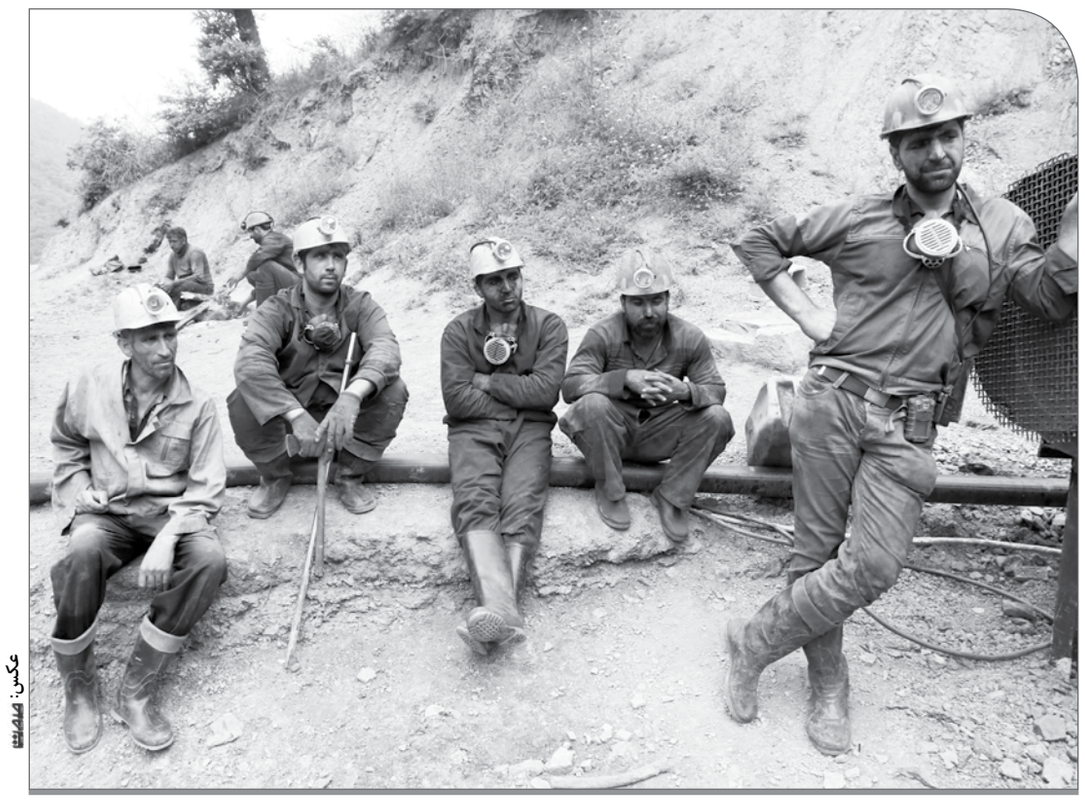
آیا کسی صدای ما را می‌شنود؟

گیتا جاودانی
editor@smtnews.ir

امسال، کارگران و به‌ویژه معدنچی‌ها با چالش‌های بسیاری در زمینه حداقل دستمزد و همین‌طور مشکلاتی در بخش تامین اجتماعی روبه‌رو شده‌اند. باتوجه به شرایط اقتصادی، ارزش دستمزد کارگران کاهش یافته و مشکلات اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، چالش‌های پیش‌آمده در زمینه تامین اجتماعی (به‌ویژه برای کارگرانی که به بازنشستگی رسیده‌اند) و... همه و همه مزید بر علت شده است تا معدنچیان و دیگر کارگران درخواست برگزاری جلسه شورای‌عالی کار برای رسیدگی به چالش حداقل دستمزد را، دوباره مطرح کنند.

اعتراض اصلی این است که چرا هنوز جلسه شورای‌عالی کار برای رسیدگی به شکایت دستمزدی آنها تشکیل نشده است، چرا صندوق بیمه تامین‌اجتماعی در انجام تعهدات خود کوتاهی می‌کند و چرا هیچ نهادی نسبت به تامین حداقل نیازهای یک زندگی شرافتمندانه برای کارگران متعهد نیست؟

در گزارش زیر، مهدی قنبری، رئیس پیشین شورای یکی از معادن و کارگر زغال‌سنگ و حسین حبیبی، عضو شوراهای اسلامی کار سراسر کشور، نظرات خود را در این زمینه با صمت در میان گذاشتند.



عکس: صمت

مشکلات معیشتی و نبود امنیت شغلی

براساس آمار و ارقامی که مرکز اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرده است، حدود ۵ هزار معدن در کشور فعالیت می‌کنند و باوجوداینکه، کار کردن در معدن جزو سخت‌ترین کارهای دنیا شناخته می‌شود و مشقت زیادی برای کارگران دارد و پشتکار بسیاری را می‌طلبد، اما کم نیستند افرادی که برای کار کردن راه معادن را در پیش می‌گیرند و سختی و طاقت‌فرسایی معدنکار بودن را به جان می‌خرند.

نرخ حوادث کار در معدن‌ها نسبت به سایر بخش‌ها رقم بسیار بالایی دارد و در بین آنها، معادن «زغال‌سنگ» بیش‌ترین حوادث کار را به خود اختصاص می‌دهند، چراکه کار کردن در معادن زغال‌سنگ، حجم کاری بالاتر و پرخطرتری دارد؛ چندین متر زیرزمین و استخراج زغال‌سنگ انفجارهای ناگهانی را در پی دارد. انفجار زمستان یورت گلستان، باب نیروز کرمان، یال شمالی طبس یزد و معدن طزره در سمنان نمونه‌ای از حوادث تلخ معدنی است که فوت کارگران را در پی داشته است.

بیش از ۹۰ هزار نفر در معدن‌های کشور مشغول به کار هستند که از وضعیت دستمزدی خود و قراردادهای کوتاه‌مدت رضایت ندارند، اما به‌دلیل نبود امنیت شغلی و گاهی هم از روی ناچاری و مشکلات معیشتی، به کار خود ادامه می‌دهند.

واقعیت تلخ است



مهدی قنبری ـ کارگر معدن زغال‌سنگ:

موضوع افزایش تورم و کمبود دستمزد، این روزها چنان درهم‌تنیده شده‌اند که مثل عسل و خربزه ترکیبی مرگبار به‌وجود آورده و روزگار کارگران معدن را تیره و تارتر از پیش کرده است.

این مسیر، پایانی جز نابودی طبقه کارگر، مشکلات معیشتی برای کارگران معادن زغال‌سنگ و نابودی تولید ندارد.

واقعیت تلخ است و تلخی این واقعیت روزگار معدنچی‌ها را سیاه کرده و عرق شرم در برابر خانواده را بر پیشانی آنها نشانده است. آیا کسی صدای ما را می‌شنود؟!

▣ می‌گویند تورم را مهار می‌کنیم

می‌گویند تورم را مهار می‌کنیم، به نظرتان راست می‌گویند؟ آقایان وزرا که حوزه مهم و کلیدی اقتصاد را مدیریت می‌کنید، اگر برای‌تان امکان دارد، به یکی از معادن زغال‌سنگ سری بزنید و آن را از نزدیک ببینید و بعد برای دستمزدها تعیین‌تکلیف کنید.

▣ مشکل قوانین ناکارآمد

اما درد و گرفتاری کارگران، به‌ویژه کارگران معدن، یکی دوتا نیست و هر دم از این باغ، بری می‌رسد. علت اصلی این نابسامانی، وجود قوانین و مقررات ناکارآمد است که ظلم بزرگی در حق کارگران روا می‌دارد. کارگران زغال‌سنگ طی سالیان متمادی در عرصه اقتصادی و کار سخت و زیان‌آور مشغول به کار بوده‌اند و بیشتر آنها در چنگال فرسودگی، بیماری و انواع نقص‌های جسمانی و گرفتارند، اما تامین‌اجتماعی هم دردی از دل آنها برنمی‌دارد.

▣ مشکلات حقوق و دستمزد

مهم‌ترین مشکلی که به‌تازگی دامن بسیاری از کارگران و خانواده‌های آنها را گرفته، به‌طورخلاصه به شرح زیر است: ۴ درصد از حقوق مربوط به مشاغل سخت و زیان‌آور، در پایان خدمت پرداخت می‌شود، چنانچه فرد به‌علت فوت یا ازکارافتادگی نتواند به سابقه موردقبول بازنشستگی برسد، حداقل حقوق به مستمری‌بگیر پرداخت می‌شود. به‌عنوان‌مثال، در نظر بگیرید که چنانچه فردی با حقوق میانگین ۲ سال آخر خدمت ،۱۰ میلیون تومان و سابقه کار ۱۹ سال و ۱۱ ماه، به‌علت فوت یا ازکارافتادگی نتواند یک ماه باقیمانده خدمت خود را سپری کند، حقوق وی براساس ۱۹ روز کاری، حداقل حقوق و دستمزد محاسبه می‌شود (و حداکثر ۵ میلیون تومان به مستمری‌بگیران پرداخت خواهد شد، در صورتی که براساس میانگین دستمزد دریافتی خود، باید نزدیک ۱۰ میلیون تومان به بازماندگانش پرداخت شود.

▣ ضرورت بازنگری در مقررات

اگر در این مقررات بازنگری شود و سوابق سختی کار و ضریب ۱.۵ برای هر سال و در پایان قرارداد به‌صورت مجزا محاسبه شود، این مشکل حل خواهد شد و اگر بخواهیم آن را باتوجه به مثال بالا (یعنی درباره فردی با حقوق میانگین ۲ سال آخر ۱۰ میلیون تومان و سابقه کار ۱۹ سال و ۱۱ ماه) توضیح دهیم، شرایط برای وی به‌این‌ترتیب رقم می‌خورد که: اگر ضریب ۱.۵ برای وی در نظر گرفته شود، حقوق این فرد براساس سابقه ۲۹ سال و ۹ ماه محاسبه می‌شود و طبیعی است که در این صورت، حقوق بالاتری به مستمری‌بگیران تعلق خواهد گرفت و این پیشنهاد به‌دلیل اینکه ممکن است پیمانکار در زمان بازنشستگی فرد این مبلغ را پرداخت نکند، مهم و قابل‌توجه است.

▣ درد دارو و درمان

روال جاری در چند سال اخیر (به‌ویژه در شرکت زغال‌سنگ) به‌این‌ترتیب بوده است که باید ابتدا هزینه درمان از جیب کارگر پرداخت شود و بعد با ارائه فاکتور دارو و دیگر هزینه‌های درمانی و طی کردن هفت‌خوان رستم و پس از چندین ماه تاخیر، بخشی از آن را شرکت پرداخت کند که بیشتر به‌دلیل اینکه کارگران، آشنایی چندانی با روند کار ندارند و فاکتور پرداختی، پرونده پزشکی، صورت‌حساب آمبولانس و ... به وی ارائه نمی‌شود، دچار مشکلات و دردسرهای زیادی خواهد شد.

بنابراین پیشنهاد می‌شود که شرکت‌های معدنی با بیمه‌گذاران معتبرتری قرارداد ببندند و کارگران را از مزیت بیمه تکمیلی برخوردار کنند.

▣ ماده ۱۴۹ قانون کار

همان‌گونه که مستحضر هستید باتوجه به ماده ۱۴۹ قانون کار، کارفرمایان مکلفند با تعاونی‌های مسکن و در صورت نبود این تعاونی‌ها به‌طورمستقیم با کارگران فاقد مسکن در راستای تامین خانه‌های شخصی و مناسب اقدامات لازم را انجام دهند. همچنین، کارفرمایان کارگاه‌های بزرگ مکلف به احداث خانه‌های سازمانی در جوار کارگاه یا محل مناسب در نزدیکی کارگاه‌ها هستند و دولت موظف است با استفاده از تسهیلات بانکی و امکانات وزارت مسکن راه و شهرسازی، شهرداری‌ها و سایر دستگاه‌ها در این مسیر گام بردارد که خوشبختانه دولت سیزدهم با عزم جدی و توان مضاعف دراین‌باره کارهای بزرگی انجام داده و تصمیم‌های بسیار خوبی گرفته است.

همچنین، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل چندی است در دست پیگیری بوده، اما در بسیاری از موارد، طبق روال قانونی اجرا نشده و گاهی نظرات شخصی و غیرقابل‌قبولی در آن گنجانده شده است. بنابراین، برای رفع این مشکلات باید این دست از قوانین، موردبازنگری کلی و اصلاح قرار گیرند.

▣ مشاغل سخت و زیان‌آور

از سوی دیگر، کار در معادن جزو مشاغل سخت و زیان‌آور محسوب می‌شود و کار در معادن زیرزمینی و به‌ویژه زغال‌سنگ جزو سخت‌ترین انواع آن است. در تمام دنیا ضریب این نوع شغل ۲ به بالا است، اما متاسفانه در قانون تامین‌اجتماعی، این ضریب برای معدنچی‌ها مثل رانندگان، پرستاران، نانوایان و... با درصد ۱.۵ محاسبه می‌شود. این در حالی است که کار در اعماق زمین بعد از ۱۰ سال، دیگر امکان‌پذیر نیست و معدنچی‌ها در این ۱۰ سال، با انواع مشکلات تنفسی، حوادث ناشی از کار و... مواجه می‌شوند که ادامه کار را برای‌شان مشکل می‌کند. از سوی دیگر، فرسودگی نیروی کار دستاوردی جز نیروی سربار برای شرکت کارفرما ندارد. بنابراین، برقراری احتساب بیمه و سن بازنشستگی با ضریب ۲ برای کارگران معدن مانند سال‌های پیش (یعنی با در نظر گرفتن ۱۰ سال کار در تونل و ۵ سال کار در کارهای خدماتی بیرون از تونل) از ضروریات است. در این صورت، می‌توان زمینه‌ای را فراهم کرد که نیروی جوان و پرانرژی به چرخه تولید اضافه شود و زمینه افزایش تولید وکمتر شدن تعهدات حقوقی شرکت را فراهم آورد. این روند به کارگران فرسوده از کار نیز، مجالی برای استراحت و برخورداری از مزایای بازنشستگی اعطا خواهد کرد.

افزایش حق بیمه کارگر، ادغام صندوق تامین‌اجتماعی با سایر صندوق‌های بازنشستگی و عدم‌پرداخت مطالبات سال‌های گذشته سازمان از دولت، تنها به زیان کارگران تمام شده و به‌نفع سازمان تامین‌اجتماعی و دولت خواهد بود

ضرورت ترمیم دستمزد براساس نرخ تورم و سبد معیشت



حسین حبیبی ـ عضو شوراهای اسلامی کار سراسر کشور:

تصویب دستمزد غیرقانونی و به دور از عدالت و افزایش نرخ کالا و خدمات، موجب کوچک شدن سفره مردم و بروز مشکلاتی در زمینه تامین نیازهای تغذیه، دارو و درمان، مسکن مناسب، امکانات رفاهی، آموزشی و تربیت‌بدنی به‌ویژه در بین کارگران شده است. حال سوال اینجاست که آیا رئیس‌جمهوری، وزیر کار، رئیس سازمان تامین‌اجتماعی، نمایندگان مجلس و دیوان عدالت اداری شاهد شرایط سخت زندگی کارگران هستند؟

▣ استقلال تشکل‌های کارگری

براساس شواهد، کارگران از حق داشتن تشکل کارگری مستقل بدون دخالت دولت و کارفرما محروم هستند و این یعنی، تسلط بر کارگران و تشکلات به‌نفع کارفرمایان دولتی و خصوصی. در بررسی مشکلات این بخش از جامعه می‌توان به وجود موارد موردمناقشه کارگران و دولت در لایحه هفتم توسعه نیز اشاره کرد که با افزایش سن و سابقه در بازنشستگی و جایگزین کردن محاسبه میانگین ۵ سال بیمه‌پردازی به‌جای ۲ سال آخر خدمت، مشکلات کارگران را بیشتر از گذشته خواهد کرد. بر همین اساس، برخی کارشناسان معتقدند که افزایش سهم حق بیمه کارگر، ادغام صندوق تامین‌اجتماعی با سایر صندوق‌های بازنشستگی و عدم‌پرداخت مطالبات سال‌های گذشته سازمان تامین‌اجتماعی از دولت، تنها به زیان کارگران تمام شده است و به‌نفع سازمان تامین‌اجتماعی و دولت خواهد بود.

▣ مامور اجرای قانون کار

این در حالی است که وزارت کار، رفاه و امور اجتماعی براساس ماده ۲۰۳ به‌همراه وزارت دادگستری، مامور اجرای قانون کار است و به‌استناد قانون کار، وظیفه این وزارتخانه حمایت از نیروی کار و تنظیم روابط کارگر و کارفرما است.

بنابراین به استناد ماده ۴۱، شورای‌عالی کار به ریاست وزیر کار، ماموریت دارد حقوق و دستمزد کارگران را براساس نرخ تورم و سبد معیشت تعیین کند. همچنین طبق قانون، این شورا مکلف است حقوق و دستمزد کارگران را متناسب با تورم و سبد معیشت تعیین و در صورت لزوم نسبت به اصلاح دستمزد اقدام کند.

وزیر کار نیز موظف است براساس ماده ۱۶۸ قانون، به تقاضای ۳ نفر از اعضای اصلی کارگری شورای‌عالی کار برای برگزاری جلسه فوق‌العاده در زمینه ترمیم دستمزد ۱۴۰۲ پاسخ مثبت دهد و نسبت به برگزاری جلسه فوق‌العاده ترمیم مزد اقدام کند؛ قوانینی که تا امروز با بی‌توجهی از سوی ارگان‌های مربوطه مواجه شده است.

سخن پایانی

چالش دستمزد و تامین‌اجتماعی برای کارگران و به‌ویژه معدنچی‌ها جدی‌تر از گذشته شده و بی‌توجهی به این مسئله، می‌تواند به مشکلات جدی و ناخوشایندی برای کارگران، خانواده‌های آنان و بخش تولید و اقتصاد کشور منجر شود.

به‌نظر می‌رسد تمام نهادها و افراد مرتبط، به‌ویژه شرکت‌ها، دولت و سازمان‌های حقوقی و مردمی، باید اقدامات لازم را برای حفظ حقوق کارگران و بهبود شرایط معیشت و رفاه آنها انجام دهند.

اختلال سودآور

کیمیا ملکی: پس از اعمال محدودیت‌های استفاده از فضای مجازی و فیلتر پلتفرم‌های خارجی، بازار داغ فروش فیلترشکن‌ها رواج یافت. براساس آمار و شواهد بازار، تجارت فیلترشکن‌ها با سرعت بالایی رشد کرده و اعداد و رقم‌های بسیار بزرگی برای خرید و فروش فیلترشکن‌ها در این بازار مطرح است. اگر فرض را بر این بگذاریم که ۷۰ درصد کاربران اینستاگرام از فیلترشکن پولی استفاده می‌کنند و تعداد آنها را ۳۰ میلیون نفر در نظر بگیریم که هر کدام ماهانه حداقل برای خرید فیلترشکن ۱۰۰ هزار تومان هزینه می‌کنند، در ماه شاهد پرداخت مبالغ سنگینی برای این موضوع خواهیم بود. از سوی دیگر، به عقیده کارشناسان این اتفاق بزرگ باید توسط یک سیستم ساماندهی شود، پس نمی‌توان گفت این بازار با یک مجموعه کوچک اداره می‌شود. در نتیجه، این موضوع باعث شکل‌گیری گمانه‌زنی‌هایی می‌شود که فیلترشکن‌ها به‌صورت ساماندهی‌شده و با حمایت فیلترکنندگان فعالیت می‌کنند. براساس شواهد، به‌نظر می‌رسد اعمال محدودیت در استفاده از پیام‌رسان‌های پرمخاطب، نه‌تنها باعث ریزش کاربران این پلتفرم‌ها نشده، بلکه به عاملی برای رونق بیشتر تجارت پرسود فروش فیلترشکن در ایران تبدیل شده است.

این در حالی است که با وجود تبلیغات گوناگون باز هم شبکه‌های اجتماعی جایگزین، نتوانستند آن‌طور که باید، برای مخاطب اعتمادسازی کنند و مورداستفاده قرار گیرند.

به نظر می‌رسد فیلترینگ، آخرین راه و پرهزینه‌ترین راهی است که از سوی دولت اعمال می‌شود. این در حالی است که با ورود فیلترشکن‌ها به سیستم نرم‌افزاری تلفن‌همراه و سیستم‌های ارتباطی در عمل امنیت شبکه از بین می‌رود. کارشناسان فضای مجازی معتقدند با استفاده از فیلترشکن، راه ورود هکرها را باز می‌کنیم. زمانی که از فیلترشکن استفاده می‌شود، از لحاظ فنی حفره‌هایی را روی ابزارهای گوناگون ایجاد می‌کنیم که امکان دسترسی‌های غیرمجاز بیشتر می‌شود و در نتیجه، شاهد حمله‌های هکری بیشتری خواهیم بود؛ مشکلی که می‌تواند در صورت بروز، تاثیرات منفی بر اقتصاد کشور داشته باشد و بنابراین انتظار می‌رود شورای‌عالی فضای مجازی و وزارت ارتباطات با بررسی دقیق‌تر و نگاه همه‌جانبه برای تداوم یا قطع محدودیت‌های فضای مجازی و فیلترینگ تصمیم‌گیری کنند.



اینفوگرافی: سامان شرف‌الدین

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نوبت اول ۲۷۰ الف/م

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر **رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۲۷۲۰۰۰۰۴۶ مورخه ۱۴۰۲/۰۱/۲۶** هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی منطقه شش مشهد تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی **خانم شهین عظیمی مهر فرزند محمدحسین شماره شناسنامه ۹۹۶ صادره از مشهد نسبت به ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۵۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۵۴ فرعی از ۱۸۶ اصلی واقع در اراضی چهارچشمه بخش ۱۰ مشهد** خریداری با واسطه/ بدون واسطه از محل مالکیت محمدرضا ناصری آبکوه مالک رسمی محرز گردیده است.

لذا به استناد ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی دردو نوبت در دو روزنامه به فاصله ۱۵ روز از طریق یکی از روزنامه‌های محلی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار اعلام شده در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند و باید از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض؛ گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸

هادی ریحانی، رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه شش مشهد

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه بطور فوق‌العاده (نوبت دوم)

شرکت خدماتی شهرک صنعتی کاسپین (سهامی خاص) به شماره ثبت ۶۵۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۴۹۱۸۵۸

باتوجه به اینکه جلسه مجمع عمومی عادی(نوبت اول) تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۱ ساعت ۱۱ شرکت خدماتی شهرک صنعتی کاسپین (سهامی خاص) به حدنصاب نرسید و شرایط قانونی تشکیل مجمع فراهم نشد، بدین‌وسیله از کلیه سهامداران و یا نمایندگان قانونی سهامداران شرکت فوق دعوت می‌گردد در جلسه **مجمع عمومی عادی سالیانه بطور فوق‌العاده (نوبت دوم)** که در تاریخ **۱۴۰۲/۰۵/۲۵** ساعت **۱۱** به آدرس کیلومتر ۲۵ اتوبان قزوین- تهران، شهرک صنعتی کاسپین، میدان امام خمینی، بلوار امام خمینی، کدپستی ۳۴۴۵۱۸۱۱۴۳ برگزار می‌گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

- استماع گزارش هیات‌مدیره و بازرس قانونی
- بررسی و تصویب صورت‌های مالی و ترازنامه سال ۱۴۰۱ و بودجه پیشنهادی سال ۱۴۰۲
- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
- انتخاب بازرس قانونی شرکت
- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی باشد.

هیات‌مدیره شرکت

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نوبت دوم شناسه ۱۵۲۹۸۵۳

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۱۳۹۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۸ کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۰۰۶۱ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی **آقای صدراله اصفهانی فرزند رجب کدملی ۵۰۸۹۳۹۶۴۴۲** صادره از آبیک (بشاریات) در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۶۷/۲۰ مترمربع پلاک شماره ۳- اصلی واقع در بخش ۴ جنوبشرق حوزه ثبت **ملک منطقه یک قزوین** محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۴/۲۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴

شعبان عسگری، رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی دعوت به مناقصه عمومی (نوبت دوم)

انتخاب پیمانکار تأمین نیروی حفاظت فیزیکی

شرکت صنایع سیمان گیلان سبز (سهامی خاص)

در نظر دارد عملیات انتخاب پیمانکار تأمین نیروی حفاظت فیزیکی کارخانه خود را به مدت یک سال به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. از متقاضیان دعوت می‌گردد جهت دریافت اسناد مناقصه به تارنمای اینترنتی شرکت سیمان گیلان سبز به نشانی www.gilancement.ir مراجعه و مدارک مربوطه را دریافت و از تاریخ چاپ آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۱ به واحد دبیرخانه شرکت تحویل نمایند.

آدرس دفتر مرکزی: خیابان فردوسی، خیابان شهید تقوی، کوچه انوشیروانی، پلاک ۵، شرکت سیمان تهران، ساختمان شرکت صنایع سیمان گیلان سبز

شرکت صنایع سیمان گیلان سبز

www.Gostaresh.news



آخرین اخبار و تازه ترین تحلیل ها را در پایگاه خبری «گسترش نیوز» دنبال کنید

یادداشت



انتظار خدمات متناسب بانکی برای اصناف

مهدی امیدوار
خزانه‌دار اتاق اصناف ایران

واحدهای صنفی به‌تازگی مجبور به پرداخت کارمزد در ازای هـر تراکنش کارتخوانی شـده‌اند؛ موضوعی که مورد گلایه کسـب‌وکارها از جمله ۳ میلیـون واحد صنفی قرار گرفته و اتاق اصناف ایران به‌عنوان بالاترین تشکل صنفی، پیگیر مطالبات موکلان خود از بانک مرکزی شده است.

البتـه پرداخت کارمزد به ازای هـر تراکنش کارتخوانی، چیزی جز پرداخت مالیات و خواب پول در حسـاب بانک مرکزی و دیرکرد واریز پول به حسـاب واحد صنفی است. براسـاس آنچه گفته شد، برخی از کسـب‌وکارها از جمله واحدهای صنفی اسـتفاده از کارتخوان‌ها را دیگر به‌صرفه نمی‌داننـد و ایـن بیم می‌رود که بخشـنامه ۴ تیر ۱۴۰۲ بانک مرکزی مبنی بر اینکه تمامی دارندگان دستگاه‌های کارتخـوان بـه اسـتثنای نانوایی‌هـا و سـوپرمارکت‌ها و درگاه‌های پرداخـت اینترنتی، ملزم به پرداخت کارمزد از هر تراکنش شـده‌اند، بار دیگـر مصرف‌کنندگان را مجبور بـه پرداخت پول کاغذی بـه واحد صنفی یا اسـتفاده از راهکارهـای جایگزین کند. این مهـم همچنین مانعی در برابر شفاف‌سـازی تبادلات مالی است؛ موضوعی که چند سالی است از سوی دولت با جدیت دنبال می‌شود و بخش خصوصی نیز از آن اسـتقبال می‌کند. لازم است بخشنامه فـوق، باتوجه به سـه ضلع منتفع از تراکنـش کارتخوانی اصلاح شـود و در این مسیر اتاق اصناف ایران رایزنی‌هایی را بـا مهران محرمیـان، معاون فناوری‌هـای نوین رئیس کل بانـک مرکزی انجام داده اسـت. در آخریـن دیدار با معاون فناوری‌های نویـن رئیس کل بانک مرکزی که ماه گذشـته در محل بانک مرکزی انجام شـد، پیشنهادات و ایرادات جامعه اصناف کشـور به این بخشنامه، اعلام شد. پیشـنهاد اتاق اصناف ایران این بود کـه باتوجه به اینکه در استفاده از کارتخوان‌ها، سه ضلع مصرف‌کننده، اصناف و شـبکه بانکی دخیل و ذی‌نفع هسـتند، لازم است سهم هر بخش از هـر تراکنش کارتخوانی بـه صورت جداگانه تعیین و دریافت شـود و این درسـت نیست که تمام این هزینه را واحد صنفی تامین کند. پیشـنهاد و انتظار ما از بانک این اسـت که بخشـی از این درآمد را برای افزایش کیفیت و کارکرد سیسـتم‌های خود بـه کار گیرد. اینکه نگاه بانک به کارمزد تراکنش کارتخوان‌ها صرفا درآمدزایی برای خود باشـد، صحیح نیست. اسـتفاده از کارتخوان‌ها منجر به شـفافیت‌های اقتصادی شده، درآمدهای مالیاتی بـرای دولت را افزایـش داده، رفاه جمعـی را بالا می‌برد و...؛ پـس کارتخوان‌ها فقط انتقال‌دهنده پول نیسـتند و واحدهای صنفی طبیعتا انتظـار دارند به میزان هزینه‌ای که پرداخت و نقشی که در ایجاد این مزیت‌های بزرگ ایفا می‌کنند، خدمات مناسـبی نیز دریافت کنند. در بسیاری از کشـورهای توسـعه‌یافته و در حال توسعه هم در قبال دریافـت کارمزد تراکنش کارتخـوان، بانک خدماتی را به کسـب‌وکارها ارائه می‌دهد. یکـی از خدمات این بانک‌ها، ارائه تسهیلات با سود پایین‌تر از نرخ مصوب است.

در این زمینه پیشنهاداتی را مطرح می‌کنم؛ پیشنهاد اول این است که پرداخت کارمزد تراکنش کارتخوانی بین سه ضلع ذی‌نفع مردم، اصناف و بانک تقسـیمی عادلانه شود. پیشـنهاد دوم اینکه کارمزد می‌تواند برای مشاغل مختلف متفاوت باشد و مشاغلی که کارمزد بیشتری می‌پردازند از امکانات و تسهیلات بیشتری بهره ببرند.

همچنین پیشـنهاد سـوم این اسـت که بانک مرکزی طرح‌های تشویقی برای استفاده از کارتخوان داشته باشد، چراکه طرح‌های شفاف‌سـازی اقتصادی که ازسوی دولت پیگیری می‌شـود نیازمند استفاده بیشـتر از دستگاه‌های کارتخـوان اسـت؛ بنابراین هر واحد صنفـی که فعالیت و تراکنش بیشـتری داشته باشد، از خدمات بانکی بیشتری بهره می‌برد تا میل و اسـتقبال کسب‌وکارها از استفاده از کارتخوان‌ها بیشتر شود.

لازم است برای کارفرمایان و کارکنان واحدهای صنفی، همچون بسـیاری از کشـورها فضایی ایجاد شـود که در مقابل پرداخت کارمزد تراکنش کارتخوان، شـاهد شرایط برد-برد باشند.

بخشـی از ایـن کارمزدهـا باید بـرای ارائه تسـهیلات یـا کارت‌هـای اعتباری واحدهـای صنفی واریز شـود تا واحدهای صنفی احساس مزیت کنند و بدانند اگر پولی را به شبکه بانکی می‌پردازند در ازای آن خدمات متناسبی را نیز دریافت خواهند کرد.

گفتنی اسـت بانک مرکزی در راسـتای کارآمدتر شدن شـبکه پرداخت الکترونیـک و ارتقای سـطح خدمات به کاربران، اصلاحاتی را در نظام کارمزد تراکنش این شـبکه اعمال و شیوه‌نامه جدید را ابلاغ کرده است.

با تصویب شـورای پـول و اعتبار و ابـلاغ بانک مرکزی از این پس دارندگان دسـتگاه‌های کارتخوان (پذیرندگان) بخشـی از کارمزد تراکنش‌های خرید را پرداخت خواهند کرد.

دارندگان دسـتگاه‌های کارتخوان بـه ازای هر تراکنش خرید از ۱۲۰۰ ریال تا حداکثر سـقف تعیین‌شـده بسته به مبلغ تراکنش، کارمزد پرداخت می‌کنند؛ به‌عبارت دیگر کف این کارمـزد تا تراکنش‌های ۶ میلیـون ریال ۱۲۰۰ ریال و برای تراکنش‌های بالاتر به‌صورت پلکانی تا سـقف تعیین‌شـده، خواهد بـود. لازم به تاکید اسـت باتوجه به اصلاحات انجام‌شده همچنان شبکه بانکی و بانک پذیرنده، بالاترین سـهم را در پرداخـت کارمزد تراکنش‌های خرید کارتی برعهده دارند و شـرکت‌های زیرسـاخت بهره آن را می‌برند.

صمت عملکرد دولت در تنظیم بازار را بررسی کرد

آشفتگی، نتیجه اشتباهات



عکس: صمت

دسترسـی آسـان و نرخ مناسـب کالاها از درخواسـت‌های اصلی شـهروندان است، اما تنظیـم بازار و نظارت بر تولید و توزیع کالاها جزو وظایف دولت‌هاسـت. بـا این حال گاهی بازارها دچار اختلال می‌شوند؛ اتفاقی که هم می‌تواند به‌ضرر مصرف‌کنندگان و هم به ضرر تولیدکنندگان باشد. بر همین اساس دولت‌ها در دوره‌هـای مختلف اقدامـات گوناگونی را برای تنظیم بازار انجام داده‌اند که البته گاهی با نتایج خوبی همراه نبوده اسـت. در آخرین تحولات، کاسـتی‌های تنظیم بـازار، دولت را ترغیـب به تفکیک حـوزه بازرگانی از صمت و تشـکیل دوباره این وزارتخانه کرده است؛ هرچند بسـیاری با ابراز نگرانـی از اقدامات غیرهدفمند و کوتاه‌مدت بـرای کنترل بازار، نسـبت به احتمـال واردات بی‌رویه هشـدار می‌دهنـد. تصمیم دولت‌ها برای روند واردات و صادرات کالا باتوجه به شرایط بازار از جمله اقدامـات دیگـری اسـت که گاهـی منجر به صدور دستورالعمل‌های ممنوعیت واردات یا لغو عوارض وارداتی می‌شود. با این همه گاهی بازار با کمبود و افزایش نرخ یک کالا مواجه و عوامل بسیاری برای برهم خوردن تعادل بازار عنوان می‌شـود؛ از عدم پیش‌بینی‌های بازار گرفته تا رانـت و دسـتورالعمل‌های ناگهانی کارشناسی‌نشده.

صمت در این گـزارش به بهانه تصمیم اخیر دولت درباره بازار برنج و مرغ، به بررسی نقش نهاد نظارتی در تنظیم بازار پرداخته است.

کیمیا ملکی
editor@smtnews.ir

مدیریت دولتی بازار؛ درست یا غلط؟

دولت‌هـا تقریبا همیشـه و در همه جا، بخش مهمـی از فرآیندهـای اقتصـادی را به‌صـورت مسـتقیم یا غیرمسـتقیم و از طریق دخالت در سـازکار بـازار، هدایت می‌کرده‌انـد. در واقع در جوامـع امروزی، دربـاره نقش موثـر دولت در سیستم اقتصادی، تردیدی وجود ندارد؛ بنابراین در هر سیستم اقتصادی ما با یک دوگانه دولت-بازار مواجهیم که فرآیندهای اقتصادی را تنظیم و هدایـت می‌کنند و هر یک کارکردهای خاص خود را در سیستم اقتصادی دارا هستند. بی‌شک بازار بـا برقراری تعادل میان عرضـه و تقاضا تا حـد زیادی کنترل می‌شـود و این موضوع تنها به مدیریت درسـت دولت ارتبـاط دارد، اما در مقابل یکی از روش‌های دولت برای کنترل بازار ممنوعیت دوره‌ای واردات و صادرات محصولات اسـت. در سـال‌های اخیـر دولت ناگزیر شـده انبوهی از بخشـنامه‌های مربوط بـه صادرات یا واردات را بـا هدف تنظیم بـازار داخلی و مقابله با کمبود و گرانـی کالاها برای مصرف‌کنندگان داخلی تصویب کند. در همین راستا چندی پیش مسـعود رسولی، مدیرعامل شـرکت بسته‌بندی صنعت گوشـت و مواد پروتئینی بـا بیان اینکه دولت با افزایش حجم واردات تلاش جدی برای تنظیم بازار گوشت قرمز و مرغ انجام داده، گفت: اکنـون گوشـت قرمز و مرغ بسـته‌بندی با نرخ مصوب در فروشـگاه‌ها عرضه می‌شود و افزایش واردات سبب کاهش قیمت‌ها خواهد شد.

همچنین چنـدی پیش بـرای مدیریت بازار برنج مقرر شـد وزارت جهاد کشاورزی به‌نحوی سیاسـت‌گذاری کند که واردکنندگان برنج تنها در صورت خرید کل ظرفیت برنج تجاری (طارم و هاشمی) از کشـاورزان، قادر به دریافت مجوز واردات برنـج باشـند. حتـی در روزهـای اخیر معاون اول رئیس‌جمهوری در جلسـه بررسـی مسائل شالیکاران استان‌های شمالی گفت: برای تولید برنج و کشت سال آینده به‌صورت دقیق و برمبنای نیاز کشـور پیش‌بینی لازم انجام شود، چراکه مجوز واردات فقط در صورت کمبود برنج صادر خواهد شد.

بـا بررسـی و برنامه‌ریزی درسـت براسـاس سرانه مصرف سـالانه محصولات، می‌توان بازار را به‌خوبی مدیریت کرد، اما متاسـفانه به‌عقیده فعـالان این حـوزه نبود آمار واقعـی و دقیق از تولید و نیاز جامعه، چالشی جدی برای مدیریت و برنامه‌ریـزی در حـوزه بـازار اسـت. در واقع ناهمخوانـی تولید و صـادرات و نبود آمار دقیق از تولیـد داخلی خود از جمله دلایل مشـکلات بازار است.

به‌نظر می‌رسد مشکلات بازار مرغ به نابسامانی مدیریـت و برنامه‌ریزی این حـوزه بازمی‌گردد. به‌گفته محمدعلی کمالی، مشـاور عالی اتحادیه مرغداران گوشـتی کشور سـرانه مصرف مرغ تا قبل از مردمی‌سازی یارانه‌ها، حدود ۳۲ کیلوگرم بود که در سـال بعد از آن، این مقدار حدود ۱۲ درصد به لحاظ وزنـی کاهش پیدا کرد و حدود ۲۶ کیلوگرم شـد. امسـال پیش‌بینی می‌کنیم دوباره افزایش مصرف داشـته باشـیم. برهمین اساس تلاش شـده ماهانه حداقل ۱۲۰ میلیون قطعه جوجه را تا شهریور به‌دست تولیدکنندگان مرغ گوشتی برسانیم تا بتوانیم نیاز داخلی کشور را کاملا پوشش بدهیم.

همچنین براساس آمار رسمی اعلام‌شده سرانه مصرف برنج ۳۶ کیلوگرم اسـت و در این حالت کل برنج موردنیاز کشـور حـدود ۳ میلیون تن می‌شـود، اما واردکننـدگان این آمـار را قبول ندارنـد و روی ۴۲ کیلوگرم تاکید دارند و به این ترتیب بیش از نیاز کشـور اقدام به واردات برنج می‌کنند.

> تمام نابسامانی‌های موجود در بازار برنج از لغو ناگهانی واردات برنج گرفته تا مشکلات شبکه توزیع ناشی از عملکرد وزارت جهاد کشاورزی است

مقصر اصلی آشفته‌بازار برنج کیست؟



محمد مختاریان، رئیس انجمـن تولیدکنندگان و تامین‌کنندگان برنج ایران درباره کنترل بازار با صدور بخشنامه‌های مربوط به واردات و صادرات به صمت گفت: در سـال گذشـته عوامل بسیاری موجب بی‌نظمی در بازار شـد. ماندن بار برنج در سال ۱۴۰۱ موجب نگرانی کشـاورزان شده بود. این در حالی اسـت که سال گذشته باتوجه به سـقف مطلوب تولیـد، نیازی به واردات حدود یـک میلیون و ۷۰۰ تـن برنج نبود. بی‌شـک دولت نه‌تنها بـا این اقدام نتوانسـت بازار برنج را کنترل کند، بلکه خود موجب آشـفتگی بازار شـده است. در مجموع مقصر اصلی واردات بی‌رویه برنج در سال گذشته دولت بود. نکته مهم این اسـت که معمولا بـرای رفع اثر تصمیمات غلط قبلی تصمیمات جدید گرفته می‌شود که شرایط را بدتر می‌کند. علاوه بر آنچه گفته شد در سال گذشته شاهد افزایش بی‌رویه نرخ برنج ایرانی در بازار بودیم که در نتیجه آن برنج ایرانی از سفره بسیاری از مردم حذف شد و مصرف بیشتر به سمت برنج خارجی رفت.

مدیریت غلط بازار برنج

وی ضمـن تاکید بر مدیریت غلط بازار برنج در سـال ۱۴۰۱ اظهار کرد: سـال گذشـته واردات برنج در کشـور بیش از ۲ برابر شد، بازار برنج داخلی به رکود رفت و کشـاورزان فریادشان بر آمد که محصول روی دست‌شان مانده و خریداری برایش نیست؛ مسئله زمانی بغرنج‌تر می‌شـود که بدانیم اثرات ایـن اقدام می‌تواند در سـال‌های دیگر به صورت کاهش تولید خود را نشـان دهد. مختاریان در پیش‌بینی خود از بازار برنج در سال ۱۴۰۲ بیان کرد: پیش‌بینی ما این است که امسال بازار خوبی برای برنج داشـته باشـیم و در صورتـی که میزان واردات مناسـب باشـد، شـاهد کاهش نرخ برنج در بازار خواهیم بود. اکنون فراوانی محصول در کنار نزدیک شـدن به زمان ورود محصول سـال جدید به بازار باعث شده نرخ برنج ایرانی نسبت به سال قبل حدود ۳۵ درصد کاهش داشته باشد. همچنین در حال حاضر در حوزه صادرات برنج اتفاقات خوبی رقم خورده و تقویت و توسـعه این حوزه از دیگر برنامه‌هایی است که این تشکل روی آن متمرکز شده است.

شرطی فسادزا

رئیس انجمن تولیدکنندگان و تامین‌کننـدگان برنج ایران درباره شـرط جدید واردات برنج برای واردکنندگان گفت: شـرطی در کار نیست؛ تنها مقرر شد وزارت جهاد کشاورزی به‌نحوی سیاست‌گذاری کند کـه واردکننـدگان برنج تنها در صـورت خریـد کل ظرفیـت برنج تجاری (طارم و هاشـمی) از کشـاورزان، بتوانند مجوز واردات برنج دریافت کنند. بی‌شـک این موضوع می‌تواند عامل فساد باشد، زیرا براسـاس این طرح شخصی که بیشـترین خرید را دارد، مجوز واردات بیشـترین میزان برنـج به او تعلق می‌گیـرد. در نهایت این موضوع با فاکتورسازی و معاملات صوری مدیریت می‌شود. همچنین ممکن است نرخ برنج در بازار بی‌دلیل افزایش پیدا کند.

وزارت کشاورزی مقصر است!

مختاریان ضمن تاکید بر تصمیمات غلط وزارت جهاد در مدیریت بازار برنج در سـال گذشته اظهار کرد: تمام نابسامانی‌های موجود در بازار برنج از لغو ناگهانی واردات برنج گرفته تا مشکلات شبکه توزیع ناشی از عملکرد وزارت جهاد کشاورزی است.

> متولی تولید، توزیع و قیمت‌گذاری و مدیریت بازار مرغ وزارت جهاد کشاورزی است و باید جوابگوی نابسامانی‌های بازار باشد

وزارت جهاد کشاورزی باید پاسخگو باشد



مهدی یوسـف‌خانی، رئیـس اتحادیه فروشـندگان پرنده و ماهی تهران درباره کنترل بازار مرغ از طریق ممنوعیت‌های اعمال‌شده در واردات و صادرات به صمت گفت: دولت وقتی راه دیگری ندارد، سعی می‌کند با صدور بخشنامه در زمینه واردات یا صادرات، بازار را کنترل کند. اکنون نیز بازار رو به ثبات اسـت و تولید به میزان کافی انجام می‌شود و تا آخر مرداد نیاز به واردات مرغ نداریم. همچنین نرخ مرغ هر روز رو به کاهش اسـت. متولی تولید، توزیع و قیمت‌گذاری مرغ وزارت جهادکشاورزی است و بازار این محصول به‌طور کامل ازسوی وزارت جهاد کشـاورزی مدیریت می‌شـود و این نهاد باید جوابگوی نابسامانی‌های بازار باشد.

وی در تشریح دلایل کمبود و گرانی مرغ در بازار بیان کرد: کاهش تولیـد و کاهش جوجه‌ریـزی از دلایل اصلی افزایـش نرخ مرغ در بازار اسـت. همچنین کاهش واردات نهاده‌های دامی که در ماه‌های پایانی سـال قبل اتفاق افتاد باعث شد براسـاس جدیدترین برآورد صورت‌گرفته میزان جوجه‌ریزی در فروردین امسـال به ۹۵ میلیون قطعه کاهش یابد.

یوسـف‌خانی با اشـاره به برخی از شـکایات مبنی بر عدم فروش مرغ ازسوی برخی از فروشندگان اظهار کرد: اصلا امکان‌پذیر نیست که فروشگاهی مرغ داشـته باشد و آن را توزیع نکند؛ در نتیجه این موضوع اصلا صحت ندارد.

فروش مرغ قطعه‌بندی را آزاد کنید

رئیـس اتحادیـه فروشـندگان پرنـده و ماهی تهران با اشـاره به ممنوعیت فروش قطعه‌ای مرغ برای مرغ‌فروشـی‌ها بیان کرد: وزارت جهاد کشـاورزی و دامپزشکی به‌علت مسـائل بهداشتی قطعه‌بندی را برای واحدهای مرغ‌فروشـی ممنوع کرده‌اند، این در حالی اسـت که شـهروندان تمایل زیـادی به خرید مرغ‌هـای قطعه‌بندی دارند و اگـر واحدهـای صنفـی قطعه‌بنـدی را انجام دهند، مـرغ با نرخ مناسـب به‌دسـت مردم می‌رسـد. صدور این اجازه در روند فعالیت شـرکت‌های قطعه‌بندی اختلالی ایجاد نمی‌کند و تنها هزینه‌ای سر بار به مصرف‌کننده تحمیل می‌شـود. به‌عنوان مثال اگر ران مرغ در واحدهای صنفی قطعه‌بندی شود با نرخ هر کیلوگرم حدود ۸۰ هزار تومان به‌دست مشتری می‌رسد، اما همین محصول در قطعه‌بندی‌های شرکتی با نرخ ۱۱۰ هزار تومان نیز به‌دسـت مصرف‌کننده نمی‌رسـد. همچنین نباید حـق انتخاب را از مشـتری گرفت. لازم به ذکر است تا سـال گذشـته در همه مقاطع سـال که بازار مرغ دچار مشـکل می‌شـد، شـرکت پشـتیبانی امور دام به عرضه مرغ منجمد تنظیم بازاری در سراسـر کشور به‌ویژه در فروشگاه‌های زنجیره‌ای و میادین میوه‌وتره‌بار اقدام می‌کرد اما در ۲ ماه اخیر این کار به‌شـدت کاهش یافته است؛ به‌طوری که مسئولان برخی از فروشگاه‌ها می‌گویند هر ماه یک بار تعداد کمی مرغ منجمد به فروشگاه‌ها می‌دهند که همه آنها بلافاصله در ساعات اولیه رسیدن محصول به فروش می‌رسد.

> متولی تولید، توزیع و قیمت‌گذاری و مدیریت بازار مرغ وزارت جهاد کشاورزی است و باید جوابگوی نابسامانی‌های بازار باشد

سخن پایانی

دولت مدعی اسـت برای تنظیم بازار تدابیر مختلفی در سر دارد، امـا در برخی از موارد همین اقدامات دولت موجب آشـفتگی بازار می‌شود.

تنظیم بازار کالاهای اساسـی شـامل تامین و دسترسـی آسـان کالاهای پرمصرف از انتظارات مهم مردم از دولت به‌شـمار می‌رود و البته همین مسـئله یکی از دغدغه‌ها و اولویت‌های دولت محسوب می‌شـود. یکی از اقدامـات مهمی که دولت‌ها یـا بخش خصوصی می‌توانند در رفع اختلالات ناگهانی و کوتاه‌مدت بازارها انجام دهند، اجرای سیاسـت‌های تجاری همچون واردات یا اسـتفاده از ذخایر احتیاطی است.

کم‌وکیف توجه به نکات ایمنی در ساخت‌وساز بررسی شد

اما و اگرهای ایمنی‌سازی

چندین‌بار، شاهد آن بوده‌ایم که زلزله‌های کوچک، ساختمان‌های زیادی را در شهرهای مختلف کشور ویران کرده است. رعایت نکردن نکات ایمنی در زمان ساخت، یکی از علت‌هایی است که باعث می‌شود بسیاری از ساختمان‌ها در اثر زلزله‌های کوچک تخریب شوند. بارها توسط سازمان آتش‌نشانی به ساختمان‌های در حال ساخت هشدار رعایت نکات ایمنی داده شده است.

سازندگان ساختمان‌ها، کمتر به نکات ایمنی توجه می‌کنند و ساخت‌وساز اصولی را در نظر نمی‌گیرند. باتوجه به هشدارهای سازمان آتش‌نشانی و نظارت‌شان بر ساخت‌وسازهای اصولی، همچنان شاهد آن هستیم که تعداد ساختمان‌های پرخطر و در معرض ریزش بسیار هستند. تعدادی از سازندگان، به‌دلیل هزینه‌بر بودن ایمن‌سازی ساختمان‌ها، توجهی به هشدارهای سازمان آتش‌نشانی نمی‌کنند و قوانین ساخت را نادیده می‌گیرند. همین امر سبب می‌شود تا با کوچک‌ترین زلزله، شاهد تخریب ساختمان‌های ناایمن باشیم. صمت در این گزارش ضرورت توجه به ایمنی‌سازی در ساخت‌وساز را بررسی کرده است.

محمد انوشه‌ئی
editor@smtnews.ir



عکس: آیدا فریدی

نقش مسکن در بهبود کیفیت زندگی

در کنار ابعاد مختلف کیفیت زندگی، مسکن یکی از مهم‌ترین این ابعاد تلقی می‌شود، زیرا دارای یک نقش اساسی در بهبود وضعیت ساکنان شهرها و تامین‌کننده حس رضایتمندی برای افراد است. همچنین، تاثیر عمیقی بر سلامت، کارآیی، رفتار اجتماعی، رضایتمندی و رفاه عمومی جامعه ایفا می‌کند.

موضوع مسکن باکیفیت و ایمن یکی از مهم‌ترین مسائل کشورهای در حال توسعه از جمله ایران است؛ زیرا اگرچه سرعت گسترش و سرعت در ساخت‌وسازها تاحدودی جوابگوی نیازهای کمی و مادی شهروندان است، اما بی‌توجهی به جنبه‌های کیفی، چالش‌های فرهنگی و روانی را در پی خواهد داشت.

اگرچه تقسیم‌بندی کیفیت ساختمان‌ها و در نظر گرفتن مسکن و مسائل مرتبط با آن از نظر کارشناسان و صاحبنظران مختلف، متفاوت است، اما این موضوع انکارناپذیر است که یکی از عناصر کلیدی کیفیت زندگی افراد در محیط شهری همان کیفیت ساختمان‌ها است. سرپناه مناسب تنها به‌معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست، بلکه آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی، امنیت مالکیت، امنیت و دوام سازه‌ای، بهداشت و آموزش و مکان مناسب است که باید موردتوجه قرار بگیرد.

تولید مسکن افزایش یابد



سیدمهدی هدایت، سرپرست سازمان نوسازی شهر تهران در رابطه با این موضوع به صمت گفت: بررسی‌ها نشان می‌دهد که در شهر تهران حدود ۲۳۰ هزار پلاک فرسوده و ناکارآمد وجود دارد که البته بافت‌های تاریخی نیز در این محدوده قرار دارند. متوسط تولید مسکن از یک پلاک فرسوده ۵ واحد است. پیش‌بینی می‌کنیم در ۲۳۰ هزار پلاک فرسوده شهر تهران یک میلیون مسکن تولید می‌شود و در واقع برابر آمارهای موجود ما یک میلیون مسکن در شهر تهران کم داریم.

سرپرست سازمان نوسازی شهر تهران بااشاره به اینکه در حال حاضر دوره انتظار خرید مسکن در تهران به ۶۶ سال رسیده است، ادامه داد: وقتی تولید مسکن افزایش یابد، عرضه و تقاضا در بازار مسکن نیز متعادل می‌شود. اقدامی که اکنون در شهر تهران باید انجام شود، این است که از ظرفیت ماده ۱۲ قانون جهش تولید مسکن استفاده کنیم که در آن عنوان شده، ساخت ۴ میلیون مسکن در بافت‌های فرسوده مدیریت شود.

هدایت یادآور شد: با ساخت ۴ میلیون مسکن در بافت فرسوده که در شرایط عادی ایجاد خدمات زیربنایی و روبنایی در آن سخت است، می‌توان باعث ارتقای کیفیت زندگی در این محدوده‌ها شد. این در حالی است که در سال‌های گذشته این امکان را در خارج از شهر تهران با ایجاد شهرک‌های جدید مسکونی مهیا می‌کردند که مشکلی از پایتخت حل نمی‌کرد.

وی تاکید کرد: در صورتی که این امکانات در داخل بافت فرسوده شهر تهران ایجاد شود و دولت مشوق‌ها و وام مسکن را حداقل به یک میلیارد تومان با بهره کم برساند و شهرداری نیز پروانه ساختمانی را رایگان در اختیار ساکنان این محدوده قرار دهد، می‌توان شاهد اقدامی جهادی در این حوزه بود. برآورد هزینه دولت در ایجاد زیرساخت‌های خدماتی که در شهرک‌های جدید اطراف تهران انجام می‌دهد، خیلی بیشتر از وامی است که برای انجام ساخت‌وساز در داخل بافت فرسوده به مردم اعطا می‌کند.

▣ استفاده از ظرفیت ماده ۱۲

سرپرست سازمان نوسازی شهر تهران در ادامه با تاکید بر اینکه استفاده از ظرفیت ماده ۱۲ قانون جهش تولید مسکن در شهر تهران می‌تواند اتفاق بزرگی را رقم بزند، گفت: بررسی‌ها نشان می‌دهد در دولت هشتم و نهم قرار بود ۴ میلیون مسکن مهر ساخته شود که نیمی از این رقم یعنی ۲ میلیون در روستاها ساخته شد. در روستاها به‌دلیل اینکه زمین آن متعلق به مردم بود و یک وام خوب کم‌بهره نیز به متقاضیان پرداخت شد، تمامی ۲ میلیون مسکنی که برنامه‌ریزی شده بود، ساخته شد.

وی افزود: از ۲ میلیون مسکنی که قرار بود در شهرها ساخته شود، چیزی در حدود یک میلیون و ۱۰۰ واحد مسکونی در بافت فرسوده ساخته شد که با دریافت وام، این خانه‌ها ساخته شدند.

این در حالی است که کار ساخت ۹۰۰ واحد از خانه‌ها را دولت خود شروع کرد و هنوز نیز تمام نشده و تجربه نشان داده است که دولت و شهرداری سازنده خوبی نیستند و باید فضا را برای ورود بخش خصوصی هموار کرد.

▣ مشارکت بخش خصوصی

سرپرست سازمان نوسازی شهر تهران بااشاره به اینکه در حال حاضر هیچ‌کدام از پروژه‌های ساخت مسکن در شهر تهران توسط شهرداری و با گرفتن پیمانکار انجام نمی‌شود، بیان کرد: برای ساخت این پروژه‌ها رویکرد این دوره مدیریت شهری، گرفتن ایجاد فضای شراکت بخش خصوصی برای همکاری در این پروژه‌هاست. به جرأت می‌توان گفت از بعد انقلاب تاکنون، موفق‌ترین مدل ساخت مسکن، مشارکت بخش خصوصی بوده است.

روند کند بررسی ساختمان‌های ناایمن



مهدی بابایی، عضو شورای شهر تهران به صمت گفت: روند بررسی و رفع خطر ۱۲۹ ساختمان ناایمن و بسیار پرخطر با سرعت کمی در حال انجام است. هر روز در گوشه و کنار این شهر در ابعاد مختلف شاهد رخداد حوادث و آتش‌سوزی در ساختمان‌ها و اماکن ناایمنی هستیم که جان و مال بسیاری از شهروندان در پی آنها به‌خطر می‌افتد و در مواردی هم اخبار تاسفباری را به‌دنبال دارند.

رئیس کمیته ایمنی شورای شهر تهران افزود: حوادثی همچون فروریختن ساختمان پلاسکو و انفجار کلینیک سینا مهر شمیران که از بی‌توجهی به اخطارهای مکرر، نبود ضمانت اجرایی و از همه مهم‌تر نداشتن عزم و اراده راسخ در بین مسئولان ذی‌ربط برای تحقق دستورالعمل‌های ایمنی در شهر سرچشمه می‌گیرد.

بابایی ادامه داد: سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران به‌عنوان کارشناس فنی و در قالب طرح نظام بازرسی ایمنی تاحدودی به تکالیف خود در بازرسی از ساختمان‌ها، دادن اخطار و دستورالعمل‌های ایمن‌سازی براساس وظایف محوله مستند به ماده یکم مصوبه (توسعه و بهبود خدمات ایمنی و آتش‌نشانی) عمل کرده، از سوی دیگر توجه به این نکته ضروری است که این سازمان ابزار قانونی لازم برای ملزم کردن اشخاص برای تحقق الزامات و ضوابط قانونی ایمنی را در اختیار ندارد، بنابراین اقدامات این سازمان به نتیجه مطلوب نرسیده است.

▣ ۱۲۹ ساختمان پرخطر

وی گفت: فهرست ۱۲۹ ساختمان که به‌عنوان ساختمان‌های بسیار پرخطر و بحرانی توسط سازمان آتش‌نشانی شناسایی شده‌اند که در صورت بروز حریق در آنها به‌دلیل بار تصرف، بار اشتعال بسیار زیاد، عدم‌رعایت اصول ایمنی و آتش‌نشانی و نداشتن هیچ‌گونه اقدام پیشگیرانه، تلفات جانی و مالی سنگینی را به‌دنبال خواهد داشت، مطابق مفاد دستورالعمل پیوست مصوبه الزام شهرداری تهران به ایجاد سامانه پایش ایمنی ساختمان‌های موجود شهر تهران در برابر خطر آتش‌سوزی به تفکیک مناطق به شهرداران مناطق ۲۲ گانه برای ابلاغ اخطار و دستورالعمل به مالکان ارائه شده است.

▣ ضرورت توجه به ایمنی ساختمان

عضو شورای اسلامی شهر تهران ادامه داد: بحث ایمنی ساختمان‌ها بسیار بااهمیت و جدی است، چراکه با جان و مال مردم طرف است،بنابراین همه باید تلاش کنند ایمنی و امنیت ساختمان‌ها را تامین کنیم تا شهروندان با خیال راحت در اماکن عمومی و ساختمان‌هایی که بنا شده است، تردد داشته باشند.

به‌نحوی که ابتدا با نصب پلاکارد خطر، شهروندان را از ناایمن بودن ساختمان مطلع کرده و ارائه خدماتی مانند، آب، گاز و برق به ساختمان با حکم قضایی قطع شود و در آخرین گام، نسبت به پلمب ساختمان اقدام شود.

وی افزود: برای ساختمان‌های جدیدالاحداث بدون مجوز آتش‌نشانی پایان کار صادر نمی‌شود. املاک ناایمن و بحرانی منطقه، به‌طورمکرر موردبازدید قرار گرفته‌اند و اخطارهای لازم توسط شهرداران نواحی داده شده است. باتوجه به اینکه بحث مهمی است، پس باید در اسرع وقت مشکلات اصلی ابلاغ شود و مالکان متعهد شده‌اند که نکات ناایمن را برطرف کنند که ثمره و نتیجه آن، این است که مردم با ایمنی کامل از ساختمان و اماکن عمومی استفاده می‌کنند.

بابایی در پایان گفت: انبارهای آتش‌نشانی خالی از تجهیزات است و اگر به قید فوریت به آن رسیدگی نشود تا پایان سال دچار بحران خواهیم شد.

سخن پایانی

ایمنی در ساخت یکی از مهم‌ترین فاکتورها است. با رشد روزافزون جمعیت تحولات عظیمی در صنعت ساختمان‌سازی به‌وجود آمده است. در برخی پروژه‌های ساختمانی کارگران و کارمندان مشغول به‌کار در ساختمان‌ها منجر به جراحت می‌شود.

احتمال وقوع حوادث را به کلی نمی‌توان از بین برد،اما با رعایت بعضی از نکات ایمنی و حفاظتی می‌توان آن را به مقدار قابل‌توجهی کاهش داد. بدین‌معنی که به‌وسیله مدیریت صحیح و طرح نقشه از قبل و کنترل روش‌های انجام کار، می‌توانیم، به هدف‌های حفاظتی خود برسیم.

افزایش نرخ مسکن و همچنین کاهش توان خرید مردم، شرایط را برای رونق بازار واحدهای مسکونی بی‌کیفیت بیش از همیشه فراهم کرده است. این وضعیت موجب شده تا تقاضای مردم در بازار مسکن به‌سمت حاشیه‌نشینی و نیز واحدهای بی‌کیفیت سوق یابد که این موضوع تا حد زیادی موجب نگرانی در سطح جامعه شده است.

در این میان، مسئولان و دست‌اندرکاران نیز از ساخت‌وسازهای شبانه و غیرمجاز در حاشیه شهرها، توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی و خانه‌سازی‌های غیراصولی ابراز نگرانی می‌کنند. در این شرایط ممکن است خریداران کم‌بنیه از روی شتابزدگی و برای عقب نماندن از کورس قیمت‌ها به‌ناچار دست به خرید واحدهای مسکونی بی‌کیفیت بزنند و سرمایه‌ها را هدر دهند.

سیاست‌های تامین مسکن روشن و شفاف نبوده و قشر ضعیف جامعه اکنون در تامین مسکن با مشکل جدی روبه‌رو شده‌اند و در این شرایط، امکان رشد و توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی، ممکن است بخشی از نیازها را برای مسکن به‌شکل نادرستی به‌سمت این سکونتگاه‌ها هدایت کند. در این راستا، ضرورت دارد ساخت مسکن باکیفیت، باتوجه به نقش حیاتی و مهمی که در زندگی افراد ایفا می‌کند، موردتوجه قرار بگیرد و فقط جنبه‌های کمی ساخت‌وساز اولویت قرار نگیرد.

هر روز در گوشه و کنار این شهر در ابعاد مختلف شاهد رخداد حوادث و آتش‌سوزی در ساختمان‌ها و اماکن ناایمنی هستیم که جان و مال بسیاری از شهروندان در پی آنها به خطر می‌افتد

وقتی تولید مسکن افزایش یابد، عرضه و تقاضا در بازار مسکن متعادل می‌شود. برای برقراری این تعادل باید از ظرفیت ماده ۱۲ قانون جهش تولید مسکن استفاده کنیم

نظرگاه



هویت‌سازی با معماری شهری

سیدمحمدحسین حجازی
کارشناس اقتصاد شهری

معماری شهری یکی از تاثیرگذارترین عوامل به‌وجود آمدن یک خاطره جمعی است که نتیجه‌اش ایجاد هویت جمعی و در نهایت هویت ملی خواهد بود. فضاها و نمادهای شهری یکی از عناصر ساخت شهرها هستند که همواره با تحولات تاریخی و فرهنگی در ادوار مختلف به‌وجود می‌آیند و این قدرت را دارند که به شهرها هویت ببخشند و این موضوع را تکثیر کنند.

معماری شهری و فضاها و نمادهایی که در آن به‌وجود می‌آیند، تاثیرگذارترین عوامل در شکل‌گیری هویت شهری و هویت ملی هستند. هویت شهری به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، خصوصیات و معرف‌هایی گفته می‌شود که شهر را از دیگر شهرها متمایز می‌کند. این هویت شهری شامل ویژگی‌هایی مانند فرهنگ، تاریخ، معماری، فضاهای عمومی، نمادها و علائم شهری، زبان، ادبیات و سایر عناصری است که هر شهر را به‌شکل منحصر به فردی تبدیل می‌کند.

به‌عنوان مثال، معماری شهری و فضاهای عمومی مانند پارک‌ها، میدان‌ها، بازارها، مراکز تجاری و مساجد، از جمله عواملی هستند که به شکل‌گیری هویت شهری و هویت ملی کشورها و شهرها کمک می‌کنند. در بسیاری از شهرهایی که دارای معماری باستانی هستند، معماری این شهرها به‌عنوان یکی از عناصر اصلی هویت شهری و هویت ملی آنها مطرح است. برای مثال، معماری باستانی شهرهای اصفهان و شیراز در ایران، معماری قدیمی شهرهای رم و فلورانس در ایتالیا و معماری معروف شهرهای پاریس و لندن در اروپا، همگی در جایگاه عناصر اصلی هویت شهری و هویت ملی آنها شناخته می‌شوند.

بنابراین، بسیاری از شهرها و کشورها سعی می‌کنند با استفاده از معماری شهری و فضاهای عمومی منحصر به فرد خود، هویت شهری و هویت ملی قوی‌تری را به‌وجود آورند. این هویت شهری و ملی، نه‌تنها به شهرها و کشورها کمک می‌کند تا از دیگر شهرها و کشورها متمایز شوند، بلکه به شهروندان احساس ارتباط و انتساب به شهر و کشور خود را می‌دهد و این امر می‌تواند به افزایش هویت ملی و احساس ملیت در جامعه کمک کند.

از این منظر، بررسی معماری شهری چند دهه اخیر شهر تهران نشان می‌دهد، پایتخت ایران دوره‌های تاریخی گوناگونی را پشت‌سر گذاشته است. آثار معماری، هویت فرهنگی هر دوره‌ای را به‌خوبی به نمایش می‌گذارد و اهمیت معماری شهری را نشان می‌دهد. به‌طورکلی برخی المان‌ها و سازه‌های شهری هستند که باعث می‌شوند آن شهر از طریق آنها شناخته شود و هویت بگیرد.

برخلاف معماری که فقط روی ساختمان‌ها به‌صورت انفرادی تمرکز می‌کند، طراحی شهری با مجموعه ساختمان‌ها، زیرساخت‌ها، خیابان‌ها، مناطق عمومی، محله‌ها و تمام شهر سروکار دارد که هدف آن ساخت محیطی عادلانه، زیبا، کارآ و پایدار است. علاقه به طراحی شهری در سال‌های اخیر به‌میزان قابل‌توجهی افزایش یافته و طراحی خوب شهری برای بسیاری از جوامع به یک اولویت مهم تبدیل شده است.

طراحی شهری، بخشی از هنر ساماندهی فضای شهری است که با رشته‌های مختلف علمی و هنری مانند برنامه‌ریزی شهری، معماری و معماری منظر، مهندسی فنی، مهندسی ترافیک و حمل‌ونقل، جغرافیا، روانشناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد سروکار دارد و درعین‌حال، با سیاست و فرهنگ نیز مرتبط بوده و دامنه فعالیتش بسیار گسترده است. گستردگی فعالیت طراحی شهری، نشان می‌دهد که این فعالیت مانند یک طرح معماری نیست که با طرح مشخصی شروع شود یا پایان پذیرد.

فضای شهری در حقیقت ادراکی است که شهروندان باتوجه به برداشت‌های ذهنی و خاطرات مشترک خود از یک شهر در ذهن خویش دارند. سازه‌های قدیمی از شمس‌العماره گرفته تا سردر باغ ملی چنین هستند و بعد از آن برج آزادی که مهم‌ترین نماد تهران معاصر است و حادثه‌های تاریخی بسیاری را شاهد بوده، از همین‌رو بعد از انقلاب اسلامی به‌عنوان نماد پیروزی ملت ایران شناخته شد. امروزه نیز منطقه فرهنگی و گردشگری عباس‌آباد با در اختیار داشتن ۵۶۰ هکتار فضای ایده‌آل در قلب پایتخت، توانسته است گام‌های تاثیرگذاری را در این زمینه بردارد که شاید مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین آن پل طبیعت باشد.

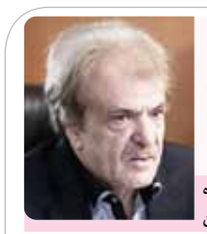
معماری خاص پل طبیعت مانند سنجاقی خود را به پایتخت نوین گره زد و هم‌اکنون در کنار برج میلاد؛ نماد نوین دیگری برای تهران تلقی می‌شود.

پلی که ۲ بوستان زیبای تهران یعنی بوستان آب‌وآتش و طالقانی را به یکدیگر متصل می‌کند و به‌عنوان نمونه‌ای بی‌نظیر در خاورمیانه از آن یاد می‌شود و بزرگ‌ترین پل عبورومرور غیرخودرویی کشور است و تاکنون توانسته بازدیدکنندگان و گردشگران بسیاری را به‌سمت خود جلب کند.

علاوه بر این، ۴ جایزه بین‌المللی را نیز از آن خود کرده و باعث افتخار و سربلندی است که طراح و سازنده این پل، یک جوان ایرانی بوده و موفق شده است چنین سازه‌ای را از خود به‌جای بگذارد. وجود چنین سازه‌هایی که در کنار ایجاد هویت شهری باعث جذب گردشگر نیز می‌شود؛ برای آنکه تهران برای گردشگران به‌عنوان محل گذر نباشد و تامل بیشتری بر آن داشته باشند، کمک بزرگی خواهد بود.

یادداشت

سردرگمی سرمایه در بازار ملک



حسن محتشم، عضو هیات‌مدیره انجمن انبوه‌سازان مسکن

شـرایط اقتصادی کشـور به‌گونه‌ای پیـش رفته که کل اقتصاد کشـور دچار التهاب شـده اسـت. دولت باید اقدام بـه حفظ ارزش پولی ملی کنـد، چراکه در حال حاضر این تنـش قیمتی در تمامی بخش‌ها اثرگذار و تنها بخشـی که کمتر دچار نوسان شده مسکن است که این اثرپذیری زمان می‌برد. افزایش نرخ و ناپایداری بازار مسکن باعث شده است تا بسـیاری از مردم از این بازار خارج شوند؛ زیرا هزینه‌های زندگی و سـهم پرداختی بابت تهیه خانه در حال افزایش و خانوارها را با ناتوانی روبه‌رو کرده است. واقعیت این است که دوره انتظار برای خرید مسکن قابل‌مقایسه با هیچ کشوری نیسـت و غیرپایدار بودن بازار مسکن، نگرانی‌های جدی را به‌وجود آورده است.

از سـویی، به‌نظر می‌رسـد تنها موضوعی کـه باید برای سـاماندهی بازار مسـکن حل‌وفصل شـود، به کنترل تورم برمی‌گردد. تا وقتی برای مهار تورم برنامه‌ای نداشته باشیم، آسـیب‌ها در بازار مسکن همچنان وجود خواهد داشت که این موضـوع به روابط بین‌المللی و خنثی‌سـازی تحریم‌ها برمی‌گردد. دلار در سـال گذشته، ۲۳ هزار ۵۰۰ تومان بود که در حال حاضر به بیش از ۴۰ هزار تومان رسیده که این افزایـش نرخ در تمامی بخش‌ها و کالاها از جمله خدمات و نیروی انسـانی، نهاده‌ها و زمین اثرگذار بوده اسـت. کاهش ارزش پـول ملی به‌طورقطع در تمامی بخش‌های مسـکن اثر گذاشـته و همین موضوع در آینده این بازار را با نوسـان روبـه‌رو خواهـد کرد. از سـوی دیگـر، در بخش تخصیص تسـهیلات ساخت مسـکن، بسـیاری از بانک‌ها تمایلی به پرداخت تسهیلات ندارند و این در حالی است که تنها بانک مسکن اقدام به پرداخت این تسهیلات می‌کند و دولت باید بـا برنامه‌ریزی‌هایی که انجام می‌دهد، بتواند زمینه را برای پرداخت این تسـهیلات فراهم کند، چراکه در صورت اجرا نشـدن این طرح، بازار مسکن با کمبود سرمایه‌گذار در این حوزه روبه‌رو خواهد شد.

در برخـی مناطـق، خریدوفـروش انجام نمی‌شـود،زیرا فروشـنده‌ای وجود ندارد و با قیمت‌های فضایی می‌خواهند ملک خود را به‌فروش برسـانند. بازارهای مختلف به مسکن وابسته هستند، اما متغیری که بیشترین تاثیر را بر این بازارها دارد، اقتصاد کلان اسـت. به‌طورمثال، اکنون سرمایه‌ها در بازار مسکن سردرگم هستند، اما این بازار همچنان جذابیتی برای جذب سرمایه ندارد.

بازار ساخت‌وساز به‌دلیل نوسانات قیمتی کمابیش متوقف شده است و سـازنده نمی‌تواند با نوسان قیمتی پیش‌آمده، ساخت‌وساز انجام دهد و یک پروژه را تمام کند. در زمانی که نمی‌داند قیمت‌ها به چه صورت است، نمی‌تواند منابع کافی تهیـه کند و نرخ نهایـی را تخمین بزند. زمانی که مهندس نتواند منابع را تخمین بزند، نمی‌تواند پیش‌فروش انجام دهد و به‌همین‌دلیل، پروژه به‌سرانجام نمی‌رسد.بنابراین تولید به تصمیم و رفتارهای دولت برمی‌گردد.

زمانی که دولت می‌گوید نهضت ملی مسـکن سـرانجام می‌رساند اما اقدامی انجام نمی‌گیرد، انتظاری هم نمی‌توان داشـت. اکنون در عمل شـاهد هسـتیم که وعده سـاخت یک‌میلیون واحد در سـال باوجود گذشـت حدود ۲ سال از وعده آن، هنوز محقق نشـده، متاسفانه هیچ تصویرسازی و زیرسـاخت صحیحی برای پروژه نهضت ملی مسکن صورت نگرفته است. به‌طورمثال می‌گویند ما زمین واگذار می‌کنیم، اما خود پروژه واگذاری زمین با سوالات زیادی مواجه است؛ بنابراین تا زمانی که یک‌سـری تصمیمات مشخص از سوی دولت و تصمیم‌گیران و نهادهای مرتبط اتخاذ نشـود و این تصمیمات و طرح‌ها کارشناسـی نشـود، نمی‌توان به ثبات قیمت‌ها امیدوار بود.

اکنون شـهرهای حاشـیه‌ای تهران هیچ‌گونـه امکاناتی ندارنـد، امـا تمام امکانات در تهران متمرکز شـده اسـت، بنابرایـن سیاسـت کلان دیگری که بایـد مورداصلاح قرار بگیرد، بحث تمرکززدایی است، چراکه نباید تمامی امکانات و منابع در شـهرهای بزرگ جمع شـود، بلکه این امکانات باید در شهرهای کوچک و روستاها نیز به‌طور یکسان توزیع شود.

از سـوی دیگر، مشـاهدات بـازار حاکی از آن اسـت که معامـلات این حوزه در برخی مقاطع زمانی، راکد، اما دارای رکـود تورمی نهفته نیز بوده اسـت. ایـن عامل به این معنا است که در موقعیت رکود، قیمت‌ها روی هم تلنبار شده‌اند و سپس در زمان رونق بازار، پرش و رشد قابل‌توجهی در این زمینه روی خواهد داد. بنابراین، افرادی که قصد خرید ملک و آپارتمان دارند تا در بازار مسکن سرمایه‌گذاری کنند، باید به این عامل مهم توجه داشته باشند.

در نهایت، بازار مسـکن با وعده و وعید کنترل نمی‌شـود، بلکه باید در سیاسـت‌گذاری‌های خـرد و کلان تجدیدنظر کرد تا در آن صورت بتوان انتظار داشت که قیمت‌ها متعادل شـود، این در حالی است که دولت در این زمینه باید دست به سیاسـت‌گذاری‌های اصلاحی بزنـد، در غیر این صورت، بازار مسـکن سامان نخواهد یافت و همچنان شاهد افزایش قیمت‌ها خواهیم بود. در حوزه سیاسـت‌های کلان، نیازمند توجه جدی به بحث آمایش سـرزمین هسـتیم و تا زمانی که بحث مهاجرت به‌طورواقعی حل نشـود، بحران مسـکن همچنان پابرجا خواهد بود.

ضعف قدرت خرید، در «خانه» مردم را از پاشنه درآورد

گرانی، پای ثابت بازار مسکن

محمد انوشه‌ئی
editor@smtnews.ir

در دهه گذشـته، افزایش نرخ مسکن به عواملی از جمله کاهـش نرخ بهـره‌وری در ساخت‌وسـاز، افزایـش تقاضا و محدودیت عرضه، مرتبط اسـت که بخش بزرگی از درآمد خانوارها را برای تامین مسـکن می‌بلعد. این مسئله باعث کاهـش قدرت خرید و اجاره مسـکن، افزایش زمان انتظار برای خانه‌دار شـدن و کوچک شـدن واحدها شـده است. با بررسـی روند تغییرات قدرت خریـد و زمان انتظار برای خانه‌دار شـدن در سال‌های گذشـته، می‌توان دریافت که افزایش تورم مسـکن، کاهش درآمـد و افزایش هزینه‌های خانوار باعث خروج متقاضیان مصرفی از بازار مسکن شده و در عوض بر تعداد مسـتاجران افزوده اسـت. این مسئله، افزایش تقاضا برای مسـکن اجاره‌ای را رقم زده و قیمت‌ها در بـازار اجاره را به فلک کشـانده اسـت. باتوجه به روند افزایش نرخ مسـکن، بسیاری از کشورها تلاش می‌کنند با ایجاد سیاست‌های موثر در بازار ملک، این مسئله را کنترل کنند و قدرت خرید و اجاره مسکن را برای خانوارها بهبود بخشـند، اما در ایران هنـوز این موضوع جـای کار دارد و دولت نتوانسـته قدرت خرید مردم را در بخش مسکن بالا ببرد، اتفاقی که زمـان انتظار برای خرید ملک را به قرن‌ها رسانده؛ در این راستا صمت در گزارشی، قدرت خرید مردم در بازار مسکن را از نگاه کارشناسان بررسی کرده است.



عکس: صمت

ناکامی در تامین مسکن اقشار هدف

باتوجـه به اینکه مسـکن یکی از نیازهای اساسـی هر خانواده اسـت، افزایش نرخ خانه می‌تواند تاثیرات منفی بسیاری روی جامعه داشته باشد. با افزایش نرخ مسکن، خانوارها مجبور به ترک محل زندگی خود و اسکان در مناطق حاشـیه‌ای شهرها می‌شوند، اتفاقی که تازگی ندارد و چند دهه است که آغاز شده است. متاسفانه این مسئله می‌تواند باعث ایجاد افق‌های اجتماعی و اقتصادی منفی شود.

بازار مسـکن یکی از اصلی‌ترین قطب‌های اقتصادی هر کشور است که تاثیر مسـتقیم روی کیفیت زندگی شهروندان می‌گذارد. برای اینکه بازار مسکن سالم و پایدار باشد، نیاز است که دولت سیاست‌گذاری مناسبی را در این زمینه اعمال کند.

در نهایت، سیاسـت‌ها در زمینه بازار مسـکن باید به‌گونه‌ای باشـد که بهبود شـرایط زندگی شـهروندان، کاهش فقر مسـکن و ایجاد اشتغال را به‌همراه داشته باشد.

در همیـن راسـتا، نظارت بر عملکرد بازار مسـکن و تنظیـم قوانین و مقررات مناسب، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

۳ دهه سیاسـت‌گذاری در بخش مسـکن عمدتا نتیجـه‌ای جز ناکامی در تامین مسـکن اقشـار هدف برای دولت‌ها نداشته اسـت؛ اوضاع بازار مسـکن نشـان می‌دهد، سیاسـت‌گذار در مواجهه با مشـکل مدام دچار خطای تشـخیص می‌شود؛ سیاست‌گذاران فکر می‌کنند، مشکل این بازار، کمبود اسـت، اما در واقعیت این‌طور نیست؛ مشکل به نگاه سرمایه‌ای به زمین و مسـکن و در پی آن، رشـد نرخ و از دسـترس خارج شـدن بازار مسـکن برای تقاضای مصرفی برمی‌گردد که باعث شده بخشی از تقاضای بالقوه در دوره‌های مختلف نتواند به‌عنوان تقاضای موثر وارد بازار شـود و سیاست‌گذاری‌ها بی‌نتیجه بمانند.

دولـت می‌تواند با تنظیم و نظـارت بر نرخ اجاره و نـرخ خریدوفروش مسکن، به‌منظور کنترل قیمت‌های بازار مسکن اقدام کند. این سیاست‌ها می‌تواند کمک کند تا بازار مسکن پایدار و بهینه باشد. در کل، افزایش نرخ مسـکن می‌تواند تاثیرات مهمی روی جامعه داشته باشد و دولت‌ها باید با تدوین سیاسـت‌های مناسب، این مسئله را کنترل کنند و قدرت خرید و اجاره مسکن را برای خانوارها بهبود بخشند.

تکرار سناریوی بدمسکنی در ایران



حسـین ایمانی‌جاجرمی، جامعه‌شـناس شـهری و رئیس سـابق موسسـه مطالعات و تحقیقات اجتماعی درباره کاهش قدرت خرید مـردم بـرای خرید مسـکن به صمت گفـت: کاهش قـدرت خرید مردم بـرای خرید ملک، موضوع دیروز و امروز نیسـت که به‌تازگی مطرح شـده باشد.بنابراین در دهه‌های اخیر شاهد بودیم که موضوع بدمسکنی و چالش‌های خرید مسکن بارها توسط رسانه‌های مختلف مطرح شده است و سبقه طولانی‌مدتی دارد.

وی افزود: متاسـفانه کمبود مسـکن و ضعف در برنامه‌های دولت برای سـاماندهی بازار ملک سال‌ها است که در حال تکرار است. این موضوع نشـان می‌دهد که این چالـش بیش از نیم‌قرن وجود دارد و هنوز برای آن چاره‌جویی نشـده است. البته همین موضوع نیز جای سوال دارد که چرا مشکل مسکن در کشور ما هنوز حل نشده و روز به روز در حال وخیم‌تر شدن است.

جامعه‌شـناس شهری خاطرنشـان کرد: باید توجه شود که بیشتر از آنکه مشـکل ما کمبود مسکن باشد، دسترسی به مسکن مناسب اسـت. دهک‌های درآمدی پایین نمی‌توانند از بازار مسکن استفاده و بـرای خود خانه‌ای خریداری کنند. هر فرد با مراجعه به هر بنگاه در سـطح شهر می‌تواند تعداد زیادی فایل فروش و اجاره مشاهده کند، حتی در شـهرهای جدید نیز تعداد زیـادی واحد خالی وجود دارد، در نتیجه درمی‌یابیم که متاسـفانه در کشـور ما برای مسـکن افراد کم‌درآمد فکری نشده است.

اکنون که وضع اقتصادی چنگی به دل نمی‌زند، بسیاری از افرادی که در سـال‌های اخیر جزو طبقه متوسط جامعه قرار می‌گرفتند، به طبقه فقیر سـقوط کردند و قدرت خرید مسـکن این افراد به‌شدت کاهشـی یا به‌کل نابود شـد، از طرفی، با افزایش تعـداد متقاضیان مسـکن ارزان‌نرخ، تعـادل در عرضـه و تقاضای بازار ملـک از بین رفت،بنابرایـن دولت باید برای چنیـن موضوعاتی فکری کند وگرنه مانور بر موضوعات حاشیه‌ای، دردی را از مردم دوا نمی‌کند.

از نمد دولت، کلاهی نصیب کم‌درآمدها نمی‌شود!

این اسـتاد دانشگاه در پاسخ به این سوال که چرا واحدهای دولتی کـه بـرای اقشـار هدف سـاخته می‌شود، به‌دسـت افراد نمی‌رسد، بـه صمت گفت: در پاسـخ به این سـوال باید بگویم که متاسفانه در بازار مسکن هدف‌گذاری مشخصی انجام نگرفته و ملاحظات محلی در این بازار مهم و حیاتی لحاظ نشـده اسـت. بدین‌صـورت که قضیه مسـکن در کلانشـهری مثل تهران بـا یک روسـتای کوچک فرق بسیاری دارد. اکثر افراد در تهران، مسکن انفرادی می‌خواهند، اما در شهر و روستاهای دیگر، بیشتر مسکن خانوادگی نیاز است. آن چیزی که دولت سیاست‌گذاری می‌کند، پروژه‌های مسکن‌سازی انبوه است و متقاضیان و بهره‌برداران این پروژه‌ها باز هم طبقه متوسط هستند و سـود این اقدامات هم، نصیب سازندگان و دولت می‌شود و افرادی که متقاضی واقعی این واحدها هستند، خانه‌ای به‌دست نمی‌آورند و از نمد مسکن دولتی، کلاهی نصیب کم‌درآمدها نمی‌شود!

متاسفانه کمبود مسکن و ضعف در برنامه‌های دولت برای ساماندهی بازار ملک سال‌هاست که در حال تکرار است

«خرید خانه» دست‌نیافتنی‌تر از همیشه



کیاکسـار محمـدی، کارشـناس بازار مسـکن بـه صمت گفت: در سـال‌های اخیر، با افزایش نرخ مسـکن در ایران، قدرت خرید مردم برای خرید خانه به‌شدت کاهش یافته و این مسئله، باعث شده است بسیاری از افراد نتوانند موفق به خرید یا اجاره مسکن مناسب شوند و به‌دنبال آن، به‌اجبار در محل‌هایی با شرایط نامساعد زندگی کنند.

در چند دهه اخیر، یکی از عوامل مهم در کاهش قدرت خرید مردم برای تهیه مسکن، افزایش نرخ ملک بود و این افزایش قیمت، به دلیل عواملی مانند رشـد شـهری، کاهش نرخ بهره‌وری در ساخت‌وسـاز، افزایش تقاضا و محدودیت عرضه، به‌وجود آمد.

وی در ادامـه توضیـح داد: عامل دیگری که در کاهش قدرت خرید مردم برای خرید مسکن تاثیرگذار بوده، کاهش درآمد خانوارها است. باتوجه به افزایش هزینه‌های مختلف، به‌ویژه هزینه‌های مسکن، درآمد خانوارها در سـال‌های اخیر کاهش یافته اسـت. همچنین با نظر به افزایش تورم در ایران، ارزش پول ملی نیز دچار کاهش شـده اسـت. این موضوع نیز به ارزش خرید مردم شیب نزولی داده و قدرت خرید را برای خرید مسکن به‌سمت سرازیری سوق داده است.

در این شرایط، دولت می‌تواند با اجرای سیاست‌های مناسب، قدرت خرید مردم را بهبود بخشد و برای مردم امکان خرید یا اجاره مسکن را فراهم کند. این سیاسـت‌ها شـامل ارائه تسـهیلات مالی و مالیاتی، تنظیم نرخ مسـکن، توجه و برنامه‌ریزی برای شهرسـازی و همچنین ایجاد ارزش‌افزوده در بخش مسکن است.

محمدی توضیح داد: البته در کنار موضوعات یادشده، نباید از توسعه بازار اجاره نیز غافل شـد. با ایجاد بازار اجاره مسـکن قوی، افرادی که نمی‌توانند خانه بخرند، می‌توانند با اجاره مسکن، به شرایط مناسب‌تری دست یابند. همچنین، توسعه اجاره‌داری حرفه‌ای نیز یکی از راه‌هایی اسـت که می‌توان برای بهبود قدرت خرید مردم برای خرید مسـکن انجام داد. با توسـعه زیرسـاخت‌ها، برای رشد تولید مسکن، نرخ ملک برای خریداران به‌صورت مناسـب‌تری قابل‌دسترسـی است و این امر می‌تواند بهبود قدرت خرید آنها را به‌دنبال داشته باشد.

تلاش‌های بیهوده برای نجات بازار ملک

این کارشـناس گفت: دولت‌ها تلاش‌های به نسـبت متعددی برای ساماندهی بازار مسکن انجام داده‌اند که اگر برنامه‌ریزی درستی صورت می‌گرفت، این اقدامات می‌توانست باعـث نتایج مثبتی شـود،بنابراین اکنون که شرایط از هر زمان دیگری بحرانی‌تر شده است، باید دولت برای انجام اقدامات بیشـتری در راستای بهبود قدرت خرید مردم برای خرید مسکن تلاش و برای آن برنامه‌ریزی کند. از آن‌رو که بازار مسکن در ایران به‌شدت به بازار سیاسی و اقتصادی وابسته است، بهبود وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور نیز می‌تواند تاثیر مستقیمی در بهبود بازار مسکن داشته باشد.

وی در پایان اذعان کرد: برای بهبود قدرت خرید مردم برای خرید مسـکن، باید به رشـد اقتصادی کشـور توجه شود. با رشد اقتصادی، درآمـد خانوارهـا نیـز افزایش می‌یابد. باتوجـه به عوامل مختلفی که در کاهش قدرت خرید مردم برای خرید مسـکن در ایران تاثیرگذار بوده‌اند، دولت‌ها باید با اجرای سیاست‌های مناسب، برای بهبود قدرت خرید مردم برای خرید یا اجاره مسکن، تدابیر متفاوت‌تری بیندیشند.

دولت می‌تواند با اجرای سیاست‌های مناسب، قدرت خرید مردم را بهبود بخشد و برای مردم امکان خرید یا اجاره مسکن را فراهم کند

سخن پایانی

مشـکل مسـکن را در یک دوره کوتاه‌مدت نمی‌توان برطرف کرد و به مدت‌زمان بیشـتری نیاز دارد. بخش مسـکن در سایه سیاست‌های ضدتولید و همچنین افزایش نرخ تورم، یکی از گزینه‌های جذاب برای سـرمایه‌گذاری به‌ویژه در سـال‌های اخیر بوده و این مسئله، مسکن را از کالای مصرفـی به کالای سـرمایه‌ای تبدیل کـرده. رونق دلالی در این بازار کار را به‌جایی رسـاند که متوسـط نرخ مسـکن روزبه‌روز در حال افزایش است. نابسامانی انتقادات زیادی را در پی دارد و به‌تعادل رسـیدن عرضه و تقاضا در یک بازه زمانی مشخص موجب خواهد شد تا دیگر شاهد افزایش نرخ در این بازار نباشیم.

برخی معتقدند حل مشکلات مسکن به برطرف کردن مسائل درونی آن بازمی‌گردد، اما سروسامان دادن به این بخش کلیدی و مولد اقتصاد، وابسـته به شـرایط کلی اقتصاد اسـت و باید موانع بیرونی آن نیز حل شـود. تا زمانی که تورم، انتظارات تورمی در جامعه و افزایش نرخ دلار ادامه داشته باشد، بازار مسکن همچنان در حالت رکودی به‌سر می‌برد و روزبـه‌روز بـر نرخ آن افزوده می‌شـود و قدرت خریـد مردم کاهش می‌یابد.در ماه‌های اخیر، تورم بخش مسـکن از تمامی تورم‌های دیگر در بازارهای مختلف پیشی گرفته است. در حالی که کارشناسان حوزه مسکن پیش‌تر درباره عواقب برهم‌خوردن تعادل و تناسب در این بازار هشدار داده بودند. کارشناسان معتقدند تا زمانی که عرضه و تقاضا در بازار مسکن متعادل نباشد، نمی‌توان انتظار داشت که با سیاست‌گذاری پی‌درپی، وضعیت بازار به‌سوی تعادل حرکت کند.

نوبت اول
م الف ۴۲۳

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیتی ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۴۰۰۱۰۰۲۴۱۲ مورخ ۱۴۰۲/۴/۲۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندر گناوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مهرداد اعتمادی‌نژاد فرزند حمید به شماره شناسنامه ۳۵۳۰۱۲۱۲۲۳ کدملی ۳۵۳۰۱۲۱۲۲۳ صادره از گناوه را نسبت به ششدانگ عرصه و اعیان یک باب خانه به مساحت ۲۵۱/۷۶ مترمربع در قسمتی از پلاک ۹۱۷ اصلی واقع در امامزاده گناوه خریداری مع‌الواسطه از آقای سیداحمد حسینی و شرکاء محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجعه ذیصلاح قضایی نمی‌باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹
محمد چهابدار، رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گناوه

تحلیل صمت از یک مطالعه موردی درباره رابطه نظام بانکی و تولید اقتصادی

توسعه بانکداری خصوصی به تضعیف تولید انجامید



عکس: صمت

امیرعباس آذرم‌وند: برخی نظریه‌های اقتصادی که بر رابطه مثبت میان توسعه مالی و بخش حقیقی اقتصاد تاکید دارند، خصوصی‌سازی نهادهای مالی و باز کردن راه بر بخش خصوصی در نظام پولی را به‌عنوان روشی برای توسعه مالی مطرح می‌کنند. عملکرد نامناسب بانک‌های خصوصی در برخی کشورها نشان داده این سیاست لزوما به نتایج دلخواه منجر نمی‌شود. فقدان چارچوب نهادی موجب شده است که عملکرد بانک‌های خصوصی در برخی کشورها و از جمله ایران قابل‌دفاع نباشد. نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد که هرچه دامنه فعالیت بانک‌های خصوصی گسترش یافته، تولید به‌طورمنفی متاثر شده است.

صمت در تحلیل پیش‌رو به بررسی عملکرد بانک‌های خصوصی پرداخته است. این تحلیل برپایه گزارش منتشرشده توسط جمعی از اقتصاددانان در سال ۱۴۰۰ تدوین و انتشار یافته است.

توسعه فعالیت بانک‌های خصوصی متناسب با توسعه تولید نیست

به‌گزارش صمت و به‌نقل از گزارشی که از سوی فرشاد مومنی، عباس شاکری، جواد طاهرپور و بهنام عزتی اختیار تهیه شده، عملکرد بانک‌های خصوصی نشان می‌دهد که توسعه فعالیت‌های این بخش به‌هیچ‌وجه به توسعه تولید منجر نشده است. براساس نتایج این گزارش، نبود چارچوب‌های مناسب اقتصادی و نهادی سبب شده تا عملکرد بسیاری از بانک‌های خصوصی نه‌تنها به تخصیص بهینه و هدایت منابع به‌سمت فعالیت‌های تولیدی منجر نشود، بلکه منجر به انحراف منابع و سوق نقدینگی به‌سمت فعالیت‌های غیرتولیدی و گسترش فعالیت‌های سوداگرانه در اقتصاد کشور شده و تاثیر بسزایی در ایجاد بی‌ثباتی در بازارهای مالی و کالایی داشته است. این گزارش توصیه کرده، برای برقرار تناسب در شاخص‌های یادشده باید به اصلاح ساختار نهادهای اقتصادی کشور پرداخت. این ساختار باید به‌گونه‌ای باشد که بخش‌های کشور مالی، حامی و تابع مقتضیات رشد و پویایی بخش حقیقی اقتصاد باشند؛ درغیراین‌صورت نتایج، بسیار متفاوت‌تر از چیزی خواهند بود که انتظار می‌رود با توسعه بانک‌های خصوصی حاصل شود.

دلایل ناکامی بانک‌های خصوصی

بحران مالی ۲۰۰۸ میلادی، عیوب ذاتی نظام بانکداری خصوصی را یکبار دیگر نمایان کرد که همین به ملی کردن برخی بانک‌ها در اروپای‌غربی و امریکا انجامید. یکی از دلایل بحران ۲۰۰۸، سوءاستفاده مدیران بانکی از قدرت خود و توسعه بی‌رویه اعتبارات بوده که در نتیجه، باعث ریسک اعتباری و بحران بدهی‌های بانک‌ها شده است. پرداخت وام‌ها با ریسک‌های اعتباری فراوان به‌دلیل طمع‌کاری مدیران بانک‌ها انجام شد تا پاداش‌های کلانی دریافت کنند.

▣ بی‌ثباتی ذاتی بانک‌ها

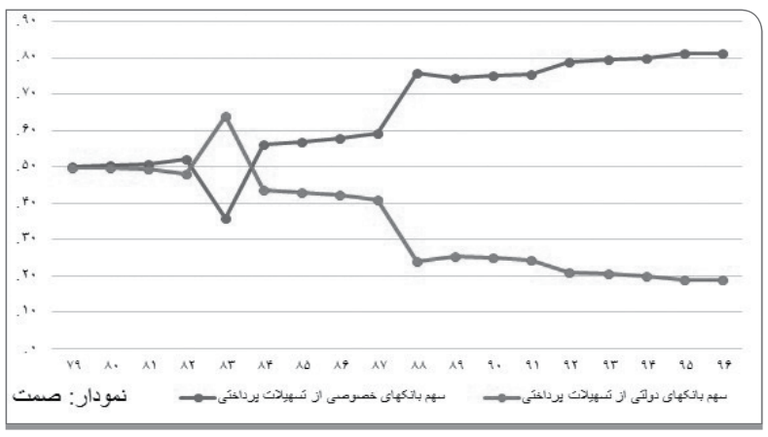
بی‌ثباتی ذاتی بانک‌ها عامل دیگری برای تاکید بر بانکداری دولتی است. از دلایل مهم بی‌ثباتی بانک‌ها این است که بانک‌ها به‌دلیل نقشی که به‌عنوان واسطه و رابط ایفا می‌کنند، بالقوه نهادهای بی‌ثباتی هستند. یکی از مشکلات مربوط به بی‌ثباتی بانک‌ها، جریان‌های مسری است که هسته مرکزی مفهوم ریسک فراگیر است.

▣ ضعف در مدیریت دارایی‌ها

توسعه مالی یکی از نیازهای توسعه بخش واقعی اقتصاد است، اما مسئله مهم این است که توسعه مالی باید با کیفیت نسبتا مطلوبی رخ دهد. گسترش نامناسب بازارهای مالی می‌تواند آثار مثبت توسعه مالی را خنثی کند. نتایج تخمین‌ها نشان می‌دهد که هرچه سهم بانک‌های خصوصی در اقتصاد ایران بیشتر شده، اثر منفی روی تولید اقتصادی داشته است. علت این موضوع را باید در مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌های خصوصی و نظارت بانک مرکزی بر عملکرد آنها، جست‌وجو کرد.

سهم بانک‌های خصوصی از شبکه بانکی

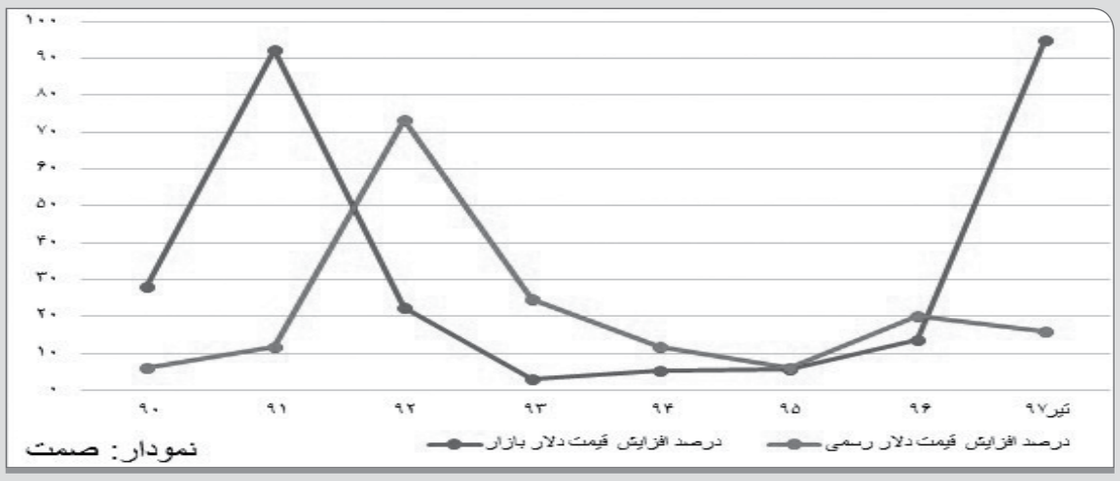
پیش از تجزیه و تحلیل چرایی منفی شدن ضریب شاخص بانکداری خصوصی (نسبت تسهیلات بانک‌های خصوصی به دولتی) باید سهم این بانک‌ها را در شبکه بانکی موردبررسی قرار داد. چنانچه این سهم قابل‌توجه نباشد، شاید نتوان بر صحت نتایج تاکید کرد. سهم بانک‌های خصوصی از ابتدای دهه ۸۰ تا پایان دهه ۹۰ از ۵۰ درصد به ۸۰ درصد رسیده است. بنابراین، می‌توان گفت چگونگی عملکرد بانک‌های خصوصی نقش مهمی در عملکرد اقتصاد ایران دارد. نکته قابل‌ذکر این است که بانک‌هایی که هنوز بخش قابل‌توجهی از سهام آنها در اختیار دولت است نیز، به‌عنوان بانک خصوصی (غیردولتی) ثبت می‌شوند که به‌نوعی قابل‌دفاع است، زیرا رفتار این بانک‌ها در توزیع تسهیلات و سایر عملیات بانکی پس از عرضه سهام آنها شباهت زیادی با رفتار بانک‌های خصوصی یافته است و از این زاویه عملکرد آنها تفاوت چندانی با بانک‌های خصوصی ندارد. بنابراین، ملاحظه می‌شود که سهم بانک‌های خصوصی در اقتصاد ایران قابل‌توجه بوده و رفتار آنها نیز بر عملکرد اقتصاد موثر است.



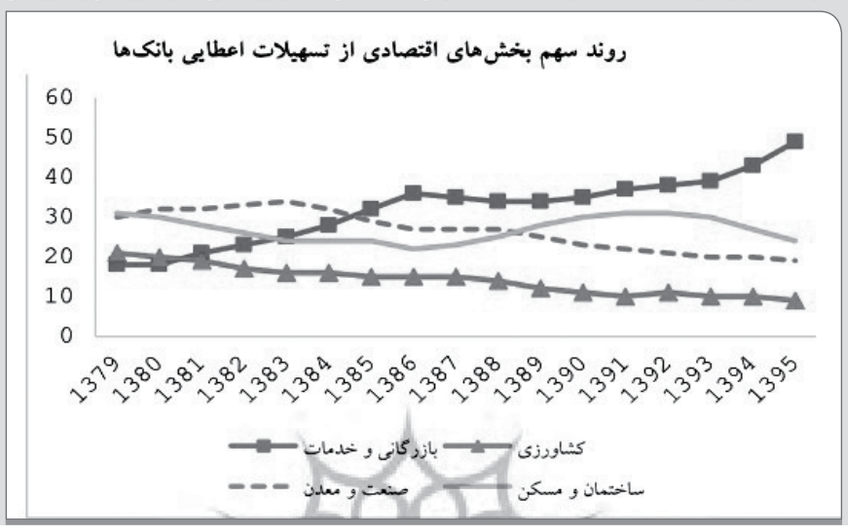
بحران اقتصادی دهه ۹۰، ترکیب دارایی بانک‌ها را به‌هم ریخت

بررسی ترکیب دارایی‌های بانک‌های غیردولتی گویای چند نکته است؛ نخستین نکته در ارتباط با ورود بانک‌ها به بازار املاک و مستغلات است، زیرا دارایی‌های مربوط به املاک و مستغلات جز سایر دارایی‌های بانک‌های نشان داده می‌شود. با افزایش نرخ املاک و مستغلات در سال‌های ۹۱ و ۹۲ جز سایر دارایی بانک‌ها افزایش چشمگیری را تجربه کرد. همزمان با رکود بازار مسکن در سال‌های ۹۳ تا ۹۵، به‌دلیل فریز شدن این دارایی‌ها توسط بانک‌ها، مقدار خالص سایر دارایی‌ها به اوج رسید. این گزارش تاکید دارد؛ بلوکه شدن بخش قابل‌توجهی از منابع بانک‌ها در املاک و مستغلات از ۲ جهت حائزاهمیت است؛ از یک‌سو بخش قابل‌توجهی از منابع بانک‌ها که قرار بود در خدمت تولید و رشد اقتصادی باشد، در بخش املاک بلوکه شده است. از سوی دیگر، با ورود بانک‌ها به بازار املاک و مستغلات و روانه شدن سرمایه‌ها به این بازار، این بازار هم بزرگ‌تر می‌شود. از آنجایی که بازار ملک در ایران بازدهی بالایی دارد و بیشتر برپایه فعالیت‌های سوداگرانه بنا شده است، این موضوع به‌شکل دائمی موجب قدرت بازارهای دلالی و واسطه‌گری در مقابل بخش تولید می‌شود. بنابراین این نحوه عملکرد بانک‌ها نتیجه‌ای جز تضعیف تولید در پی ندارد. باید توجه داشت که بخشی از افزایش دارایی‌های ثبات بانک‌ها در ارتباط تملیک وثایق وصول‌شده بابت ضمانت تسهیلات ارائه شده است. این عمل را نمی‌توان ورود بانک‌ها به بازار ملک تفسیر کرد، اما می‌توان آن را انجماد دارایی‌ها محسوب کرد که نتیجه آن تامین مالی کمتر تولید است.

دومین نکته درباره ترازنامه بانک‌ها افزایش سهم دارایی‌های خارجی در سال‌های نوسان ارزی است. پس از سال‌های ۹۱ و ۹۲ که جهش‌های ارزی شتاب گرفتند، سهم این جزء دارایی‌ها به‌مرور کاهش می‌یابد، اما خروج امریکا از برجام و شروع جهش‌ها از میانه سال ۹۶ و اوج گرفتن این جهش‌ها در سال ۹۷، دوباره سهم دارایی‌های روند افزایشی خود را در پیش گرفت.



برای بررسی دقیق‌تر ذخایر ارزی بانک‌های خصوصی، رشد خالص دارایی‌های خارجی شبکه بانکی و نرخ دلار امریکا هم نقش مهمی دارند. بررسی‌ها حاکی از آن است که خالص دارایی‌های خارجی بانک‌های غیردولتی، همیشه چند برابر رشد نرخ دلار در بازار آزاد و در مقایسه با رشد نرخ دلار رسمی نیز غیر سال‌های ۹۰ و ۹۳ همواره بیشتر بوده است. برای بانک‌های تجاری نیز غیر از سال‌های ۹۱ و ۹۵ همواره رشد خالص دارایی‌های خارجی چندبرابر رشد نرخ دلار بازار رسمی و غیررسمی بوده است. بنابراین بانک‌های تجاری در تشدید افزایش تقاضا در بازار ارز نقش مهمی داشته‌اند.

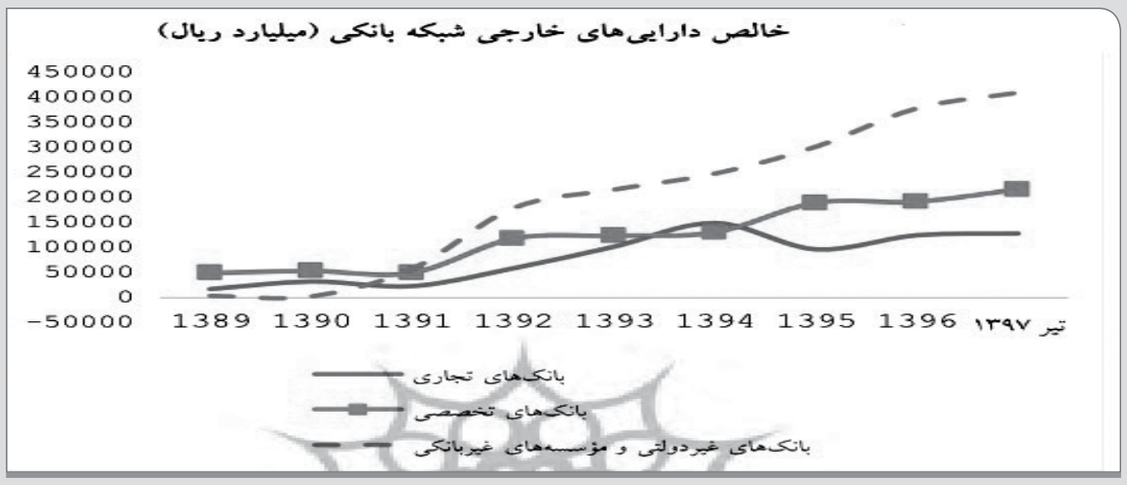


ورود به بازار چون ورود به بازار املاک و مستغلات از ۲ زاویه مهم است؛ نخست اینکه بخشی از منابعی که باید صرف تامین مالی شود، در این حوزه به کار گرفته شده.

دوم اینکه ورود بانک‌ها به این بازارها و روانه شدن سرمایه قابل‌توجه به گسترش سهم دلالی در بازار ارز منجر شده است و این نیز سرمایه‌های سرگردان را روانه بازار ارز می‌کند. پرواضح است که این نکات در نهایت نتیجه‌ای جز تضعیف تولید در مقابل تقویت واسطه‌گری ندارد.

بانک‌های خصوصی تجار را به صنعتگران ترجیح می‌دهند

آمارهای مربوط به نحوه توزیع تسهیلات بین بخش‌های اقتصادی بیانگر عملکرد نامناسب بانک‌های خصوصی در این بخش است. سهم بخش‌های صنعت و معدن و کشاورزی در دهه ۸۰ و همزمان با پیدایش و گسترش بانک‌های خصوصی در اقتصاد کاهش یافته و سهم بازرگانی، خدمات و مسکن رو به افزایش رفته است. آمارها حاکی از آن است که سهم بخش بازرگانی و خدمات از تسهیلات اعطایی بانکی از ۱۸ درصد در سال ۷۹ به ۴۹ درصد در سال ۹۵ رسیده و سهم بخش صنعت و معدن از مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها از ۳۰ درصد در سال ۷۹ به ۱۹ درصد در سال ۹۵ کاهش یافته است.



باتوجه به اینکه در شرایط فعلی بیش از ۸۰ درصد از تسهیلات توسط بانک‌های خصوصی توزیع می‌شود، آمارهای ارائه‌شده گویای آن است که بانک‌های کشور به‌ویژه بانک‌های خصوصی، بخش صنعت، معدن و کشاورزی را که محصولات کالایی اقتصاد را تامین می‌کنند، به اندازه بخش‌های دیگر موردحمایت قرار نداده‌اند. البته رشد سهم مانده تسهیلات اعطایی به بخش مسکن نیز گویای همراهی بانک‌ها با فعالیت‌های سوداگرانه و پرش‌های بی‌سابقه قیمتی در این بخش است، به‌طوری‌که سهم تسهیلات بخش مسکن همزمان با افزایش قیمت‌ها در سال‌های ۹۰ و ۹۱ اوج می‌گیرد و ورود مسکن به رکود در سال‌های بعد از ۹۲، روند کاهش را در پیش می‌گیرد. اینها شرح مختصری از نحوه عملکرد بانک‌های خصوصی بود که نشان می‌دهد چرا افزایش سهم این بانک‌ها در اقتصاد ایران باعث کاهش تولید ناخالص داخلی شده است. مادامی‌که بستر نهادی فعالیت بانک‌های خصوصی وجود نداشته باشد، عملکرد این بخش، بار منفی برای اقتصاد به‌دنبال خواهد داشت. در این میان، بانک مرکزی می‌تواند به‌عنوان تنظیم‌گر بازار پولی با تدوین قوانین مناسب و اقدامات نظارتی، مواردی از فعالیت بانک‌های خصوصی را که آسیب به اقتصاد می‌زند، کنترل کند.

ضرورت توقف فعالیت بخش خصوصی در نظام پولی

نتایج بررسی فرشاد مومنی، عباس شاکری و همکاران در گزارشی با عنوان «تاثیر بانکداری خصوصی بر تولید اقتصادی» نشان داد که توسعه مالی، نقش تعیین‌کننده و مثبتی در افزایش تولید و رشد اقتصادی دارد، اما هرچه دامنه فعالیت بانک‌های خصوصی در حوزه تسهیلات و سپرده‌ها گسترش یافته، اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته است که از مهم‌ترین دلایل آن می‌توان به فضای نهادی که بانک‌ها در آن فعالیت می‌کنند، اشاره کرد. فضای نهادی اقتصاد به‌گونه‌ای است که بیشتر بانک‌های خصوصی منابع خود را یا به بازارهای سفته‌بازی روانه می‌کنند یا به بنگاه‌های زیرمجموعه خود تسهیلات می‌دهند یا در اولویت‌بندی تسهیلات، بخش بازرگانی و خدمات را در ردیف نخست قرار می‌دهند که اینها همه بخش تولیدی را دچار مضیقه می‌کند. علاوه بر این، نحوه عمل بانک‌های خصوصی موجب فربه‌تر شدن روزبه‌روز بخش‌های واسطه‌گری می‌شود که این نیز آثار منفی برای تولید به‌دنبال خواهد داشت. بانک‌های غیردولتی در محیط نهادی خاصی شروع به فعالیت کردند که نتیجه آن چیزی جز تضعیف تولید نبوده است. برون‌داد حکمرانی ضعیف، بانک مرکزی تضعیف‌شده، تسلط گروه‌های قدرت بر نظام بانکی، فضای کسب‌وکار نامناسب و نظام مالیاتی ناکارآمد، فضایی جز ورود بانک‌ها به بازار مسکن و ارز، انجماد منابع بانک‌ها در بخش املاک، توزیع مستغلات به‌نفع فعالیت‌های نامولد، فساد گسترده، بنگاهداری بانک‌ها و سود تهسیلات بالا نداشته که نتیجه آن نیز تضعیف تولید بوده که در واقع مشابه نتایج به‌دست‌آمده در مطالعات دیگر است.

نتیجه این مطالعه، قبل از هر چیز این نکته را گوشزد می‌کند که در فضای اقتصادی فعلی ایران، بانکداری خصوصی نتوانسته به کمک تولید بیاید. پس اگر بتوان شرایط را به‌نفع تولید تغییر داد و نظارت دقیق‌تری بر عملکرد بانک‌ها اعمال کرد، می‌توانیم تصور کنیم که فعالیت این بانک‌ها کمک‌کننده تولید باشد. با این حال، تا زمان تغییر شرایط فعالیت بانک‌های خصوصی، باید اعطای مجوز تاسیس بانک‌ها و موسسات خصوصی محدود شود و نظارت قوی و همراه با ضمانت اجرایی بانک مرکزی بر فعالیت بانک‌ها و موسسات بانکی خصوصی به‌ویژه جلوگیری از بنگاهداری بانک‌ها و ورود کنترل‌نشده به بازار دارایی‌ها را در دستور کار قرار داد.

سخن پایانی

براساس اطلاعات منتشرشده در این گزارش، طرفداران نظام بانکداری خصوصی، مالکیت دولتی بانک‌ها می‌تواند براساس اهداف غیراقتصادی، مانند جبران کاستی و ناکامی بازار در نیل به اهداف هنجاری جامعه توجیه شود، اما از دیدگاه طرفداران دولتی بودن بانک‌ها، چنانچه عملکرد بانک‌ها به‌شکل صحیح و مطابق با وظایف محوله باشد، عملکرد آنها بهتر از بانک‌های خصوصی خواهد بود. برای مثال، می‌توان با بکارگیری عوامل موثر بر ایجاد و تقویت تعهد سازمانی، مانند امنیت شغلی، به افزایش تعهد سازمانی کارکنان بانک‌های دولت نائل شد. گروهی دیگر از طرفداران بانکداری دولتی معتقدند که چون بانک‌های خصوصی برای جذب سپرده‌های مردم سود بیشتری می‌دهند، مجبور هستند، سرمایه‌های خود را در فعالیت‌های زودبازده متمرکز کنند که منجر به رواج فعالیت‌هایی چون بساز و بفروشی و دلالی خواهد شد که زیان آن نیز به اقتصاد می‌رسد. همچنین، تقویت بانک‌های خصوصی هنگامی که فضای رقابتی شکل نگرفته است و ترتیبات نهادی آن فراهم نیست، نه‌تنها به رشد اقتصادی منجر نمی‌شود که باعث بروز بحران در جامعه نیز می‌شود.

روی خط آمار

افزایش ۲۶ درصدی پرداخت وام

به‌تازگی یکی از دو مرجع اعلام رسمی شاخص‌های اقتصادی کشور اعلام کرد: تسهیلات پرداختی بانک‌ها در ۳ ماه ابتدایی امسال مبلغ ۹۲۱۳.۵ هزار میلیارد ریال بوده که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل ۱۸۸۷.۹ هزار میلیارد ریال (معادل ۲۵.۸ درصد) افزایش داشته است. این مهم حاکی از افزایش ۲۶ درصدی پرداخت تسهیلات بانکی در ۳ ماه نخست امسال نسبت به بهار ۱۴۰۱ است. هرچند آمارها نشان می‌دهند تسهیلات پرداختی نظام بانکی در ۳ ماه نخست امسال یک‌چهارم بیش از مدت مشابه سال گذشته بوده، اما از آنجایی که نرخ تورم ایران به حدود ۵۰ درصد می‌رسد، ارزش واقعی تسهیلات پرداختی در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱ کاهش یافته است.

چند روز پیش رئیس کل بانک مرکزی در گفت‌وگویی تصریح کرد سیاست بانک مرکزی تثبیت وضعیت فعلی خواهد بود، به همین دلیل اجرای سیاست‌های انقباضی در امتداد دیگر سیاست‌های انقباضی خواهد بود.

به گزارش صمت به نقل از تارنمای بانک مرکزی، از کل تسهیلات پرداختی، مبلغ ۷۸۴۹.۷ هزار میلیارد ریال معادل ۸۵.۲ درصد به صاحبان کسب‌وکار (حقوقی و غیرحقوقی) و ۱۳۶۳.۸ هزار میلیارد ریال معادل ۱۴.۸ درصد به مصرف‌کنندگان نهایی (خانوار) تعلق گرفته است.

بر این اساس، سهم تسهیلات پرداختی در قالب سرمایه در گردش در کلیه بخش‌های اقتصادی در ۳ ماه نخست سال ۱۴۰۲ مبلغ ۶۱۲۲.۸ هزار میلیارد ریال معادل ۷۸ درصد کل تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب‌وکار است.

همچنین سهم تسهیلات پرداختی در قالب خرید کالای شخصی توسط مصرف‌کننده نهایی (خانوار) مبلغ ۵۵۰ هزار میلیارد ریال معادل ۴۰.۳ درصد از کل تسهیلات پرداختی به مصرف‌کنندگان نهایی (خانوار) است.

سهم تسهیلات پرداختی بابت تامین سرمایه در گردش بخش صنعت و معدن در ۳ ماه ابتدایی سال ۱۴۰۲ معادل ۲۵۲۹.۹ هزار میلیارد ریال بوده که حاکی از تخصیص ۴۱.۳درصد از منابع تخصیص یافته به سرمایه درگردش کلیه بخش‌های اقتصادی (مبلغ ۶۱۲۲.۸ هزار میلیارد ریال) است.

گفتنی است از ۳۰۶۸ هزار میلیارد ریال تسهیلات پرداختی در بخش صنعت و معدن ۸۲.۵ درصد آن (مبلغ ۲۵۲۹.۹ هزار میلیارد ریال) برای تامین سرمایه در گردش پرداخت شده که بیانگر توجه و اولویت‌دهی به تامین منابع برای این بخش توسط بانک‌ها در سال ۱۴۰۲ است. لازم به یادآوری است که تامین مالی بنگاه‌ها به‌ویژه از سال ۹۷ به این سو به یک مشکل جدی در اقتصاد ایران تبدیل شده است. گزارش‌های رسمی نشان می‌دهند در ۵ سال گذشته میزان سرمایه ثابت تشکیل شده در اقتصاد ایران کمتر از استهلاک تجهیزات بوده؛ به‌عبارت ساده‌تر ارقام رسمی نشان می‌دهند نرخ سرمایه‌گذاری در ایران منفی شده و استمرار این رویه، از آنجایی که صنایع ایران قدیمی هستند، می‌تواند خطوط تولید کشور را به یکباره متوقف کند.

تسهیلات خرد (کمتر از ۳۰۰ میلیون تومان)

براساس این گزارش، از کل تسهیلات پرداختی در دوره یادشده، مبلغ ۱۸۶۴.۹ هزار میلیارد ریال معادل ۲۰۲. درصد به صورت تسهیلات خرد اعطا شده و مبلغ ۱.۱۳۲ هزار میلیارد ریال نیز در قالب کارت‌های اعتباری انجام شده که با احتساب این مبلغ، کل تسهیلات پرداختی خرد (کمتر از ۳۰۰ میلیون تومان) به مبلغ ۱۹۹۷.۱ هزار میلیارد ریال معادل ۴.۲۱ درصد کل تسهیلات پرداختی را شامل می‌شود.

بر این اساس و باتوجه به اینکه تسهیلات پرداختی در قالب کارت‌های اعتباری نیز در بخش خانوار پرداخت شده، با این اوصاف سهم بخش خانوار از ۱۴.۸درصد به ۱۶ درصد کل تسهیلات پرداختی افزایش می‌یابد.

شایان ذکر است که باید در تداوم مسیر جاری، ملاحظات مربوط به کنترل تورم را نیز در نظر گرفت و همواره مراقب قدرت گرفتن ظرفیت تورمی ناشی از فشار تقاضای کل در اقتصاد نیز بود.

بر این اساس، ضروری است به افزایش توان مالی بانک‌ها از طریق افزایش سرمایه و بهبود کفایت سرمایه بانک‌ها، کاهش تسهیلات غیرجاری و بازگرداندن آنها به مسیر صحیح اعتباردهی بانک‌ها، افزایش بهره‌وری بانک‌ها در تامین سرمایه در گردش تولیدی، پرهیز از فشارهای مضاعف بر دارایی بانک‌ها و ترغیب بنگاه‌های تولیدی به سمت بازار سرمایه به عنوان یک ابزار مهم درتامین مالی طرح‌های اقتصادی (ایجادی) توجه ویژه‌ای کرد.

یک کارشناس حوزه پولی و مالی در گفت‌وگو با صمت:

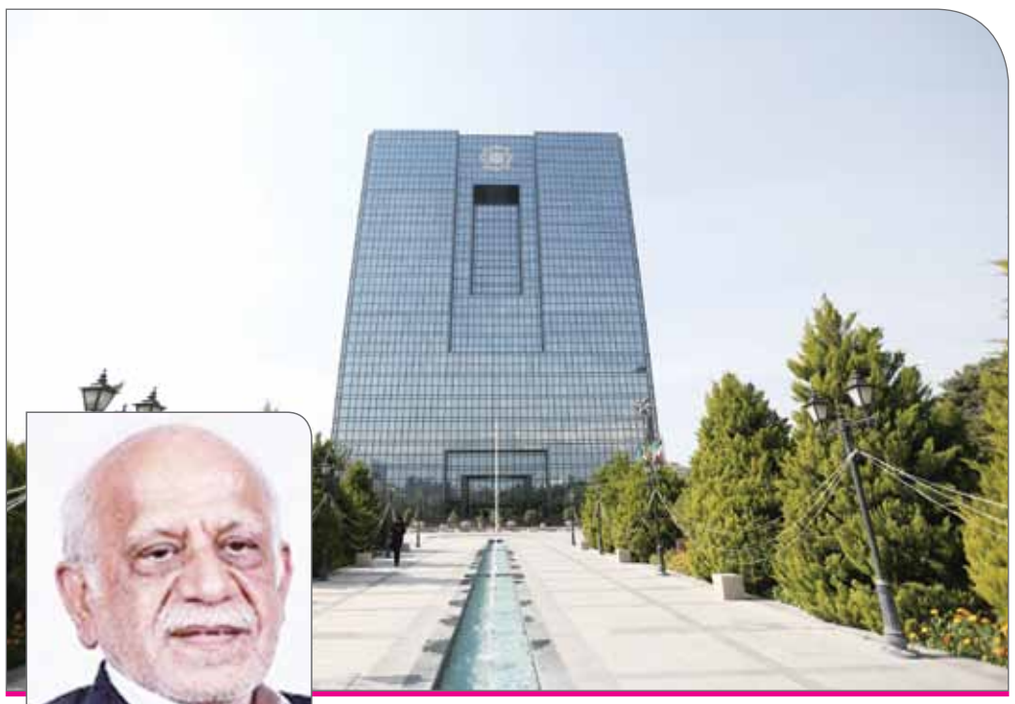
اجرای صرف سیاست‌های ابلاغی مدیر «بله‌قربان‌گو» می‌خواهد

امیرعباس آذرموند
editor@smtnews.ir

یک مدیر باسابقه نظام بانکی در تشریح چرایی ضعف بدنه تصمیم‌گیری بانک مرکزی می‌گوید: «من فکر می‌کنم دولت در ناتوانی‌های امروز سیاست‌گذار پولی بی‌تقصیر نیست. اینکه زمانی حاضر بودند آقای نوربخش را به ریاست بانک مرکزی برسانند، اما پس از او بیشتر به انتخاب افراد بله‌قربان‌گو تمایل پیدا کردند، ناشی از سیاست و نگاه دستگاه اجرایی کشور است. وقتی رئیس کل بانک مرکزی نتواند حتی از استقلال نظر خود دفاع کند و مجبور باشد همواره سیاست‌های ابلاغی دولت را بدون هیچ بحثی اجرا کند، دیگر جسارت نه یک عامل اعتلابخش که تبدیل به مانع پیشرفت می‌شود.»

احمد حاتمی‌یزد، مدیرعامل پیشین بانک صادرات، تصریح می‌کند:«گاهی به‌نظر می‌رسد دولت‌ها نیازمند رؤسای سربه‌زیر برای سیاست‌گذاری پولی هستند و رؤسای بانک مرکزی نیز به دولت‌هایی مداخله‌گر نیاز دارند تا در مقابل هر ضعف و کاستی در عملکرد، تقصیر را به گردن دولت بیندازند و تنها مجری دستورات و سیاست‌های ابلاغی باشند. این رویکرد زیبنده هیچ مدیر و به‌طور مشخص رئیس نهاد سیاست‌گذار پولی یک کشور نیست.»

آنچه در ادامه می‌خوانید مشروح گفت‌وگوی صمت با این کارشناس حوزه پولی و مالی است.



عکس: صمت

◉ نظام بانکی کشور همواره در سال‌های پس از انقلاب برنامه‌های بزرگی چون تحقق «بانکداری اسلامی» را به‌عنوان هدف خود اعلام کرده است؛ سیاستی که تاامروز به‌طور کامل اجرایی نشده و همچنان تحقق آن با موانع فراوانی روبه‌رو است. چه چیزی مانع از تحقق برنامه‌های کلان در نظام بانکی ایران است؟

باید ابتدا این را بپذیریم که وظایف بانک مرکزی با ابزارهایی که در اختیار دارد، همخوان نیست. بانک مرکزی در حالی سیاست‌گذار پولی کشور است که در برخورد با متخلفان نظام پولی دچار محدودیت است و مجبور می‌شود دائم از تخلفات چشم بپوشد. ضمن اینکه در بسیاری از موارد رؤسای بانک مرکزی در کشور ما گوش به‌فرمان عمل کرده و بیش از آنکه از استقلال نهادی خویش دفاع کنند، دستورات مقامات بالاتر را اجرا کرده‌اند؛ بنابراین طبیعی است که برای تحقق برنامه‌های کلان بسیاری از عوامل خارج از اختیارات رؤسای بانک مرکزی و در کل خارج از اختیارات ساختار بانکی باید دست به دست هم دهند.

◉ با این تعبیر، میان رؤسای بانک مرکزی در سال‌های پس از انقلاب چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟

حقیقتا جز مرحوم نوربخش، دیگر رؤسای بانک مرکزی کشور و حتی معاونان آنها در سطح این جایگاه نبودند. مرحوم نوربخش هم سواد این جایگاه را داشت و هم به‌دلیل اینکه مقامات کشور به او اعتماد داشتند، در جلسات سعی می‌کرد نظرات خود را به کرسی بنشاند. در واقع نوربخش این فرصت را داشت که بیش از دیگر رؤسای بانک مرکزی در سیاست‌گذاری‌های کلان مداخله کند و اعتماد مسئولان به او نیز عاملی بود که با اراده بیشتری سعی در قانع کردن مسئولان داشته باشد. جدا از او، سایر رؤسا و مسئولان بانک مرکزی تفاوت چندانی با یکدیگر نداشتند.

◉ یعنی می‌گویید میان عملکرد آنها اصلا تفاوتی وجود ندارد؟

تفاوت‌هایی وجود دارد که نمی‌توانیم و نباید آنها را انکار کنیم، اما من فکر می‌کنم این تفاوت‌ها بیش از اینکه ناشی از نگاه تیزبین تر یک مدیر باشد، ناشی از شرایط متفاوت اقتصاد کشور بوده است. اینکه وضعیت شاخص‌های پولی کشور در زمان آقای بهمنی، سیف، همتی و فرزین با یکدیگر متفاوت است، حرف اشتباهی نیست، اما باید توجه کنیم که این تفاوت‌ها ناشی از وضعیتی متفاوت بود که در دوره تصدی هر کدام از این رؤسای بانک مرکزی حاکم بود. به‌عنوان مثال آقای سیف در راستای کنترل بازار ارز، کاری که مرسوم بود را انجام داد، اما فراموش کرده بود که مجوز سران قوا را بگیرد. آقای همتی هم برای کنترل بازار ارز گاه مجبور می‌شد تصمیماتی بگیرد، اما او پیش از هر اقدامی سراغ سران سه قوه می‌رفت و موضوع را توضیح می‌داد و با اخذ مجوز از آنها به اقدامات مدنظر خود دست می‌زد؛ کاری که من فکر می‌کنم اگر آقای سیف هم انجام می‌داد دچار مشکلاتی که تجربه کرده بود، نمی‌شد. من معتقدم میان مدیریت رؤسای بانک مرکزی در این سال‌ها تفاوت کیفی وجود نداشت و آقایان تقریبا همگی با شدت و ضعف یکسری اقدامات مشابه را در دستور کار می‌گذاشتند. هرچند همان‌طور که در سوال پیش هم توضیح دادم، همتی آنقدر نظام کشور را می‌شناسد که برای اقدامات خارج از چارچوب خویش مجوز سران قوا را تهیه می‌کند و آقای سیف این کار را انجام نمی‌دهد و به همین دلیل خودش دچار مشکل می‌شود. به‌نظر می‌رسد هیچ کدام از رؤسای بانک مرکزی کشور از چنان توانایی برخوردار نیستند که در جایگاه سیاست‌گذار پولی، بتوانند زندگی مردم را دستخوش تغییرات مثبت کنند. این روزها در کشور بحث‌هایی می‌شود که در نهایت تفاوت میان مدیران را با ارقام شاخص‌های کلان توضیح می‌دهند؛ حال آنکه تفاوت اصلی میان یک مدیر با مدیر دیگر را باید مردم حس کنند و آن را بگویند، به همین دلیل مشاهده می‌کنیم وقتی سیف جایش را به همتی داد یا همتی کنار رفت و صالح‌آبادی به جای او نشست، وضعیت در شکل کلی دچار تغییرات مهمی نشد.

◉ مشکل رؤسای کل بانک مرکزی را چه می‌دانید؟

مشکلات گوناگونی را می‌توان دسته‌بندی و عنوان کرد. از میان همه این مشکلات مهم‌ترین‌شان این است که دولت به استقلال بانک مرکزی توجهی نمی‌کند و همین بی‌توجهی به استقلال این نهاد موجب شده مدیرانش احساس امنیت نکنند. در واقع مدیران نهادی چون بانک مرکزی هر لحظه ممکن است به‌دلیل اختلاف‌نظر با رئیس جمهوری، وزیر اقتصاد یا حتی رئیس سازمان برنامه، مجبور به کناره‌گیری شوند. اینکه شما چنین صندلی لرزانی را برای نشستن داری، خود به خود افراد را محافظه‌کارتر می‌کند. من فکر می‌کنم برخی از مدیران بانک مرکزی نه توانایی علمی بالایی داشتند و نه از جسارت کافی بهره‌مند بودند. مهم‌ترین تفاوتی که نوربخش با بقیه همتایان خود داشت، این بود که او از جایگاه بالاتری نزد نظام تصمیم‌گیری کشور برخوردار بود که موجب می‌شد بتواند جسورانه‌تر عمل و در جلسه با مسئولان ارشد کشور بدون لکنت زبان صحبت کند.

◉ به ضعف‌های رؤسای بانک مرکزی اشاره کردید. با توجه به اشاره ضمنی که به عملکرد دولت نسبت به بانک مرکزی داشتید، در ناتوانی‌های امروز سیاست‌گذار پولی، چقدر می‌توان انگشت اتهام را به سمت دولت گرفت؟

من فکر می‌کنم دولت در پدید آمدن این وضعیت بی‌تقصیر نیست. اینکه زمانی حاضر بودند آقای نوربخش را به ریاست بانک مرکزی برسانند، اما پس از او بیشتر به انتخاب افراد بله‌قربان گو تمایل پیدا کردند، ناشی از سیاست و نگاه دستگاه اجرایی کشور است. وقتی رئیس کل بانک مرکزی نتواند حتی از استقلال نظر خود دفاع کند و مجبور باشد همواره سیاست‌های ابلاغی دولت را بدون هیچ بحثی اجرا کند، دیگر جسارت نه یک عامل اعتلابخش که تبدیل به مانع پیشرفت می‌شود. گاهی به‌نظر می‌رسد دولت‌ها نیازمند رؤسای سربه‌زیر برای سیاست‌گذاری پولی هستند و رؤسای بانک مرکزی نیز به دولت‌هایی مداخله‌گر نیاز دارند تا در مقابل هر ضعف و کاستی در عملکرد، تقصیر را به گردن دولت بیندازند و تنها مجری دستورات و سیاست‌های ابلاغی باشند. این رویکرد زیبنده هیچ مدیر و به‌طور مشخص رئیس نهاد سیاست‌گذار پولی یک کشور نیست.

◉ معضل تغییر رؤسای بانک مرکزی به‌دلیل اختلاف فقط در ایران دیده می‌شود؟

نه این روند یک اتفاق مرسوم در جهان است و تغییراتی از این دست حتی در بخش‌های دیگر نیز مشهود است. هنگامی که یک دولت نتواند سیاست‌های جامع موردنظر را در کابینه اجرا کند، ناچار است به‌نحوی در ترکیب کابینه تغییر ایجاد کند تا تضادها رفع شوند و کار پیش برود.

از قضا در چند سال گذشته که اقتصاد ایران به‌دلیل تحریم‌ها دچار مشکل شده، همسایه غربی ما، ترکیه نیز روزهای خوبی را سپری نکرده و همزمان با ایران از ارزش پول ملی آن هم کاسته شده است. زمانی که از ارزش لیر کاسته می‌شد، اردوغان با رئیس بانک مرکزی وقت ترکیه دچار مشکل شد.

هرچند آنها نمی‌توانستند مانند ایران سیاست‌های دولت را به نهاد سیاست‌گذار پولی دیکته کنند، اما در هر حال رئیس کل بانک مرکزی در ترکیه تغییر کرد. این موضوع چند بار تکرار شد تا در نهایت اردوغان توانست فردی را که تفاهم بیشتری با او دارد، برای تصدی بانک مرکزی ترکیه انتخاب کند.

◉ پس از حمله روسیه به اوکراین، بارها از رئیس بانک مرکزی روسیه به‌عنوان مدیری موفق که توانست باوجود تحریم‌های سنگین غرب، از ارزش پول ملی کشورش محافظت کند، یاد شد. برگ برنده روس‌ها در جدال با غرب چیست؟

پرداختن به موضوع روسیه نیازمند اشراف اطلاعاتی چندجانبه است که من از محروم هستم. موضوع روسیه، مسئله‌ای است که تحلیلگران حوزه بین‌الملل به‌خوبی می‌توانند درباره آن صحبت کنند.

در کل دقیق نمی‌دانم در مسکو چه کردند، اما به این نکته واقف هستم که غرب چنان وابسته به واردات انرژی از این ابرقدرت شرق بود که درنهایت باوجود حمله به اوکراین و اتخاذ تصمیم یکپارچه غرب برای تنبیه کرملین، باز هم نتوانستند حلقه محاصره را کامل کنند.

◉ یعنی شما معتقدید تحریم‌ها علیه روسیه به‌صورت کامل به اجرا در نیامد؟

نه تنها من که بیشتر تحلیلگران حوزه انرژی یا تحلیلگران اروپا بر این باورند که روس‌ها چنان وزنه سنگین در بازار انرژی جهان هستند که غرب به‌سرعت نمی‌توانست آنها را از بازار حذف و جایگزینی برای منبع صادرات روزانه ۱۱ میلیون بشکه‌ای پیدا کند. جدا از نفت، گاز روسیه بیشتر کشورهای غربی را وابسته به مسکو کرده و دولت‌های اروپایی حتی اگر با پوتین در عناد کامل باشند هم، چون نیاز به انرژی مسکو دارند، نمی‌توانند فشار همه‌جانبه را به این کشور وارد کنند. گرچه خرید نفت و گاز از روسیه پس از حمله به اوکراین تنها به اروپای غربی یا چین محدود نشد و در اخبار مشاهده کردیم که حتی هندوستان و ترکیه هم از این کشور خرید کردند. اینجا باید بر زرنگی آقای پوتین صحه بگذاریم. او که متوجه شد فشار تحریم‌ها به اندازه‌ای است که می‌تواند اقتصاد روسیه را دچار مشکل کند و از نیاز غرب به انرژی‌اش نیز مطلع بود، اعلام کرد به ازای فروش نفت و گاز، روبل دریافت می‌کند، این در حالی است که روبل در معاملات بین‌المللی مورداستفاده قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین هر کشوری که می‌خواهد با روس‌ها معامله کند باید دلار خود را به بانک مرکزی روسیه بدهد و معادل آن روبل دریافت کند. به این ترتیب روسیه توانست با تامین و انباشت منابع ارزی، جلوی نوسانات ارزی و تورمی کشور را بگیرد.

◉ ایران نمی‌توانست مانند روسیه برخورد کند؟

برای ایران چنین ژستی نه تنها عملیاتی نیست، بلکه حتی بی‌معنی است، زیرا ایران بازار انرژی را آن گونه به تصرف خود در نیاورده بود که وابستگی به آن زیاد باشد. ایران روزانه ۲ میلیون بشکه نفت صادر می‌کرد که نسبت به صادرات عربستان سعودی یا روسیه بسیار ناچیز است. همچنین ایران در جایگاهی نبود که به مشتریان نفت خود بگوید که نفت را به ازای دریافت ریال می‌فروشم. همین طور هم کمتر مشتری برای نفت ایران پیدا می‌شد؛ چه برسد به اینکه ایران قصد می‌کرد مشتریان خود را کمی بیشتر سر بدواند. تاکید می‌کنم قیاس میان ایران و روسیه بی‌معنی است و این دو کشور جایگاهی مساوی در بازار انرژی بین‌الملل ندارند. برگ برنده پوتین فروش انرژی روسیه به ازای روبل بود که به تحکیم ذخایر ارزی آنها کمک کرد، اما در ایران چنین سیاست‌هایی به هیچ عنوان مطرح نیستند و امکان مطرح شدن هم ندارند.

◉ در روزهای گذشته ابراز بی‌اعتمادی نسبت به آمارهای رسمی درباره شاخص‌های اقتصادی بیشتر از گذشته شده و برخی کارشناسان ضمن اشاره به رها شدن مذاکرات با غرب و نیامدن ارزهای بلوکه‌شده از عراق و کره جنوبی، نسبت به انتشار اخبار غیردقیق هشدار می‌دهند. نظر شما در این باره چیست؟

انتشار آمارهایی که در صحت آنها تردید وجود دارد به سود کشور و مردم نیست. همچنین انتشار اخباری که قطعی نشدند هم می‌تواند جامعه را بی‌اعتماد کند. من فکر می‌کنم توافق موقت میان ایران و ایالات متحده تقریبا به مرحله نهایی رسیده بود، اما در آخرین مراحل گویا اتفاقاتی افتاد که مذاکرات را نیمه تمام گذاشت. به‌هرحال مذاکرات ادامه دارد و ایران همواره برای دستیابی به توافق اعلام آمادگی کرده است. همین که پول‌های بلوکه‌شده ایران در عراق و کره جنوبی آزاد شود و حاضر شوند بخشی از زندانیان دوتابعیتی در ایران را آزاد کنند و در مقابل غرب هم برخی از زندانیان ایران را آزاد کند، به کاهش تنش‌ها و نااطمینانی‌های اقتصادی منجر خواهد شد. حتی قرار بود شرایط برای سوئیفت ایران و کنترل غنی‌سازی برای غرب فراهم شود. گویا چند مسئله جزئی به‌وجود آمد که در نهایت موجب شد مذاکرات برقراری این خط اعتباری نیز بی‌نتیجه رها شود. در هر حال اینکه یک توافق بزرگ و جامع محقق شود، قطعا بیشتر به نفع اقتصاد خواهد بود، اما کاهش سطح تنش‌ها و میزان محاصره اقتصادی ایران هم اثرات ملموسی خواهد داشت. اقتصاد ایران امروز در شرایطی قرار دارد که از هر منفذ یا مفری باید بهره گیرد تا بتواند باز هم طاقت بیاورد.

> بانک مرکزی در حالی سیاست‌گذار پولی کشور است که در برخورد با متخلفان نظام پولی دچار محدودیت است و مجبور می‌شود دائم از تخلفات بپوشد

نوبت اول
م الف ۴۲۱

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیتی ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۴۰۰۱۰۰۲۸۸۶ مورخ ۱۴۰۲/۵/۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندر گناوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای هادی حیاتی فرزند سردار به شماره شناسنامه ۴ کدملی ۳۵۳۹۹۵۹۹۱۲ صادره از گناوه را نسبت به ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین کشاورزی محصور به مساحت ۱۴۳۸ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۳۶۸ اصلی واقع در قریه چاهبردی گناوه خریداری مع‌الواسطه از آقای رضا بیژنی و شرکاء محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجعه ذیصلاح قضایی نمی‌باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹

محمد چهابدار، رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گناوه

نوبت اول
م الف ۴۲۲

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیتی ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۴۰۰۱۰۰۲۴۱۳ مورخ ۱۴۰۲/۴/۲۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندر گناوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حاجی حیاتی فرزند سردار به شماره شناسنامه ۸۵۲۹ کدملی ۳۵۳۹۲۷۵۲۹۰ صادره از گناوه را نسبت به ششدانگ عرصه و اعیان یک باب خانه به مساحت ۵۷۸/۰۸ مترمربع در قسمتی از پلاک ۹۱۷ اصلی واقع در امامزاده گناوه خریداری مع‌الواسطه از آقای سیدحیات موسوی و شرکاء محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجعه ذیصلاح قضایی نمی‌باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹

محمد چهابدار، رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گناوه



مشوق مالیاتی به سود دانش‌بنیان‌ها است؟

وعده‌های بی‌عمل

یکی از بندهای برنامه هفتم دولت، حذف همه مشوق‌های مالیاتی بود، تصویب این بند، نگرانی کارشناسان درباره عقبگرد نسبت به تحقق اقتصاد دانش‌بنیان را به‌همراه داشت. این بند، امروز توسط کمیسیون تلفیق مجلس اصلاح شد، اما مطابق با سیاست اعتبار مالیاتی در قانون جهش تولید دانش‌بنیان، شرکت‌ها و صنایع بزرگ در صورتی که روی تحقیق و توسعه هزینه کنند، نسبتی مشخص از آن هزینه، برای سنوات آتی آنها به‌عنوان اعتبار مالیاتی در نظر گرفته می‌شود و همچنین، اگر در خطوط تولید خود، نوآوری‌های تحقیق و توسعه را به کار گیرند، مشمول مشوق‌های مالیاتی خواهند شد.

این موضوع یکی از ارکان کلیدی در تحقق اقتصاد دانش‌بنیان است که به‌واسطه آن نخبگان دانش‌بنیانی می‌توانند برای افزایش کیفیت محصولات و ورود فناوری به صنایع، اثرگذاری داشته باشند، اما در برنامه هفتم توسعه در بند ث ماده ۲۷، اعطای هرگونه مشوق مالیاتی را ممنوع اعلام کرده و اجرای این بند در عمل به‌معنای ممانعت از اجرای قانون جهش تولید دانش‌بنیان در بحث اعتبار مالیاتی بود.

هفته گذشته، روح‌الله دهقانی، معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهوری و احسان خاندوزی، وزیر اقتصاد، برای اصلاح این ماده با مجلس مکاتبه کردند. مطابق با این مکاتبه، در لایحه هفتم توسعه، قرار شد تبصره‌ای اضافه شود که طبق آن، اعتبار مالیاتی تحقیق و توسعه از شمول بند «ث» ماده ۲۷ این لایحه مستثنا شود.

صمت در این گزارش به اهمیت وجود مشوق‌های مالیاتی برای شرکت‌های دانش‌بنیان پرداخته است.

مهتاب دمیرچی
editor@smtnews.ir

اصلاح مشوق‌های مالیاتی به‌نفع دانش‌بنیان‌ها

خبرها از مجلس شورای اسلامی حاکی از آن است که در کمیسیون تلفیق برنامه هفتم، موضوع مشوق‌های مالیاتی شرکت‌های دانش‌بنیان اصلاح شده است. مطابق با بند جدید که توسط کمیته اقتصادی برنامه هفتم به ریاست محمدرضا پورابراهیمی پیشنهاد شده، بند مذکور به این شکل اصلاح شده است: «وزارت اقتصاد با همکاری سازمان برنامه و بودجه موظف است در مدت ۶ ماه بعد از ابلاغ برنامه، لوایح قانونی موردنیاز برای کاهش تخفیف‌های مالیاتی، اعتبار مالیاتی، نرخ صفر، معافیت مالیاتی و ترجیحات مالیاتی و گمرکی را به‌منظور ساماندهی معافیت‌های غیرضروری و تقویت معافیت‌های منجر به رشد اقتصادی را تنظیم و ارائه کند.» گفتنی است، این اصلاحیه با حدود ۷۰ درصد رأی موافق به تصویب کمیسیون تلفیق برنامه هفتم توسعه رسیده است.

به نام دانش‌بنیان، به کام دیگران



مسعود یارمحمودی ـ فعال دانش‌بنیان: شرکت‌های دانش‌بنیان معمولا براساس فرآیندهای تحقیق و توسعه، دانش‌بنیان می‌شوند، یعنی فرآیندهای تحقیق و توسعه در بطن شرکت‌های دانش‌بنیان وجود دارد، در حالی که در بدو تاسیس یک شرکت دانش‌بنیان، چنین مشوق‌هایی تعلق نمی‌گیرد و این نوع از مشوق‌ها تنها برای شرکت‌های بزرگ تولیدی است که در فرآیند تولید یک یا چند محصول خود از روش‌های تحقیق و توسعه بهره گرفته‌اند. دانش‌بنیان‌های نوع یک اصلا نیاز به چنین مشوقی در زمانی که از مرحله تحقیق و توسعه گذر کرده‌اند، ندارند.

باتوجه به دسته‌بندی شرکت‌های دانش‌بنیان در معاونت علمی، این شرکت‌ها در ۳ دسته نوع یک، ۲ و ۳ قرار می‌گیرند. شرکت‌هایی که در تلاش برای ارتقای رتبه خود هستند، بی‌شک زمان طولانی را صرف تحقیق و توسعه خود کرده‌اند. در واقع، یک محصول دانش‌بنیان برای رسیدن به بازار، نیازمند اجرای عملیات تحقیق و توسعه است که به‌طورقطع شرکت در رتبه ۲ یا ۳ قرار دارد و مشمول مشوق‌های مالیاتی نمی‌شوند. در حقیقت، مشوق‌های مالیاتی تنها به شرکت‌هایی تعلق می‌گیرد که نوع یک باشند. در نتیجه آن، زمانی که یک شرکت دانش‌بنیان به معافیت مالیاتی و دیگر تسهیلات دانش‌بنیانی نیاز دارد، نمی‌تواند از قوانین مشوق‌های مالیتی بهره بگیرد. از طرفی هم، به فرض اینکه یک شرکت دانش‌بنیان بتواند نوع یک شود، به‌قدری روند دریافت معافیت‌هایی نظیر معافیت مالیاتی دشوار است که بیشتر دانش‌بنیان‌ها ترجیح می‌دهند، سراغ آنها نروند، ضمن اینکه بیشتر دانش‌بنیان‌ها نوع ۲ و ۳ هستند و روال رسیدن به نوع یک به‌شدت دشوار است.

بنابراین در عمل برای شرکت‌های دانش‌بنیان معافیت مالیاتی امتیاز یا تسهیلات چندان مفیدی به‌حساب نمی‌آید. دانش‌بنیان‌هایی که در پارک‌های علم و فناوری مستقر هستند، بهتر می‌توانند از معافیت‌ها بهره‌مند شود، چراکه استدلال دولتی‌ها این است که معافیت‌های تصویب‌شده تنها به محصول دانش‌بنیان تعلق می‌گیرد، نه شرکت، اما استقرار در پارک چنین روندی را ندارد. بنابراین در عمل شرکت‌هایی که در پارک‌های علم و فناوری مستقر هستند، از معافیت مالیاتی و مشوق‌های مالیاتی استفاده چندانی نکرده‌اند. آنها ترجیح می‌دهند از امتیازهای مستقر بودن در پارک‌های علم و فناوری بهره‌مند شوند. در واقع به‌واسطه حضور در پارک‌های علم و فناوری می‌توانند امتیازهای بهتری را دریافت کنند تا اینکه به‌دلیل دانش‌بنیان شدن امتیاز بگیرند.

چنین قوانینی برای درصد کمی از شرکت‌های دانش‌بنیان تسهیل‌کننده است، نه قشر زیادی از آنها که فرآیند تحقیق و توسعه را در بطن خود دارند. چالش اصلی که درباره مالیات به‌وجودآمده، مالیات بر ارزش‌افزوده است. در واقع، اگر شرکت دانش‌بنیانی تحقیق و توسعه نداشته باشد، پس از مدتی از چرخه تولید عقب می‌ماند و اصلا رو به انحلال می‌رود. واقعیت امر این است، تسهیلاتی که برای شرکت‌های دانش‌بنیان گذاشته‌اند، به‌قدری سخت و پیچیده و دردسرساز است که بیشتر صاحبان دانش‌بنیان‌ها ترجیح می‌دهند آنها را دریافت نکنند و عطایش را به لقایش ببخشند.

معمولا این امتیازها و تسهیلات در حرف اتفاق می‌افتد؛ اما در عمل نهادهای دولتی به‌قدر کافی توجیه نیستند. به‌صرف اینکه، تسهیلات به شرکت‌ها تعلق گیرد، اثبات برخی فرآیندها در این نهادها به‌اندازه‌ای دشوار است که بیشتر دانش‌بنیان‌ها موفق به اخذ تسهیلات نمی‌شوند. معمولا تسهیلات را زمانی به دانش‌بنیان‌ها می‌دهند که این شرکت‌ها شرایط سختی را پشت‌سر گذاشته و به یک نقطه ثبات رسیده‌اند. در حالی که تسهیلات درنظرگرفته‌شده تا پیش از دانش‌بنیان شدن، نقش مهم و حیاتی دارد، نه آنکه بعد از دانش‌بنیان شدن بخواهند با بروکراسی اداری دشوار به دانش‌بنیان‌ها تسهیلات بدهند. همچنین از طرفی، به‌شکل معمول، روندهای دریافت تسهیلات شرکت‌های دانش‌بنیان به‌قدری سخت و فرسایشی است که نه به درد دانش‌بنیان نوع ۲ و ۳ می‌خورد یعنی اصلا به آنها تعلق نمی‌گیرد و دانش‌بنیان نوع یک هم در اکثر موارد، نیازی به این تسهیلات ندارد.

تسهیلات مالی زمانی به کار دانش‌بنیان‌ها می‌آید که یک شرکت بخواهد خط تولید خود را تقویت یا بهبود ببخشد، اما به‌طورمعمول دانش‌بنیانی که نیازمند تقویت یا بهبود خط تولید است؛ نوع یک نیست و این تسهیلات فقط به دانش‌بنیان‌های نوع یک، آن هم با اماواگرهایی تعلق می‌گیرد. بنابراین، وعده‌های داده‌شده درباره توسعه اکوسیستم دانش‌بنیان در قالب حرف است، نه عمل. ضمن اینکه، معضل اصلی دانش‌بنیان‌ها مالیات نیست بلکه معضل اصلی، بازارسازی و برندسازی است تا وقتی که محصولات دانش‌بنیان در بازارهای داخلی جایگاهی نداشته باشد و فرآیند فروش این نوع محصولات ناهموار باشد، معاف شدن از مالیات به هیچ کاری نمی‌آید.

در واقع، ما حاضر هستیم که دولت کمک‌هایش را در قالب بازارسازی و توسعه محصولات دانش‌بنیان در بازار داخلی ارائه دهد. در این شرایط مالیات هم می‌دهیم. همچنین، چالش اصلی در بحث مالیات، مالیات بر درآمد نیست، بلکه مالیات بر ارزش‌افزوده است. مالیات بر ارزش‌افزوده باعث می‌شود که محصولات دانش‌بنیان با نرخ بیشتری نسبت به محصولات مشابه در بازار به‌فروش برسند، به‌همین‌دلیل، مشتریان ترجیح می‌دهند از محصولات دیگر استفاده کنند که معمولا یا قاچاق هستند یا وارداتی.

ارائه مشوق تنها در حرف

متاسفانه عملکرد صندوق نوآوری و شکوفایی هم در بحث حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان به‌شدت انتقادبرانگیز است. برای دریافت تسهیلات، این نهاد تمام شرایط خود را اعمال می‌کند، اما در ارائه مجوز فروش شرکت‌ها را معطل می‌کنند. در واقع، اگر مجوز استاندارد مدیریت در خط تولید دریافت شده باشد، انباردار نیروی فنی و همه نیروها و مدیر تولید هم باید فعال باشد، اما در ارائه مجوز فروش تعلل می‌کند. ۲سال است که فقط حقوق می‌دهیم و موفق به دریافت مجوز فروش نشده‌ایم.

زمانی‌که یک شرکت دانش‌بنیان به معافیت مالیاتی و دیگر تسهیلات نیاز دارد، نمی‌تواند از قوانین مشوق‌های مالیاتی بهره بگیرد

بازار چالش اصلی است؛ نه مالیات



سید امیررضا موسوی ـ فعال دانش‌بنیان: در کل مشوق‌ها می‌توانند مفید و موثر باشند، اما اینکه تا چه رقمی را شامل می‌شوند، مهم است. مشوق‌های مالیاتی در بحث تحقیق و توسعه چندان مهم به‌نظر نمی‌رسند، چراکه نزدیک به ۸۰ درصد شرکت‌های دانش‌بنیان نوپا هستند که معمولا فرآیندهای تحقیق و توسعه خود را پشت‌سر گذاشته‌اند و بعد از این فرآیند است که به تولید می‌رسند و در هنگام تولید، لزومی به ایجاد فرآیند دوباره تحقیق و توسعه نیست. بیشتر این شرکت‌ها به‌دنبال بازارسازی سرمایه در گردش صادرات هستند و در واقع، این مشوق‌های مالیاتی برای شرکت‌های قدیمی‌تر که به تولید انبوه رسیده‌اند، کارآیی دارد.

بی‌شک شرکتی که دانش‌بنیان می‌شود، براساس یک فرآیند تحقیق و توسعه دانش‌بنیان شده و توانسته است به افزایش بهره‌وری به‌واسطه فناوری برسد. اصلی‌ترین چالش برای شرکت‌های دانش‌بنیان، بحث مالیات و معافیت از مالیات نیست، بلکه سرمایه در گردش و جای خالی حمایت‌ها از کالاهایی است که باید در بازار جای خود را باز کنند. چندی پیش، محصولی را که تولید کردیم، به یک شرکت دولتی بردیم و خواهان عدم‌واردات این محصول شدیم. باوجود اینکه تمام گواهینامه‌های استاندارد را در اختیار داشتیم، شرکت مذکور زیر بار خرید این محصول نرفت.

به‌قدری چالش در بازار وجود دارد که اصلا به فکر مالیات هم نیستیم یا ۱۰ درصد مالیات فشاری به دانش‌بنیان‌ها نمی‌آورد. اگر فروش داشته باشیم، مالیات هم می‌دهیم، بنابراین در تحقق یافتن مشوق‌های مالیاتی در برنامه هفتم یا تحقق نیافتن آن، چندان به سود دانش‌بنیان‌های نوپا نخواهد بود.

فروش داشته باشیم، مالیات هم می‌دهیم

یک بار باید برای همیشه به دانش‌بنیان‌ها اعتماد کرد و اگر باتوجه به شرایط اقتصادی فعلی،در حال حاضر این اتفاق نیفتد، دیگر هیچ زمانی این اتفاق نخواهد افتاد. به‌عبارت‌دیگر، وظیفه معاونت علمی این نیست که در راستای درج مشوق‌های مالیاتی در برنامه هفتم بکوشد، وظیفه آن معاونت، پیدا کردن سرمایه‌گذار برای ایجاد سرمایه در گردش است. کمتر از ۵ درصد شرکت‌های دانش‌بنیانی که در چند سال اخیر مجوز دانشگاه گرفته‌اند، می‌توانند فعالیت رو به جلویی داشته باشند، در حالی که بسیاری از آنها تنها به تمدید مجوز خود می‌پردازند. چالش اصلی برای شرکت‌های دانش‌بنیان، سرمایه در گردش و بازار است و اگر این معضل حل شود، به‌طورخودکار معضلات بیمه و مالیات حل می‌شود، چراکه اگر شرکتی درآمد داشته باشد، مالیات را پرداخت می‌کند.

اصلی‌ترین چالش شرکت‌های دانش‌بنیان، بحث مالیات و معافیت از مالیات نیست، بلکه سرمایه در گردش است

سخن پایانی

برخی دیگر از کارشناسان هم معتقدند؛ اینکه شرکت‌های دانش‌بنیان نوع یک از پرداخت مالیات معاف هستند، شاید یک ناهمگونی را در این اکوسیستم به‌وجود بیاورد؛ چرا که اگر شرکتی به‌مرحله نوع یک بودن می‌رسد، به‌طورقطع چرخه مالی قابل‌قبولی دارد، در حالی که شاید شرکت‌های نوع ۲ و خلاق باتوجه به محدود بودن منابع مالی نیاز بیشتری به این نوع تشویق‌ها داشته باشند.

اختراعی بااشاره به موارد فوق گفت: از آنجایی که معافیت مالیاتی یک نوع مشوق در امر تولید محسوب می‌شود، شرکت‌هایی که تراکنش مالی بالایی دارند و از طرفی هم، در تولید سهم بسزایی دارند، باید لزوم معافیت مالیاتی برای آنها اعمال شود، در واقع، معافیت مالیاتی ارتباط مفهومی با نوع یک یا ۲ بودن شرکت‌های دانش‌بنیان ندارد، بلکه حمایتی است در راستای توسعه تولیدات داخلی. این فرآیند و فرآیندهای مشابه، باعث می‌شوند که شرکت‌های نوپا برای بزرگ‌تر شدن، انگیزه کافی داشته باشند و در این مسیر، راه دانش‌بنیان شدن از نوع یک را بپیمایند، بنابراین، معافیت مالیاتی برای شرکت‌های بزرگ تولیدی امری مفید و مهم به‌شمار می‌آید.

برای اینکه یک شرکت بتواند از یک فناوری مدرن و به‌روز برای تولیدات خود بهره بگیرد، باید از معافیت مالیاتی برخوردار باشد.

یادداشت

فرآیند ناشناخته تحقیق و توسعه برای مالیاتچی‌ها



مسعود باقر تجریشی
فعال دانش‌بنیان

فرآیندی که تا الان در بحث معافیت مالیاتی داشتیم، این بود که بنا بر قانون دانش‌بنیان سال ۱۳۸۹، همه شرکت‌هایی که دانش‌بنیان می‌شدند، معافیت مالیاتی دریافت می‌کردند.

در سال ۱۳۹۵ این قانون اصلاح و قرار شد که فقط شرکت‌های دانش‌بنیان نوع یک از این معافیت استفاده کنند. در سال ۱۳۹۹ گفته شد شرکت‌های دانش‌بنیانی که بالای ۵۰ میلیارد تومان درآمد دارند، می‌توانند از اعتبار مالیاتی تحقیق و توسعه استفاده کنند.

با هدف جهت‌دهی حمایت‌های مالیاتی به‌سمت توسعه نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان براساس بند (ب) ماده (۱۱) قانون جهش تولید دانش‌بنیان شرکت‌های دارای فعالیت‌های تحقیق و توسعه از اعتبار مالیاتی برخوردار می‌شوند.

به این نحو که معادل هزینه‌های انجام‌شده در پروژه‌های تحقیق و توسعه به‌عنوان اعتبار مالیاتی با قابلیت انتقال به سنوات آتی به شرکت‌های دارای پروانه بهره‌برداری یا مجوز فعالیت از مراجع ذی‌ربط اعطا می‌شود و معادل آن از مالیات بر عملکرد مربوط به سال انجام هزینه مذکور یا سال‌های بعد کسر می‌شود.

از طرفی، معمولا سازمان امور مالیاتی بر این بنا استوار شده است که هزینه‌های شرکت‌ها را غیرقابل‌قبول اعلام کند. اینکه دانش‌بنیان‌ها می‌خواهند این هزینه‌ها در حوزه تحقیق و توسعه باشد یا در حوزه بازاریابی؛ در کل چنین هزینه‌هایی برای کارشناسان مالیاتی تعریف نشده است، یعنی ترند سازمان امور مالیاتی این است که سال به سال رقم مالیات خود را افزایش دهد. یک‌سری دستگاه‌ها نظیر معاونت علمی خواهان دریافت معافیت‌هایی برای شرکت‌های دانش‌بنیان بگیرند، اما سازمان امور مالیاتی با این ترندها موافق نیست.

در حوزه دانش‌بنیان، یک دانش‌بنیان صنعتی و یک دانش‌بنیان تولیدی داریم که برخی از آنها از پرداخت مالیات معاف هستند، اما سازمان امور مالیاتی به‌قدری سختگیری کرده که گرفتن معاونت معافیت مالیاتی برای صاحبان دانش‌بنیان بسیار سخت و پیچیده شده است، اما درباره بند ب ماده ۱۱ باید گفت که اثبات این روند که شرکت دانش‌بنیانی هزینه تحقیق و توسعه کرده، برای کارشناس امور مالیاتی بسیار دشوار است.

معاونت علمی باید فرآیند مشخص‌تری را برای این منظور در نظر بگیرد و با تاسیس بخشی که زیرنظر خود فعالیت می‌کند، افرادی را هم به‌خدمت بگیرد و در اصل، فرآیند اثبات تحقیق و توسعه باید از کانال معاونت علمی انجام شود.

روش سازمان امور مالیاتی این است که معمولا مالیات دریافت کند و اصلا برای آن فرقی ندارد که پرداخت‌کننده یک شرکت دانش‌بنیان است یا یک شرکت معمولی با قدمت بالا.

در واقع، اثبات اینکه دانش‌بنیان چقدر هزینه تحقیق و توسعه کرده، برای بیشتر شرکت‌ها دشوار است و برای شرکت‌هایی که در حوزه فناوری اطلاعات کار می‌کنند، هم دشوارتر؛ چراکه شرکت‌های تولیدی می‌توانند به‌لحاظ فیزیکی مثال‌ها و نمونه‌هایی بیاورند، اما این روند برای شرکت‌های خدماتی که در حوزه فناوری اطلاعات کار می‌کنند، امری بسیار دشوار است

ناگفته نماند که در ایران یک فرهنگ مالیات‌گریزی هم وجود دارد؛ بر همین اساس، سازمان امور مالیاتی فرض را بر این می‌گذارد که صاحبان شرکت‌ها برای پرداخت نکردن مالیات، چنین ادعایی می‌کنند. بنابراین، مشکلات زیربنایی‌تری در حوزه مالیات وجود دارد. همچنین، اینکه در ایران تقلب هم زیاد است و به‌دلیل معاف بودن دانش‌بنیان‌ها از مالیات، بسیاری از شرکت‌هایی که فعالیت دارند هم، در تلاش برای دریافت مجوز دانش‌بنیان هستند و اصلا هدفشان این است که برای معاف شدن گام در عرصه دانش‌بنیانی بگذارند. در کشورهای اسکاندیناوی، برای اینکه شرکت‌ها بقای خود را حفظ کنند، شرکت خود را به‌صورت بنیاد در می‌آورند و در اساسنامه‌های خود این موضوع را قید می‌کنند که سالی ۱۰ درصد از درآمد خالص، صرف تحقیق و توسعه می‌شود و اصلا اعتقاد بر این امر وجود دارد. همین را سازمان امور مالیاتی هم می‌پذیرد. از طرفی هم، همان شرکت تعیین می‌کند که ۲۰ درصد از سود خالص آن برای مثال به شهرداری تعلق بگیرد. بنابراین، سازمان امور مالیاتی با ارائه تخفیف و ایجاد بالانس و تعادل میان این دو بخش، برای آن شرکت تخفیف مالیاتی در نظر می‌گیرد.

متاسفانه در ایران حتی اگر شرکتی سود بسیار بالایی هم داشته باشد، باز هم حاضر به دادن مالیات نیست که چنین روندی از خلأ فرهنگی در بحث پرداخت مالیات، ناشی می‌شود و سازمان مالیات هم با این دانش، کمتر بندهای نظیر بند ۱۱ را در قانون جهش دانش‌بنیان می‌پذیرد. از آنجایی که شرکت‌های دانش‌بنیان توانایی بیرون آمدن از این پیچیدگی‌های مالیاتی را ندارند و از سویی، مدیران مالی در این شرکت‌ها کمتر به کار مشغول می‌شوند و همکاری می‌کنند، بنابراین معاونت علمی، نقش حمایتی خود را ایفا می‌کند. بنابراین، بیش از هرچیز باید تغییر در فرهنگ پرداخت مالیات و اصلا ماهیت مالیات در کشور به‌وجود بیاید. در نهایت، باید این تفکر به‌وجود بیاید که حیات اقتصادی کشور در گرو بقای دانش‌بنیان‌ها است، بنابراین باید سازکار بقای دانش‌بنیان‌ها عملیاتی شود.

اختلاف نظر با بانک مرکزی کانون صرافان را منحل کرد؟

کانون صرافان منحل شد؛ خبری کوتاه و شوکه‌کننده که روز سه‌شنبه در سایه خبر تعطیلی ناگهانی دوروزه کشور به‌دلیل گرما گم شد.

ضرورت ایجاد یک مجموعه خودانتظام برای صرافان، بانک مرکزی و تعدادی از صرافان را بر آن داشت تا با برگزاری جلسات متعدد مقدمات تشکیل یک تشکل را فراهم کنند که در نهایت منجر به تشکیل کمیته تدوین اساسنامه کانون صرافان ایرانیان در مهر سال ۱۳۸۹ شد. این کمیته به دستور بانک مرکزی تشکیل و حدود یک ماه بعد با تهیه پیش‌نویسی از اساسنامه کانون، اعضای هیات مؤسس متشکل از ۹ عضو صراف و همچنین اعضای هیات عالی نظارت متشکل از ۳ نفر از نمایندگان بانک مرکزی تعیین شدند. در نهایت نیمه اردیبهشت سال ۱۳۹۰ کانون با موافقتنامه رسمی بانک مرکزی آغاز به کار کرد و به‌عنوان یک تشکل حرفه‌ای، مکلف به اجرای قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی در حوزه صرافی‌ها شد. حال پس از ۱۲ سال این کانون با حکم بانک مرکزی منحل شد؛ هرچند کانون صرافان معتقد است بانک مرکزی وجاهت قانونی برای انحلال کانون را ندارد!



بانک مرکزی در اطلاعیه‌ای از انحلال کانون صرافان خبر داد و اعلام کرد باتوجه به بررسی‌های صورت‌گرفته درباره فعالیت و عملکرد کانون صرافان ایرانیان و انحراف از اهداف، موضوع و وظایف و اختیارات کانون و اساسنامه ثبتی آن، براساس تصمیمات متخذه توسط بانک مرکزی، موافقتنامه تاسیس کانون صرافان ایرانیان صادره توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ابطال می‌شود. به گزارش مهر، براساس گزارش بانک مرکزی، از مهم‌ترین تخلفات صورت گرفته می‌توان به استنکاف از دستورات بانک مرکزی و عدم همکاری با این بانک، انحراف از اهداف، وظایف و موضوع فعالیت کانون، به حدنصاب نرسیدن جلسات شورای‌عالی طی چندین ماه اخیر، سرمایه‌گذاری و تحصیل سهام خلاف موضوع فعالیت، وظایف و اختیارات کانون و نظایر آن اشاره کرد.

بانک مرکزی وجاهت قانونی برای انحلال کانون را ندارد!

کانون صرافان نیز در پاسخ به اطلاعیه بانک مرکزی مبنی بر انحلال کانون اعلام کرد این بانک وجاهت قانونی درباره انحلال این کانون را ندارد.

کانون صرافان در واکنش به اطلاعیه بانک مرکزی گفت: انحلال کانون صرافان براساس ماده ۲۱ اساسنامه جزو اختیارات مجمع عمومی فوق‌العاده و طبیعتا هر گونه فرآیندی خارج از مسیر قانونی تخلف است و از طریق مراجع قضایی پیگیری خواهد شد. متاسفانه در ادامه اقدامات مزبور و پس از ناامیدی در مسیر قانونی، بانک مرکزی با انتشار اختلافات در فضای رسانه‌ای سعی بر فشار بر صرافان و کانون صرافان دارد و هم‌اندیشی سالانه یک صنف را برنمی‌تابد، در حالی که اگر بانک مرکزی برمبنای قانون حرکت کند نیاز به رسانه‌ای کردن موضوعات نخواهد داشت.

پشت پرده انحلال کانون صرافان چیست؟



کامران سلطانی‌زاده درباره اقدام بانک مرکزی مبنی بر منحل اعلام کردن کانون صرافان گفت: به‌نظر می‌رسد تصمیم بانک مرکزی مبنی بر منحل اعلام کردن کانون صرافان پس از آن اتفاق افتاد که کانون صرافان آگهی مجمع بازار متشکل ارزی را که خلاف نظر بانک مرکزی بود، پیگیری کرد.

دبیر کل کانون صرافان در گفت‌وگو با خبرآنلاین ضمن بیان این مطلب افزود: سهامداران بازار متشکل ارزی، کانون صرافان، کانون بانک‌های خصوصی و کانون بانک‌های دولتی و فرابورس هستند؛ یعنی عملا سهامداران این بازار مردم هستند، اما بانک مرکزی نسبت به انحلال دستوری این بازار اقدام و بازار مبادله‌ای را جایگزین کرده است. این در حالی است که تمام سازکار بازار متشکل ارزی در همان بازار مبادله‌ای برقرار است و از زیرساخت‌های بازار متشکل ارزی بهره می‌برد. وی گفت: بانک مرکزی با این هدف که کانون صرافان نتواند حقوق اعضای خود را پیگیری کند، گامی به جلو نهاده و با فرار رو به جلو مجوز کانون صرافان را ابطال کرده است. سلطانی‌زاده ادامه داد: کانون صرافان در سال ۱۳۹۰ ایجاد شده و در این دوره زمانی با چندین رئیس کل بانک مرکزی کار کرده و همواره تلاش این کانون کمک به ثبات و مدیریت بازار ارز بوده است. دبیر کل کانون صرافان تاکید کرد: این کانون در کنترل نوسانات ارزی نیز بسیار کمک کرد، اما در هفته‌های اخیر پس از صحبت اعضای کانون درباره سیاست‌های ارزی و انتقاد به برخی سیاست‌ها، این اتفاقات افتاد؛ در حالی که ما طبق وظیفه ذاتی باید ایرادات را گوشزد کنیم و با پیش‌آگاهی جلوی خسارت را بگیریم.

سلطانی‌زاده با تاکید بر اینکه تمامی اقدامات ما براساس قانون بوده و از طریق قوه قضاییه حتما منافع صرافان را پیگیری می‌کنیم، گفت: از حقوق اعضای کانون صرافان در بازار متشکل ارزی عقب نخواهیم نشست.

امور ارزی کشور باید در دست بانک مرکزی باشد



عضو اتاق بازرگانی ایران نیز درباره اقدام تازه بانک مرکزی مبنی بر انحلال کانون صرافان گفت: دلالان و صرافی‌های متخلف به‌دنبال آشفتگی بازار هستند تا از بحران خودساخته سوءاستفاده کنند. مسعود قاسمی، فعال اقتصادی و عضو اتاق بازرگانی استان البرز در گفت‌وگو با مهر با تاکید بر نقش صرافی‌های غیرمجاز و متخلف در بحران‌های ارزی اظهار کرد: هرچند با اقدامات بانک مرکزی شاهد کنترل و ثبات بازار ارز بوده‌ایم، اما این ثبات باید با یک برنامه اساسی و بنیادین تداوم داشته باشد. بی‌تردید در صورت مقطعی بودن ثبات بازار ارز، دلالان و صرافی‌های متخلف و غیرمجاز هم وارد میدان شده و حتی برخی از آنها بدون اینکه مکان مشخصی داشته باشند، شروع به سوءاستفاده از بحران خودساخته بازار می‌کنند. وی به نقش تاثیرگذار بانک مرکزی و همچنین بانک‌ها در انجام امور ریالی و ارزی اشاره کرد و گفت: ما در اتاق بازرگانی همواره سرمایه‌گذاران را تشویق به وارد کردن سرمایه‌هایشان از خارج به ایران می‌کنیم، اما بیشتر این افراد بعد از قبول سرمایه‌گذاری به مشکل بزرگی یعنی انتقال پول توسط صرافی برمی‌خورند. بی‌تردید اگر بانک مرکزی و بانک‌ها بتوانند تمام و کمال، سکان این امور را در دست بگیرند، سرمایه‌گذاران هم با خیالی آسوده و به‌راحتی می‌توانند وارد ایران شوند، اما چون بنا به دلایلی چنین بستری مهیا نیست، گرفتار بازار سیاه و حباب ناگهانی بازار و صرافی‌های متخلف و غیرمجاز می‌شوند. قاسمی به تاثیر تحریم‌های امریکا و غرب بر روند امور ارزی بانک‌های کشورمان اشاره کرد و گفت: هرچند بر این باورم که بانک‌ها باید نبض کار ارزی کشور را در دست داشته باشند و بتوانند به‌راحتی در تخصیص و جابه‌جایی ارز فعالیت کنند، اما بزرگ‌ترین مشکل ما در این زمینه، بحث تحریم است که اجازه تهیه و جابه‌جایی ارز را به بانک‌های ایرانی نمی‌دهد. این محدودیت بین‌المللی یکی از بزرگ‌ترین مشکلات سرمایه‌گذاری در کشور ما است و علاوه بر بحث تامین ارز، بر روند رشد و توسعه صنعت و تولید ما هم تاثیر می‌گذارد. این عضو اتاق بازرگانی درباره برخورد قانونی با صرافان غیرمجاز و متخلف گفت: صرافان متخلف ممکن است مجوز هم داشته باشند؛ بنابراین بانک مرکزی و دستگاه قضا نیز باید با نظارت دقیق بر عملکرد آنها زمینه تخلف را محدود و با متخلفان با جدیت برخورد قانونی کند؛ در غیر این صورت سنگ روی سنگ بند نمی‌شود، چون زمانی‌که بانک‌ها نقش زیادی در تامین و تخصیص و جابه‌جایی ارز ایفا نکنند و تمام کار به‌دست صرافان متخلف بیفتد، شاهد بازار آشفته‌ای خواهیم بود که در آن ارز هر روز با یک نرخ عرضه می‌شود.

رئیس اتحادیه صادرکنندگان سرب و روی

تنبیه صادرکنندگان سرب و روی؟

صنعت سرب و روی از دیرباز با چالش‌های داخلی و خارجی متعددی مواجه بوده است که به گفته صنعتگران و تولیدکننده‌های این صنعت، با روی کار آمدن مسوولان و مدیران مختلفی این مشکلات همچنان پابرجا هستند و چه‌بسا به تعداد چالش‌ها طی سالیان متوالی افزوده شده است.

محدودیت برق، تامین و واردات مواد اولیه، تعیین و پرداخت عوارض صادراتی، قیمت‌گذاری غیرمعقول و دستوری و تامین تجهیزات و ماشین‌آلات معدنی ازجمله معضلات صنعت سرب و روی به حساب می‌آید. در این بین تولیدکنندگان و صادرکنندگان فعال در این حوزه نسبت به میزان عوارض صادراتی تعیین‌شده بیش از سایر چالش‌ها گلایه‌مند هستند و بازنگری در این خصوص را یک الزام می‌دانند.

صنعت سرب و روی یکی از بخش‌های معدنی مهم در کشور به حساب می‌آید که به دلیل وجود ذخایر معدنی غنی این حوزه به یکی از ستون‌های درآمدزایی تبدیل شده است. تولید سرب و روی در دهه‌های اخیر در کشور رشد یافته و با توجه به ذخایر غنی معدنی سرب و روی، واحدهای فرآوری این محصول احداث شده است. این صنعت در حال‌حاضر علاوه بر تامین نیاز داخلی، ظرفیت صادراتی قابل‌توجهی نیز دارد، اما قانون‌گذاری‌های نادرست مسیر صادرات را با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های صنایع و معادن سرب و روی ایران در گفت‌وگو با خبرنگار «دنیای‌اقتصاد» اظهار کرد: وزیر جدید صمت با وعده حذف قیمت‌گذاری دستوری روی کار آمد اما همچنان هیچ اتفاق مثبتی در این خصوص نیفتاده است و اصرار



بر این است که به‌رغم اینکه سالانه ۲۲۰هزار تن روی تولید می‌شود، اما چیزی حدود ۴۰هزار تن مصرف می‌شود که تولیدکننده با قیمتی که دولت تعیین می‌کند محصول خود را در بورس‌کالا عرضه کند. چالش بعدی قیمت‌گذاری غیرمعقول است.

قطعی برق، بلای جان صنعت شده است

حسن حسینقلی افزود: از طرفی زمانی که کنسانتره یا هر محصول دیگری که صادر می‌شود ارز حاصل از آن باید در بازار دوم یا از طریق ثنا به دولت بازگردانده شود. این در حالی است که تمام هزینه‌های تولیدکننده با دلار ۵۰هزار تومان محاسبه می‌شود و درآمدهای حاصل از صادرات با دلار ۴۰هزار تومانی برآورد می‌شود. قطعی و محدودیت برق در فصل تابستان یکی دیگر از معضلات صنعتگران حوزه سرب و روی است، هر واحد تولیدی کوره دارد که به عنوان مثال متراژ هر کوره ۶ متر است و در داخل کوره آجر نسوز وجود دارد و گرم شدن آجرهای نسوز به زمان زیادی نیاز دارد که با قطع شدن برق سرد شدن آجرها نیز زمان زیادی می‌برد و وقتی که به مدت ۱۲ ساعت برق قطع می‌شود، مجبور به خاموش کردن کوره هستیم و برای روشن شدن مجدد زمان زیادی سپری می‌شود و تکرار این رویه بر میزان تولید اثرگذار است.

وی در ادامه گفت: از طرفی کارخانه فلوتاسیون زمانی که کار می‌کند چیزی حدود ۲۰۰ تن خاک و گل در هر سلول وجود دارد که با قطع برق این خاک و گل ته‌نشین می‌شوند و سپس مجبور می‌شویم خاک‌ها را از سلول خارج کنیم و بیرون بریزیم که این کار نیز چند روز طول می‌کشد و زمانی که به پایان می‌رسد مجددا برق را قطع می‌کنند. قطع برق مشکلی است که برای صنایع معدنی به‌ویژه سرب و روی به وجود آمده است، کارخانه تولید سرب و روی بقالی نیست که با محدودیت برق اتفاق خاصی نیفتد. کارخانه باید به صورت ۲۴ ساعته و بدون وقفه کار کند و زمانی که برق را قطع می‌کنند باعث کاهش تولید و درآمد می‌شوند و ادامه این روند موجب تعطیلی کارخانه و بیکاری تعداد زیادی نیروی کار می‌شود.

عوارض صادراتی نیاز به بازنگری دارد

رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های صنایع و معادن سرب و روی ایران عنوان کرد: با وجود این نوع مشکلات، عوارض صادراتی را نیز به جمع معضلات اضافه کنیم. همه صنایع معافیت مالیاتی شامل حالشان می‌شود، اما در بخش معدن لیست بلندبالایی صادر شده که این بخش‌ها معافیت مالیاتی ندارند. علاوه بر این عوارض صادراتی ۰/۵ درصدی از ابتدای سال تاکنون نیز برای بخش سرب و روی در نظر گرفته شده است و به تازگی مصوبه‌ای توسط هیات وزیران ابلاغ شده که عوارض صادراتی از ابتدای سال ۱۴۰۲ افزایش پیدا کند. به عنوان مثال تولیدکننده‌ای که ابتدای سال ماده اولیه خریداری کرده و بعد از تولید آن را صادر کرده و ۰/۵ درصد آن را نیز محاسبه کرده است، اکنون باید عوارض صادراتی مجددا محاسبه و پرداخت کند. حال سوالی مطرح می‌شود که مگر سود این کار چقدر است که بخواهیم مقدار بیشتر فروش را تحت عنوان عوارض صادراتی به دولت بازگردانیم.

حسینقلی در ادامه تاکید کرد: تامین مواد اولیه چالش دیگر صنعت سرب و روی به حساب می‌آید، به طوری که اکنون مبلغ مواد اولیه را پرداخت می‌کنیم اما شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران حدود یک سال آینده خاک را به تولیدکننده تحویل می‌دهد. در خصوص واردات خاک نیز باید گفت اکنون واردات از آفریقا در قالب ماده ۱۲ و ورود موقت انجام می‌شود، در گذشته نیز واردات بود اما شمش تولیدشده صادر می‌شد و اکنون شرایط به نحوی رقم می‌خورد که دلار حاصل از شمش‌های صادراتی باید بازگردانده شود و همچنین عوارض صادراتی نیز باید پرداخت شود. در رابطه با ماشین‌آلات نیز به تصویب رسیده که باید یک‌هزار و ۲۵۰ دستگاه ماشین‌آلات وارد کشور شود که سوخت ایرانی مطابق با آنها نیست و این در حالی است که صنعت به ۲۰هزار دستگاه نیاز دارد که با عدد اعلام شده همچنان مشکل صنعت حل نخواهد شد. از طرفی شرکت هپکو و سایر تولیدکننده‌های ماشین‌آلات داخلی همگی باهم توان تولید ۵۰۰ دستگاه ماشین را ندارند و به صورت جدی با کمبود ماشین و تجهیزات مواجه هستیم.

تا به امروز با تغییر وزیران صمت اتفاق مثبتی در صنعت نیفتاده است و امیدوار هستیم که وزیر جدید صمت صدای صنعتگر و تولیدکننده را بشنود و مشکلات را از زبان خودمان بشنود و با همفکری و همکاری یکدیگر چالش‌ها را به حداقل برسانیم.

قرعه مقصد هیات تجاری مازندران به نام روسیه افتاد

توسعه تجارت با اجرای کریدور سبز گمرکی

قرعه سفر و اعزام نخستین هیات تجاری و اقتصادی مازنـدران در دولـت کنونی بـه کشـورهای خارجی و همسـایه به نام روسیه ثبت شد تا دیپلماسی اقتصادی دولت سـیزدهم در کرانـه دریای خزر رنـگ عملیاتی بـه خود گیرد. در سـال‌های اخیر تعداد زیادی اسـناد همـکاری میان ایران و روسـیه برای تسـهیل فعالیت تجاری امضا شـده که بارزترین آن همکاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا بود که از سال ۱۳۹۷ آغاز شد تا تجار ایرانی بتوانند کالاهای مشـخصی را با تعرفه ترجیحی یا صفر به کشـورهای عضو این اتحادیه ارسـال کنند. امضای توافقنامه کریدور سـبز گمرکی در سال ۱۳۹۵، تعرفه ترجیحی برای صادرات شـیلات ایران به روسیه در سـال ۱۳۹۴، ایجـاد کریدور سـبز گمرکـی میان ۲ کشور و قانون حمایت از سرمایه‌گذاری متقابل در سال ۱۳۹۵ هم از دیگر اسـناد مهم اسـت. پیوسـتن ایران به سـازمان همکاری شـانگهای هم یکـی از مهم‌ترین پیمان‌هایی است که موجب تسهیل در همکاری تجاری با روسیه می‌شود.



عکس: صمت

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

با توجه به شرایط روسیه در مواجهه با تحریم‌ها، این کشور تغییر رویکرد به سوی اوراسیا داشته و همکاری با کشورهایی همچون چین، هند، ایران، ترکیه و همسـایگان آسیای مرکزی را در اولویت قرار داده که آمار مبادلات تجاری این کشـورها با روسیه در ماه‌های اخیر خود گویای شرایط جدید است. در این شرایط جمهوری اسلامی ایران برای روسـیه جایگاه ویژه‌ای دارد و تنها کشوری است که در شدت تحریم دسـت کمی از روسیه ندارد و علاوه برنداشتن هیچ مانع سیاسی و بروکراتیک برای همکاری اقتصادی با روسیه، تولیدات فراوانی دارد که روس‌ها از آنها استقبال می‌کنند.

ضرورت توسعه زیرساخت‌های تجاری

رئیس سـازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان مازندران در گفت‌وگو با مهر با اشـاره به اینکه روابط ایران و روسیه تاریخی پردامنه و پرفراز و نشـیب دارد، اما نزدیکـی جغرافیایی و نیاز ژئوپلیتیکی روسـیه به ایران، همواره حافظ سـطح بالای روابط سیاسـی بوده اسـت، افزود: متأسـفانه حجم مبادلات تجاری دو کشـور، حداقل در دوره معاصر، چشـمگیر نبوده است. فرج‌الله فتح‌الله‌پور اظهارکرد: با توجه به شرایط ویژه روسیه، گسترش تجارت با ایران در محورهایی همچون همکاری بانکی گسترده برای ایجاد یک نظام پرداخت مناسب و قابل اتکا برای تسـهیل تجارت و سرمایه‌گذاری، تجارت حامل‌های انرژی به‌ویژه گاز، نفت خام و فرآورده‌های نفتی و توسـعه بازارهای صادراتی گاز ایران با مشـارکت طرف روس، گذردهی بار از کریدور شمال - جنوب به ویژه با تمرکز بر استفاده کامل از ظرفیت و زیرساخت‌های موجود و توسعه زیرسـاخت‌های جدید، انجام هماهنگی لازم بین ۲ کشـور در زمینه اسـتانداردهای اقلام و محصولات مختلف صنعتی و کشاورزی، تبادل محصولات کشاورزی شامل واردات غله از روسیه و صادرات محصولات کشاورزی گرمسیری به روسیه و استفاده از موقعیت ایران برای تبدیل شدن به هاب ترانزیتی و سـوآپ محصولات کشاورزی روسیه و دیگر حوزه‌های مرتبط در دسـتور کار قرار دارد. وی افزود: با توجه به موارد یاد شـده و نقش مهم استان مازندران در مسیر کریدور شمال-جنوب و به منظور افزایش تعاملات اقتصادی بین اسـتان مازندران با کشـور روسیه، نخستین هیات اقتصادی استان به روسیه سفر کرد. فتح‌الله‌پور با اشاره به نشست‌های مختلف با مسئولان استان‌های روسیه از جمله ولگاگراد گفت: این استان در مسیر کریدور شمال به جنوب قرار دارد و همـه بارهـا از محدوده ولگاگراد در روسـیه می‌گـذرد، از این روی یکی از اسـتان‌های اصلی به شـمار می‌رود زیرا با آسـتراخان روسیه ارتباط حمل‌ونقل داشـته و مکمل هم هستند. وی ایجاد هاب یا مرکز لجسـتیک بزرگ برای تجارت ولگاگراد را لازم دانسـت و گفت: چند مرکز بزرگ لجستیک و جاده کنارگذر ولگاگراد در حال ساخت است.



رئیـس سـازمان مدیریـت و برنامه‌ریزی مازنـدران تصریح کرد: با توجـه به اینکه طرف روسـی در دولت‌های قبلـی ایـران پروژه‌های سـرمایه‌گذاری پیشـنهاد داده بود، ضروری اسـت بین روسـای دو اتاق مازندران و ولگاگراد تعامل مناسـبی برقرار شود و باید محور همکاری روابط بین دولت‌ها باشد و دولت‌ها مسئولیت قبول کنند.

فتح‌الله‌پور بر ضرورت تغییر مسـیر تامین نهاده‌های دامی از جنوب کشور به شمال کشور و از طریق ولگاگراد تاکید کرد و گفت: مشکلات و قوانین سـختگیرانه گمرک ولگاگراد نیازمند اصلاح است و از سوی دیگر مازندران به‌دنبال ایجاد کریدور سبز گمرکی است.

وی یادآور شد: واردات نهاده‌های دامی از ولگاگراد در مقابل صادرات مرکبات و کیوی به ولگاگراد از دیگر برنامه‌ها است.

محورهای دیپلماسی اقتصادی استان

مازندران در پازل کریدور شمال - جنوب قرار دارد و با توجه به اهمیت این کریدور لزوم همکاری در زمینه‌های مختلف اقتصادی، آموزشی، فرهنگی و ... از دیگر محورهای دیپلماسـی اقتصادی اسـتان به شمار می‌رود که در نخستین سفر تجاری و اقتصادی مورد تاکید قرار گرفت. سید محمود حسینی پور، استاندار مازندران در این زمینه گفت: درحال‌حاضر بسیاری از مراودات تجاری از طریق مرز کشور آذربایجان انجام می‌شود در صورتی که مسـیر دریایی از منظر اقتصادی و ژئوپلیتیکی مهم اسـت و از این رو ضرورت توجه به هاب تجاری و ترانزیتی منطقه و تعامل و ارتباط با ولگاگراد از منظر فنی و زیرسـاختی مهم اسـت. وی در گفت‌وگو با مهر اظهارکرد: باید تعیین شود ظرفیت موجود چیست و چه اقداماتی برای توسعه روابط اقتصادی انجام شـود، همچنین برای تقویت موضع ۲ استان برای اجرای چند پروژه که بتوان آن را به صورت مشـترک برای منافع ۲ اسـتان اجرا کرد، توسعه روابط دوجانبه باید منجر به تقویت روابط با کشورهای ثالثی مثل هند شـود. حسینی‌پور افزود: مشکلاتی در بعضی گروه کالاها وجود دارد و بایسـتی روش کار سیسـتمی برای رفع مشـکلات مورد توجه قرار گرفته و به گونه‌ای عمل تا منافع دو کشور رعایت شود. استاندار مازندران گفت: پیشـنهاد شـد کارگروه مشترکی توسط دو استان تشکیل شود که در آن پروژه‌های مورد نظر اسـتان ولگاگراد بررسـی شده و پیشنهادهای اجرایی در مدت ۳ ماه ارائه و سـپس با حضور اسـتاندار ولگاگراد در استان مازندران قراردادها امضا شود. حسینی‌پور گفت: در طول این ۳ماه افرادی که اعضای این کارگروه هستند تمامی ظرفیت‌های ۲ اسـتان را بررسی کنند زیـرا راهبرد اصلی فعال کردن کریدور شمال - جنوب است و نه صرفا ارتباط بین دو اسـتان، لذا در ایـن راهبرد از ظرفیت‌های فراگیر ۲ استان بهره‌مند خواهد شـد. وی ادامه داد: نیازمندی‌های روسـیه و ایران طی یک‌سـال گذشته احصا شد و می‌توان پیرامون آن مذاکره کرد و قرار شد ظرف یک ماه آینده یک جلسـه ویدئو کنفرانس بین دو اسـتان برگزار شـود تا بعدا کارگروه برای پیگیری مسائل به ایران سفر کند.



حجم مبادلات ۳ برابر می‌شود

اواخر اردیبهشت روسای گمرکات ایران و روسیه در نشستی مشترک ضمن توافق بر تسهیل تجارت و توسعه ترانزیت بین ۲ کشور بر این نکته تاکیـد کردند در صورت همکاری‌های بیشـتر، امکان افزایش ۳ برابری حجم مبادلات میان این دو شریک تجاری وجود خواهد داشت.

براسـاس آمار گمرک، حجم مبادلات تجاری ایران و روسـیه در سال گذشـته حدود ۲ میلیارد و ۳۲۰ میلیون دلار بوده که با این شـرایط این کشور توانست عنوان ششمین صادرکننده کالا به ایران را از آن خود کند؛ حال با توجه به توافق صورت گرفته میان ۲ کشور می‌توان گفت این دو کشور دارند جایگاه خود را در سطح مبادلات بهبود بخشند.

رئیـس کل گمـرک ایران در این دیدار با اشـاره بـه اینکه زمینه‌ها و سرفصل‌های همکاری بین ۲ کشور برای تسهیل تجارت ادامه می‌یابد و با اراده‌ای که بین ۲ کشور وجود دارد توسعه همکاری‌ها و افزایش حجم مبادلات تجاری بیش از پیش خواهد شـد. بـه گفته محمد رضوانی‌فر، علاوه بر تسهیلگری تجارت بین ۲ کشور، گمرک ایران برای ارائه خدمات و تسـهیلات ویژه به فعالان اقتصادی مجاز روسـیه در قالب کریدور سبز گمرکی آمادگی دارد و این همکاری‌ها با امضای موافقتنامه همکاری در قالب فعالان اقتصادی مجاز بین ۲ کشـور گسـترش خواهد یافت. علاوه بر موافقتنامه صورت گرفته میان ایران و روسیه رئیس کل گمرک ایران از امضای موافقتنامه سـه جانبه ترانزیت بین ایران، روسـیه و آذربایجان خبـر داد و اعـلام کرد با توجه به ظرفیت‌های ترانزیتی بین ۲ کشـور و کریدور شمال و جنوب با توسعه همکاری‌ها، حجم ترانزیت بین ۲ کشور فعـالان اقتصـادی بر هدف افزایش حجم مبادلات بین ۲ کشـور تاکید کرد. رئیس گمرک فدراسیون روسیه با اشاره به اینکه یکی از مسیرهایی افزایش چشـمگیری خواهد یافت و با توجه به ظرفیت‌های اقتصادی دو کشـور و تنوع و حجم تولیدات ۲ کشـور با همکاری‌های بیشـتر، حجم مبادلات بین ایران و روسـیه به بیش از ۳ برابر قابل افزایش اسـت. اما آنچه می‌تواند توان تجاری ۲ کشور را افزایش دهد به استفاده از ظرفیت دریای خزر و توسـعه مبادلات دریایی و اسـتفاده از ظرفیت ریلی از مرز سرخس باز می‌گردد، مسیری که می‌تواند ایران را به کشورهای حاشیه دریای خزر متصل کند. روسلان داودف، رئیس گمرک فدراسیون روسیه نیز در این دیدار با اشـاره به تسـهیل و تسـریع امور گمرکی و کمک به



کـه به افزایش حجم مبادلات تجاری بین ۲ کشـور کمک می‌کند، استفاده از مسیر سبز گمرکی ایجاد شده بین دو کشور اسـت، افزود: افزایش تعداد کالاهـای مورد مبادله در این کریدور از جملـه کالاهای فنـاوری منجر به افزایش حجم مبادلات تجاری خواهد شـد. روسـلان داودف با اشاره به اهمیت توافق سـه جانبه ایران، روسـیه و آذربایجان در زمینه ترانزیت گفت: هدف ما توسعه ظرفیت ترانزیتی است و در این‌باره، همکاری‌های لازم را انجام می‌دهیم تا ترانزیت افزایش یابد.

سخن پایانی

مازندران در کریدور شـمال - جنوب نقش ویژه‌ای دارد و داشتن ۳ فرودگاه و ۳ بندر فعال، ضریب اهمیت این استان را دوچندان می‌کند و تقویت تعاملات با کشـورهای همسایه باید به عنوان راهبرد اساسی در اسـتان‌های شمالی مورد توجه قرار گیرد. بنابراین ضرورت توجه به هـاب تجاری و ترانزیتی منطقـه و تعامل و ارتباط با ولگاگراد از منظر فنی و زیرسـاختی مهم اسـت. طی نیم سال ۱۶۶ هزار تن ذرت و جو از سـوی ولگاگراد و از طریق کشـور آذربایجان و... به ایران وارد شد و قرار شد مسـئولیت هیات مازندران با معاون هماهنگی امور اقتصادی و گردشـگری استانداری مازندران باشد و در این فرآیند اجرایی شدن موضوعاتی همچون تجارت و بازرگانی، گردشگری، صنعت، کشاورزی، دانش‌بنیان و... پیگیری و عملیاتی شـود. بنابراین ایجاد هاب بزرگ تجـاری و ضرورت تغییر مسـیر واردات نهاده‌هـای دامی از جنوب به شـمال فرصتی مناسـب برای مازندران در راسـتای تقویت ارتباط با کشورهای حاشیه دریای خزر به شمار می‌رود.

حجم مبادلات تجاری ایران و روسیه، حداقل در دوره معاصر، چشمگیر نبوده است

در حال‌حاضر بسیاری از مراودات تجاری ایران و روسیه از طریق مرز جمهوری آذربایجان انجام می‌شود

با اراده‌ای که در مسئولان ۲کشور وجود دارد توسعه همکاری‌ها و افزایش حجم مبادلات تجاری بیش از پیش خواهد شد

روی خط خبر

۲۷ میلیون خانوار ایرانی از نعمت گاز برخوردارند



مدیرعامل شرکت گاز اسـتان البـرز با اشـاره به مقایسـه عملکرد گازرسانی به شهرها و روستاها در قبل و بعد از انقلاب گفت: قبل از انقلاب ۵ شهر و یک روستا و ۵۰ هـزار خانوار از نعمـت گاز برخوردار بودند امروز هزار و ۲۶۰ شـهر و ۳۶ هـزار روسـتا از نعمت گاز بهره‌مند هسـتند و هر روسـتایی که بالای ۲۰ خانوار داشـته باشد در طرح گازرسانی دیده شده است.

به گزارش خبرنگار صمت از اسـتان البرز، سیدرضا غفاریان با بیان اینکه درحال‌حاضر ۲۷ میلیون خانوار از نعمت گاز استفاده می‌کنند، افزود: اینکه روستاهای استانی که پایتختی کشور را یدک می‌کشیده یا اینکه روستایی در ۵۰۰ متری شهر کرج بوده و از نعمت گاز بی‌بهره بوده جای بسـی تاسـف دارد و از دیر رسیدن خدمت عذرخواهی می‌کنیم، با این تفاوت که در آغاز دولت سیزدهم قرار شد که این عقب‌ماندگی‌ها جبران شود.

وی بـا بیان جبران این عقب‌ماندگی‌ها خاطرنشـان کرد: شرط حضور در استان البرز را منوط به پشتیبانی مسـئولان عالی رتبه وزارت نفت و شـرکت ملی گاز ایـران قرار دادم و بـا اتکا به این پشـتیبانی از محل اعتبـارات وزارت نفـت حـدود هـزار و ۲۰۰ میلیارد تومان اعتبـار برای پروژه‌های گازرسـانی در البرز در نظر گرفته شد.

مدیرعامل شـرکت گاز استان البرز ادامه داد: در ۱۵ ماه گذشـته تمام روسـتاها و تنها شهر البرز از نعمت گاز بهره‌مند شـد و برای نخستین بار برای تسریع در انجام پروژه‌ها شعار «سالی به یادماندنی در گازرسانی جهـادی بـه روسـتاها» انتخـاب کردیم و بـا تدبیر کوشـیدیم برای تحقق این شعار موجب امید آفرینی میان روستانشینان شویم.

غفاریـان اضافـه کرد: برای سـرعت بخشـیدن به پروژه‌ها پیمانکاران متعدد به کار گرفتیم و تامین کالا را خود عهده دار شـدیم برای امید آفرینی میان مردم روسـتاها در محور کرج به کنـدوان و طالقان حضور پیدا کردیم و به عنوان مدیرعامل شـرکت گاز استان البـرز وظیفه نظارت بر پروژه را هم عهده دار شـدم و هر هفته سرکشی می‌کردم.

وی بـا بیـان دشـواری‌های اجـرای ایـن پروژه‌ها خاطرنشـان کرد: سفرهای گردشـگران، نبود نقشه از زیرسـاخت‌های ارتباطی و تداخل با سایر دستگاه‌های خدمات رسان موجبات کند شـدن پروژه‌ها شده بود که بـا درایت و میانداری مجتبی عبداللهی اسـتاندار البـرز به‌تدریج معضـلات نام برده شـده رنگ باخت. مدیرعامل شرکت گاز استان البرز گفت: حجم خدمات این شـرکت به گونـه‌ای رقم خورد که بعـد از پروژه گازرسانی به روسـتاها جاده هایی که قابل دسترسی نبود، اکنون به وسیله پراید قابل تردد است.

غفاریـان بـا بیـان اینکه تـا شـهریور ۱۴۰۲ همه علمک‌های منازل در روسـتاها نصب می‌شـود، افزود: در اجرای پروژه گازرسـانی به روستاها ۴۵۰ کیلومتر شـبکه پلی اتیلن و ۱۵۰ کیلومتر شـبکه فولادی کار شـده است، ۵۶ هزار مشترک به مشـترکان گاز البرز افزوده شـده است. وی خاطر نشـان کرد: یک شهر و تمام روسـتاهایی که به علت برودت هوا نیمی از سال خالی از سـکنه بود و گاز نداشتند اکنون از این نعمت بهره‌مند هسـتند، در این مدت به ۵۳۰ واحد صنعتی گازرسانی شده است، در دولت سیزدهم برای نخستین بار خانواده‌های تحت تکفل کمیته امداد و بهزیسـتی از خدمات رایگان شـرکت گاز برخوردار شدند، هزینه لوله کشی این خانواده‌ها رایگان است.

مدیرعامل شرکت گاز استان البرز ادامه داد: مشکلات گازرسانی به افرادی که داخل بافت شهری بودند اما به واسطه فقدان و خلأ قانونی نمی‌توانستند از خدمات ما استفاده کنند، با تمهیدات اندیشیده شده به آنان - که حدود ۷هزار نفر - خدمات‌رسانی شد.

غفاریـان خاطر نشـان کـرد: با اجـرای پروژه‌های گازرسـانی به روستاها قطعا شاهد اتفاقات شگرفی در حوزه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خواهیم بود؛ چرا که معتقدیم در سـال‌های پیش رو گاز محور توسـعه اسـت و با اتمام این پروژه‌ها چه‌بسـا دوباره روستاها محور تحـولات اجتماعی قرار بگیرند و شـاهد رونق اقتصاد روسـتایی و کنش‌هـای اجتماعی و مهاجرت معکوس باشیم.

کشت قراردادی ۴۵۵ هزار هکتار در آذربایجان شرقی

رئیس سـازمان جهادکشـاورزی استان آذربایجان شـرقی از برنامه ریزی برای انجام کشت قراردادی در سـطح ۴۵۴ هزار و ۸۹۰ هکتار در سـال زراعی آینده در آذربایجان شرقی خبر داد.

اکبر فتحی در گفت‌وگو با مهر درباره سیاست‌های حمایتی سازمان از کشت قراردادی افزود: کشـاورزان استان آذربایجان شرقی برای اجرای کشت قراردادی حمایت می‌شوند و در بسته سیاسـت‌های حمایتی امسال، مهم‌ترین حمایت وزارتخانه در زمینه توزیع کودهای فسفاته و پتاسه میان کشاورزان قراردادی و کسر وجه آن در زمان تحویل محصول است.

وی با بیان اینکه کشـت قراردادی در اسـتان آذربایجان شـرقی شـامل گندم آبی و دیم، جو دیم و دانه‌های روغنی شـامل کلزا، گلرنگ و کاملینا می‌شـود ادامه داد: حمایت دیگر از کشاورزی قراردادی در بخش بیمه محصولات صورت می‌گیرد به طوری‌که تعرفه بیمه خاص کشت قراردادی پیش‌بینی شده و این تعرفه ۲۰ درصد تخفیف خواهد داشت.

وی در زمینه عملکرد این سـازمان در حوزه کشـت قراردادی در آذربایجان شـرقی گفت: در سـال زراعی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بیـش از ۲۲ هزار هکتار گندم آبـی در قالب حدود ۵ هزار و ۸۰۰ قرارداد که ۳۳ درصد سـطح کشـت گندم آبی استان را شامل می‌شد، تحت کشاورزی قراردادی قرار گرفت.

وی درباره جزئیات برنامه کشـت قراردادی سال زراعی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ گفت: در سال زراعی آینـده حداقـل ۶ میلیون و ۱۶۵ هزار هکتار کشـت قراردادی گندم، جـو و دانه‌های روغنی هدف‌گذاری شده که از این میزان ۵.۵ میلیون هکتار گندم، ۴۰۰ هزار هکتار جو و ۲۶۵ هزار هکتار دانه‌های روغنی در سطح کشور پیش‌بینی شده است.

رئیس سـازمان جهاد کشاورزی اسـتان آذربایجان شـرقی از ابلاغ برنامه کشت قراردادی سـال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در آذربایجان شرقی خبر داد و افزود: کشت قراردادی با توجه به شرایط آب‌وهوایی از ۱۵ شهریور امسال آغاز خواهد شد.

تسهیل تردد زوار در مرز خسروی

وزیر کشـور با اشاره به اتخاذ تدابیر برای مراسـم اربعین گفت: تردد زوار در مرز خسروی و منذریه در ایام اربعین تسهیل می‌شود. به گزارش مهر، احمد وحیدی در مرز خسروی در جمع خبرنگاران اظهار کرد: بازدید از پروژه‌های اربعین در استان کرمانشاه و شرایط مرز خسروی با همراهی وزیر کشور عراق برای تسهیل تردد زوار انجام می‌شود.

وی افزود: برای سومین بار بازدید از مرز خسروی انجام گرفت و موضوعاتی مانند حمل‌ونقل، تردد گذرگاهی، گذرنامه و امکان رسیدگی بهداشتی بهتر برای زوار مورد بحث قرار گرفت.

وزیر کشور تصریح کرد: در جلسه‌ای که با حضور وزیر کشور عراق انجام گرفت توافقات صورت گرفته مورد تاکید طرفین برای تسریع در اجرا توسط مسئولان محلی قرار گرفت.

وحیدی بیان کرد: امیدواریم با انجام به موقع اقدامات لازم و بهره‌برداری از پروژه‌ها امسـال بتوانیم شرایط بهتری را نسـبت به سـال گذشته برای زوار فراهم کنیم. وی با اشـاره به گرمای هوا، گفت: ایجاد سایبان‌ها، حمل‌ونقل و تسهیل برای تردد در گذرگاه‌ها فراهم خواهد شد.

شنبه
۱۴ مرداد ۱۴۰۲- ۱۸ محرم۱۴۴۵ - ۵ اوت ۲۰۲۳- شماره ۲۳۷۵-پیاپی۳۶۹۳

صمت
صنعت معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه صمت: www.smtnews.ir/about.html

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «صمت»

مدیرمسئول: عاطفه خسروی

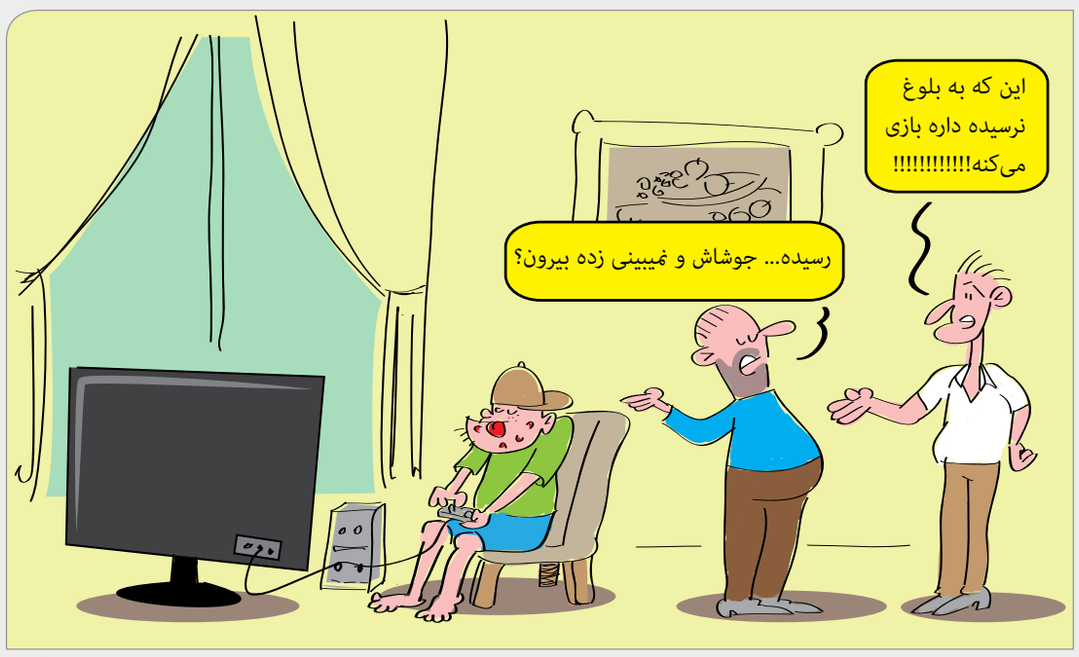
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۲ - ۰۹۹۹۱۹۵۷۶۱
ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmil.com
تلفن: ۸۲۱۹۰ - نمابر:(داخلی-۱۰۴) پیامک: ۳۰۰۰۸۲۱۹۰
امور مشترکین: ۸۸۷۲۲۷۳۵ - روابط عمومی: ۸۸۱۰۵۳۰۹
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۵
تهران، خیابان قائم مقام فراهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶- کد پستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱
روابط عمومی: pr@smtnews.ir
امور استان‌ها: ostanha@smtnews.ir
چاپخانه: صمیم

info@smtnews.ir
www.smtnews.ir
instagram.com/smtnewspaper
telegram.me/smtnews
tozi.smtnews@gmail.com

روزنامه صمت با رتبه ۱
در میان روزنامه‌های تخصصی مقام ۱
در میان روزنامه‌های اقتصادی مقام ۲

عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی
عضو انجمن مدیران رسانه
عضو تعاونی مطبوعات

کارتون روز



بدون شرح

طرح: حسین علیزاده

دیدن یا ندیدن هنر؛ نکته این است

بابک بهاری - منتقد: **نداند کسی راز چرخ بلند. حراجی تهران، یافتن مروارید از میان صد (هنرمند) و سده (صد سال) هنر معاصر ایران است. حراجی تهران با همه پست و بلندش و همه آه و ناله‌هایش آن‌هم در این فضای تلخ و... مکانی برای دیدن و صید مرواریدهایی است که به دلایلی از چشم‌ها دور مانده است. سرمایه در دنیای هنر یا هنرمند را به عرصه عمومی تماشا می‌کشاند یا چشم‌ها را فرو می‌بندند. آن‌هم در زمانه‌ای که هنرمند برای آفرینش هم با سرعت فضای مجازی و هم با سایر موارد مواجه است و باید برای موفقیت توجه ویژه‌ای به ۲ امر توأمان داشته باشد: ایده نو با اجرای نو، که گاه دومی بر اولی می‌چربد.**

با توجه به موارد یاد شده، اهمیت حراجی‌ها در نشان دادن آثار قابل توجه گمنام و به صحنه آوردن هنرمندانی است که پشت نام‌های بزرگ همیشه پنهان بوده‌اند.

سیطره بازار و تجارت بر همه عرصه‌های زیستی بشر از یک سو و خصلت اتوماسیون تبلیغی و نمایشی از سوی دیگر؛ نگاه سرمایه را به سمت تبلیغ هنر سوق داده و ناخواسته توجه توده‌های همیشه گرفتار را هم به امر هنر جلب کرده. همین توجه، نقطه مهم و قابل اعتنا در این حراج‌ها و شوها است. ماجرای موز کاتالان که یادتان هست!؟

ز گیتی دو چیز است جاوید و بس
دگر هر چه باشد نماند به کس

صمت در ادامه نگاهی دارد به ۴ اثر از ۴ هنرمند در چهارراه حوادث.

هنر: نقاشی
سبک نقاشی: رنگ و روغن
هنرمند: رضا حسینی (۱۳۲۶)

اتفاق قابل توجه در هنر تجسمی (نقاشی، مجسمه و...) آن است که در دهه‌های اخیر فارغ از هژمونی و گرایش جهانی توجه و ذهنیت ایرانی‌ها به هنر انتزاعی افزایش یافته و حتی کار به سرمایه‌گذاری روی این نوع آثار هم رسیده است.

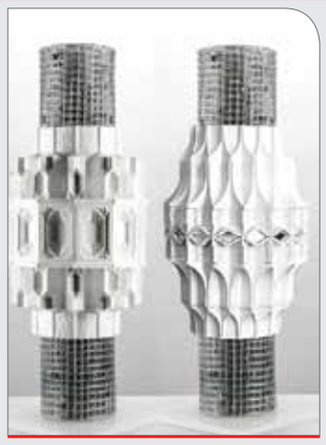
نقاشی پیش رو چیزی در حد نمایش فرم و قدرتش (رنگ، خط، شکل، بافت) است.

نخستین برخورد دیداری با شکل، مثلث بزرگ سمت راست در اثر است که با پیوند به تداخل رنگ‌های تیره و روشن که در مرکز اتفاق می‌افتد بلافاصله تبدیل به انرژی قدرتمندی می‌شود که ما را با خود به اعماق اثر می‌کشاند. اثر در عین آزاد بودن فرم‌هایش از لحاظ تقسیمات بصری و گردش دیدگانی بسیار حساب شده انجام شده است. توقفگاه‌های ۲ سمت رد قلم‌ها خاکستری در یک‌سوم پایین (خصوصا مثلثک‌ها) در زمینه‌های روشن به سمت بالا و پایین، حضور و هجوم رنگ‌های آشفته و درهم به مرکز (بخش شبیه به پاهای اسب)، ابر گون بودن رنگ‌های سپید در بیشتر نقاط که در نهایت به سمت مرکز سوق داده می‌شوند و نهایتا بخش‌های پوست‌گون چشمگیر است. حرکت درونی فرم‌ها که علاوه بر توجه ما در نهایت به تلاش ذهنی مخاطب نیز منجر می‌شود. در نهایت امر این اثر نوآورانه که اصالت اجرایی خود را دارد؛ دعوتی است برای ورود به جهان رنگ‌ها و زیبایی این جهان بی‌نهایت برای مخاطب.



هنر: مجسمه
تم: صنعتی
ساختار مجسمه: فایبرگلاس، توری گالوانیزه و گلوله‌های فولادی
هنرمند: کامبیز صبری(۱۳۴۶)

دومین اثر، تلفیقی از واقعیت و انتزاع با تم معماری و نقش صنعت پیش روی مخاطب است. اثر با نگاهی مدرنیستی و وام گرفتن از معماری ایرانی (محوریت فضا) و شاخص «تکرار» که ریتم و هارمونی را تشدید می‌کند اجرا شده است. ایده و مفهوم، نگاه نو، ترکیبی تازه و اجرایی مناسب اثر را قابل بررسی و تامل کرده است. شش‌ضلعی‌های دوار در طبقات متعدد تشدیدی از همگونی‌ها و هارمونی‌ها و نگاهی به رابطه فضا و نور در عین حفظ پستوخانه و مکان‌های خصوصی بسیار خوشایند جلوه کرده است. شباهت سازه به گلدسته آن‌هم با مصالح تازه و مدرن (فلز و...) در حقیقت بومی کردن یک امر جهانی، هم مبتکرانه و هم دلنشین اجرا شده است. برای انتخاب علیت انتخاب شکل گلدسته هم بدنیست به نقش و اهمیت گلدسته‌ها علاوه بر کارکردهای دیگرشان به عنوان راهنما برای مسافران گمشده در وادی‌ها و شهرها اشاره شود. این عنصر به نوعی علامت راهنمایی است در انبوه سازه گالری‌ها و.... که در نهایت با نگاهی به حضور مقتصدانه رنگ آن‌هم (سیاه و سپید)، اثر دچار سردی و بی‌طراوتی آثار مینیمال نشده و سعی شده با حضور خطوط منحنی و چین شکن‌ها حلاوت را در جان اثر بگنجاند. مهم‌ترین نکته در اثر، هویت داشتن و درنغلتیدن به کهن گرایی است. از سوی دیگر، به‌خاطر مدرنیسم غلتیدن به دامن بی‌هویتی است که اصالت هنر و ذهنیت هنرمند را رقم می‌زند. صدرنشینی سیاه بر سپید در نزد هنرمند شاید ترجمان بالاتر از سیاهی رنگی نبودن و شاید هم بودن است.



هنر: نقاشی
سبک نقاشی : اکریلیک
هنرمند: محمد طباطبایی (۱۳۶۶)

اثری چند وجهی و سرشار از انرژی که در عین فانتزی بودن نگاهی والاگرایانه به انسان و پیشینه‌اش گمشده در همهمه شادی کارکترهای اطرافش دارد؛ پیش روی بیننده است.

اجرای واقعی شخصیت‌ها و اشیا همانند آثار رنه مگریت (نقاش بلژیکی) در فضا و روابط غیر واقعی (سوررئال) برای بیان چنین امر مناقشه‌انگیز و پیچیده‌ای بسیار استادانه و موفق انجام شده است. زاویه دید، کادر افقی، اختصاص فضای یک سوم بالا (خط افق) به رنگ تیره با دانه‌بندی‌های ریز رنگی (کهکشان)، انتخاب رنگ از طیف آبی لاجوردی (نماد آسمان) برای لباس کارکترها شبه نظامی با چهره‌هایی شاد (میمون-پیشینیان) بدون هیچ سلاحی! و آبشاری از نور که هرستی فرو می‌ریزد و صحنه را روشن کرده و همه و همه برای بیان مناقشه انگیزترین ماجرای خاستگاه پیشینه انسان است.

به‌راستی این‌همه مهارت و تکنیک‌های پیدا و پنهان برای چه امری به‌کار گرفته شده و آیا موفق بوده است؟

پاسخ اینکه انسان و جایگاهش و یادآوری اینکه او شعور طبیعت است و بودنش نقطه مرکزی این تابلوست.

۳۱ میمون نظامی و یک میمون غیر نظامی و یک کودک سپید! همه شخصیت‌ها به انضمام همان نور در یک همهمه فراگیر که به بیننده نیز منتقل می‌شود، به‌راستی که فریادهای شورانگیز را می‌شود با چشم شنید!

زاویه دید اثر شباهت فراوانی به زاویه دید نقاشی قزاق‌ها اثر ایلیا رپین (روس) دارد.

نقش تاثیرگذار خطوط و شکل‌ها به‌همراه رنگ‌ها با شدت‌های متفاوت برای این نمایش بسیار کارآ شده‌اند و انتخاب رنگ نیلی نشانه از هوشمندی و کارکرد معنایی توسط هنرمند دارد که به پیشینه ذهنی همه ما مرتبط می‌شود و این نشان دادن چگونه بهره‌مندی موفق از ذهن دیگران است. نکته مهم در این اثر این است که فانتزی بودن اثر، امری جدی را بیان می‌کند. باری این نمایش زیبا و باشکوه هم ترانه انسان است و هم ترانه کهکشان.



هنر: نقاشی
سبک نقاشی: اکریلیک
هنرمند: نیلوفر قادری نژاد ۱۳۳۶

نمایش پناه و بی‌پناهی، زنی با دست‌های پر شمار نشسته بر خنگ زمین که با ضربه‌های پیاپی قلم توسط هنرمند به تصویر و تصور در آمده است. حرکت و جنبش نقطه مرکزی توجه بیننده است البته توجهی که ارزش چنین حساسیتی را دارد. انتزاع و واقعیت نبردی که در فرم رخ داده و در توازنی هماهنگ به‌سر می‌برند. تمرکز رنگ‌های گرم (طیف قهوه‌ای و زرد) همراه با خطوطی در هم شونده و بی‌قرار در مرکز اثر روشی موثر برای انتقال نگاه بیننده به آنجاست و سپس از طریق رنگ‌های سرد به اطراف می‌رود و این رفت و آمدهای متوالی یک گردش دیدگانی عالی را رقم می‌زند. بهره‌مندی از تضاد رنگ‌ها علاوه بر تقویت موضوع به برجسته کردن و مرکزیت بخشیدن و برگرداندن نگاه بیننده به سوژه را نیز بر عهده دارد. نکته قابل توجه چشم و کارکردش در تصویر است که با همه پوشاندنش به هزار زبان با ما در سخن است. تبلور جنسیت و جسم و احساس درونی هنرمند برای نمایش چنین امر پیچیده‌ای بدون واسطه با انتخاب مناسب سبک (مکتب) اکسپرسیونیسم (ابراز حالات درون) انجام شده که اتفاق شایسته این گونه آثار است (جیغ ادوارد مونک). باری شره‌های رنگ جایگزین اشک‌هایی است که بر بوم جاری شده‌اند. حالت و فیگور کارکتر نشانه‌های قوی از مباحث روانشناسی را در خودش دارد که از این منظر هم می‌توان نقاشی را بازخوانی کرد، حالت دو زانو نشستن (نشانه تسلیم) پوشاندن و بغل کردن توسط دست‌های متکثر خود کارکتر و آن نگاه ملتمس همه و همه همچون صفحات کتابی گشوده پیش روی‌مان برای خوانش این نبرد چند هزار ساله جنسیت‌ها و روح و روان آدمی در این کهکشان هزار تو به انتظار نشسته است. به‌راستی چه شده که همه وجود هنرمند را آتشی شده عالم‌خراش و کاشانه‌سوز.

در نهایت با همه پست و بلند این حراجی (کیست که نداند چیست)، مهم دیدن و آشنایی با هنرمندان و آثار کمتر شناخته شده است که می‌تواند نقطه روشنی برای همه ما دلبستگان هنر باشد و در نهایت:

کسی را که خواهد کند ارجمند
ز پستی بر آرد به چرخ بلند

یادداشت

هنر رهایی از خود



مهدی کاوه‌ای
عکاس

هنر زبانی‌است جهانی برای ارتباط بین انسان‌ها. به عنوان مثال موسیقی که در آن‌سوی دنیا یک نوازنده آلمانی زبان می‌نوازد، در این سر دنیا برای یک شنونده فارسی زبان نیز لذت‌بخش است و از شنیدن آن لذت می‌برد. هنر بدون مرز و بوم حرف خود را منتقل می‌کند چون با روح سر وکار دارد و زبان روح؛ یک زبان جهانی است.

رسیدن به این زبان جهانی در کار هنر ریاضت و آموزش و شکیبایی می‌طلبد و چیزی نیست که هنرمند یک‌شبه به آن برسد. شاید در دوره‌ای هنرمند به تقلید از بزرگان بپردازد اما باید مواظب باشد در دام تکرار نیفتد و آن را پله‌ای قرار دهد برای رشد. درحقیقت هنرمند هر قدر هم حرفه‌ای، بتواند اثر بزرگان را تکرار کند، باز حرفی جدید برای گفتن ندارد و همان حرف زده شده را باز تکرار می‌کند.

اما یک هنرمند در مسیر سیر و سلوک باید چه ببیند و بیاموزد که راه خود را بیابد و بتواند به آن زبان جهانی دست یابد؟

نخستین موردی که یک هنرمند برای کسب موفقیت باید از آن عبور کند، غرور کاذبی است که گاهی موجب می‌شود تشویق دیگران و به‌به و چه‌چه چند نفر هنرمند او را از پیشرفت و آموختن بازدارد.

حرف جهانی زدن یک بینش جهانی و مطالعه می‌خواهد و دستیابی به «شناخت» در گام نخست نیازمند شناخت از خود و اساسا شناخت از خود شروع می‌شود.

یک هنرمند نباید آموزه‌های خود را فقط معطوف به آموختن در رشته هنری خود کند و باید نگاه خود را فراتر برده و در این مسیر از خودشناسی گرفته تا شناخت جامعه و شناخت فرهنگ‌های مختلف و ادبیات و آیین‌ها گام بردارد.

به قول سهراب: چشم‌ها را باید شست/ جور دیگر باید دید.

هنرمند باید یاد بگیرد کجا می‌تواند ساده و بی‌آلایش حرف بزند و کجا با پیچیدگی‌های هوشمندانه سخن گوید و کجا حتی سکوت کند.

این روزها ربات‌ها و هوش‌های مصنوعی ادعای خلق آثار هنری را دارند و هر روزه از نظر تکنیک کارهایی بس حرفه‌ای از آنها می‌بینیم اما باز باید گفت هیچ‌گاه نخواهند توانست جای انسان را بگیرند و اثر هنری خلق کنند باید بدانیم اینها می‌آیند و در ابزار تغییرات ایجاد می‌کنند و خود نیز یک ابزار هستند و شکل خلق اثر را تغییر می‌دهند، اما باز مهم فکر و اندیشه پشت آنهاست که حرف می‌زند. باید دانست چیزهای هستند که نمی‌توان کد نویسی کرد و به ربات منتقل کرد احساسات یک هنرمند قابل کد نویسی نیستند. خلق و خوی و منش یک هنرمند قابل کد نویسی نیست. در این نبرد ربات همیشه بازنده است.

هیچ‌گاه یک ربات نمی‌تواند شاعر شود شاید به‌صورت تکنیکال کلمات را کنار هم بگذارد و قافیه و ردیف درست کند اما شعرش روح ندارد و فقط تعدادی کلمات هستند که کنار هم نشسته‌اند پس هنر واقعی چیزی است که از روح برخاسته و بر روح می‌نشیند. هنرمند واقعی دنبال این نیست که نامش را ماندگار کند، دنبال این نیست که بگوید این منم. او از من عبور کرده و وقتی از من عبور کنی، ماندگار می‌شوی.آن موقع چیزی را که خلق می‌کنی بارها و بارها درباره‌اش حرف خواهند زد و بارها و بارها تکرارش خواهند کرد پس هنرمند باید از خودنمایی عبور کند و این پله اول آن خودشناسی است همان‌گونه که بزرگان ما گفته‌اند از خودشناسی به خداشناسی رسیدن است

میانِ عاشق و معشوق هیچ حائل نیست
تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز

غرور را باید کنار گذاشت و باید متواضعانه دید با نگاهی نو و جست‌وجوگر؛ نگاهی شاگردانه و باید کارهای دیگران را دنبال کرد. باید یک جست‌وجوگر بود گاهی باید همه تن چشم شد و آن حقیقت ناب را یافت آن‌وقت است که به جای اینکه نام خود را فریاد بزند و بگوید که این را من خلق کرده‌ام اثرش او را به جهانیان می‌شناساند آن‌وقت است که دیگر نگران آن نیست کسی کار او را کپی کند چون طوری حرف زده که ناب شده است. بلکه از کپی کارش خوشحال هم می‌شود چون حرف ناب او را تکرار و منتشر می‌کنند.

دوستی به شوخی می‌گفت: همیشه مثل اهرام مصر طوری بساز که شک کنند به آنکه این کار زمینی‌ها است. دیگر دغدغه آن را ندارد که آیا کارش فروش خواهد رفت یا خیر؛ این اثر خلق شده است که همه را مانند آهنربا به خود جذب می‌کند.

در گذشته در کشور خودمان هنرمندانی بودند که حتی امضای زیر اثر خودشان هم نام‌شان نبود و خود را عبد خدا معرفی می‌کردند خود را هیچ می‌دانستند دنبال شهرت و نام نبودند و همین منش آنها قرن‌هاست که کار آنها را ماندگار کرده است.

هنرمند باید بداند غرور مانند شمشیری دولبه است در یک سو، می‌تواند از آن به‌عنوان انگیزه‌ای برای بهبود کارهای خود کند و او را به دنبال رسیدن به بالاترین سطح کیفیت کارهای خود بیاورد.

اما در سوی دیگر، غرور می‌تواند به عنوان یک عامل مخرب برای هنرمند درک شود که باعث می‌شود او در برابر پذیرش انتقادات و هدایت‌های دیگران بسته شود و به جای پیشرفت، او را در یک نقطه نگه دارد. از طرفی، غرور می‌تواند باعث شود که هنرمند به نحوی از ارتباط با دیگران به خوبی بهره نبرد و به عنوان یک فرد متمرکز بر خود، از فرصت‌های همکاری و همفکری با دیگران بی‌بهره بماند.

کسانی که در جاده هنر قدم بر می‌دارند و زندگی خود را صرف شهود و کشف خویشتن خویش می‌کنند، بدون شک در مسیر بی‌انتهایی که در پیش گرفته‌اند، هر یک به وسع خود از لذایذ معنوی فراوانی برخوردار می‌شوند و در این راه، هر کجا که هنرمند به خود باوری برسد، سهم بیشتری از معنویت جهان نصیبش می‌شود. اما اگر این خود باوری با اندکی لغزش به غرور مبدل شود، سبب محرومیت وی از برکات معنوی می‌شود و هر چقدر میزان این غرور، ذهن هنرمند را بیشتر احاطه کند، روند رشد و پیشرفت او را کندتر می‌سازد و در صورتی که هنرمند موفق به فروپاشی این مانع بزرگ نشود، جهان شاهد مرگ زندگی هنری وی خواهد شد.